



مطالب مندرج در "بولتن خبری" جهت اطلاع رفقا میباشد،  
و لزوماً محتوی آنها مورد تأیید سازمان دانش جویان ایرانی  
در آمریکا نمیشد.

شماره ۱۶

دسامبر ۱۹۸۸

آبان - آذر ۱۳۶۷

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## علیه اعدام و شکنجه برای آزادی زندانیان سیاسی بپاخیزیم

هم میهنان آزاد بخواه !

اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی در ابعاد وحشتناکی همچنان ادامه دارد. بر طبق اخبار و گزارشات در مهر و آبان ماه نیز گروههای دیگری از انقلابیون و معترضین به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند. در زندان اوین اعدام‌های دسته جمعی صورت گرفته است. اکثریت زندانیان سیاسی زندان دستگرد اصفهان تیرباران شده‌اند. در گچساران ۱۵ نفر، گرمسار ۲۳ نفر، جهرم ۱۹ نفر و... توسط جلادان حکومت اسلامی اعدام شده‌اند. موج اعدام هر شهر و زندانی را در ایران به ماتم نشسته در می‌نوردد و از فرزندان خلق قربانی می‌گیرد. در کنار این یورش مغول آسا و ضحاک وار، اما، اعتراض و مقاومت زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان آنهم تحت شدیدترین پیگرد ها و سرکوبگری‌های وحشیانه جلادان حکومت ترور و شکنجه، نمود بارزی است از تداوم مبارزه، زندگی و زبونی حکومتی که پاهرجایی‌اش را در خون و قساوت و کشتار یافته است.

مردم می‌دانند که آغاز دور جدید هجوم گسترده و سراسری این ننگ تاریخ به زندانیان سیاسی و به مردم آزاد بخواه ایران از زمانی آغاز شد که تحت تأثیر اعتراضات توده‌ای علیه جنگ و بعباران ها، فرار از جبهه‌ها شکست‌های بی‌پایی در جنگ خارجی و بالاخره نوشیدن " جام زهر " شکست و پذیرش آتش بس، ستون فقرات رژیم جمهوری اسلامی بیش از گذشته ترک برداشت و بقائش به مخاطره افتاد. حکومت اسلامی، این نابهنگام تاریخی، از درون شکسته و از بیرون مورد اعتراض و تعارض توده‌های میلیونی، تسویه خونین درون را کشتار انقلابیون و معترضین و تشدید فضای خفقان و سرکوب جامعه در هم آمیخت تا با وثیقه گلوله و خون رژیم بی‌ثبات جهل و جنگ و جنایت را چند صباحی سرپا نگه دارد.

هم میهنان آزاد بخواه !

سازمان‌ها و نیروهای انقلابی و مترقی !

علیه اعدام و شکنجه، علیه کشتارهای دسته جمعی، علیه سرکوب و خفقان و برای آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی بپاخیزیم. از مقاومت و مبارزات زندانیان سیاسی، این گروهگان‌های سیاسی در سیاهچال‌های حکومت، از اعتراضات و مبارزات خانواده‌های زندانیان سیاسی، این پرچمداران مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در بیرون از سیاهچال‌ها، متحدانه و با تمام توان حمایت کنیم. اخبار مقاومت و مبارزات آنان را وسیعاً پخش کنیم. در هر کجا، فریاد اعتراضان را نسبت به کشتارهای سبعانه بلندتر کنیم. اقدامات مشترک علیه بیدادگری‌های جمهوری اسلامی را سازمان دهیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
برقرار باد جمهوری شورایی

کمیته مرکزی " هسته اقلیت " ۵ آذر ۱۳۶۷

# کشتار زندانیان سیاسی!

وحشت، سیاهچال، شکنجه، کابل، درد، خون، جراحت، اضطراب، مرض، بی خوابی، سکوت کشنده، دستبند قهانی، فرهاد زجرآور سلول‌های بغلی، خبرچینی، جوخه‌ی آتش، طناب دار، تیرباران، کشتار کشتیبار کشتار... این فضای زندگی هرروزه‌ای است که رژیم جمهوری اسلامی برارچند فرزندان توده‌های ستمدیده‌ی میهنمان - زندانیان سیاسی - تحمیل می‌کند تا ضمن گسترش جو ارتعاب و سرکوب، دیواری مرگبار در مقابل اعتراضات برپا داشته و از این طریق، پوسته‌ی حیات شکنج خویشتن را از آماج تیرهای خشم طبقاتی کارگران و زحمتکشان به دور نگه دارد و خدشگزارای خود را در پیشگاه اربابان بین المللی سرمایه بیش از پیش به اثبات رساند؛ شاید که در می چند برسد اوم حاکمیت رویه زوال خود بنفزايد \*

برطبق اخبار موثقی که به دست ما رسیده است، یورش سبعمانی رژیم به زندانیان، که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل آغازی مجدد یافته بود، در دو هفته‌ی اخیر وسعت وحشتناکی پیدا کرده است.

اصفهان هشتاد درصد از کل زندانیان سیاسی اصفهان در هفته‌ی گذشته به خون خویش شهید شدند. این زندانیان که شامل زندانیان قدیمی باحبس‌های متفاوت و تعیین شده و همچنین دستگیرشدگان یورشهای اخیر رژیم بوده و در هفت بند سیاسی زندان " دستگرد " اصفهان شامل یک بند زنان و شش بند مردان به سه بند کشیده شده بودند، در دسته‌های چند نفری مقابل جوخه‌ی آتش مزدوران سرمایه قرار گرفتند.

گرمسار بعد از فرار سه تن از زندانیان سیاسی زندان گرمسار که حدود پانزده روز پیش صورت گرفت، حافظگان به خشم آمده‌ی سرمایه، به بهانه‌ی تلافی این فرار و روایع امر جهت تشدید جو سرکوب و ارتعاب، به دست چین کردن زندانیان برداخته و بیست و سه تن از آنان را در دو هفته‌ی گذشته به جوخه‌های آتش سپردند.

گجساران پانزده نفر از زندانیان سیاسی گجساران، که قبلاً از سوی رژیم به حبس‌های متفاوت محکوم شده بودند در هفته‌ی گذشته تیرباران شدند.

تهران در هفته‌ی گذشته هشت تن از رفقای هوادار سنجفا که به مدت پنج ماه ممنوع‌الملاقات بوده‌اند، پس از تحمل شکنجه‌های وحشیانه‌ی پاسداران سرمایه، در زندان اوین به جوخه‌ی تیرباران سپرده شدند.

خبر پنج بار بخون شهید شدن زندانیان در لا ورومقاوم، هرچند که گردی از آن‌ها و در رد برچهره‌ی ستکشان می‌نشانند، اما کینه‌ی آنان را نیز شعله ورم سازد و باور آنان را به سرنگونی رژیم هرچه عمیق تر خواهد ساخت. بگوئیم تا پاسداری متحد در افشای رژیم جمهوری اسلامی، با بیتاب خروش مقاومت زندانیان سیاسی و متحدان یگانه کارگران و زحمتکشان میهنمان باشیم.

زندانیان سیاسی آزاد باید گردند  
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری شورایی  
نایوب یاد امیرالیم جهانیش به سرکردگی امیرالیم آمریکا و پایگاه داخلی اش  
زنداده بنیاد سوسیالیسم

فعالین هسته اقلیت - هموند

## Pakistan expels 1,300 illegal aliens

ISLAMABAD (AP) - More than 1,300 foreigners have been expelled from Pakistan as part of a campaign against illegal aliens, official sources said here yesterday.

The government has instructed immigration authorities that the "foreigners who have been staying illegally in Pakistan should be given notice to leave the country immediately."

Those who failed to do so would be prosecuted, they said.

Embassies were being asked to arrange the repatriation/deportation of their nationals on completion of their sentences, they said.

"If the embassies fail to make arrangements for repatriation in time, the foreign nationals are to be

deported across the border," they said.

They did not identify the nationalities. But press reports here said nationals from India, Bangladesh, Sri Lanka, and Iran and other neighbouring countries have entered Pakistan without valid documents to seek jobs.

The 1,300 people who were expelled have entered the country since January, 1987. The sources said immigration authorities at airports/checkposts had been told to check travel documents carefully.

Border authorities have also been asked to exercise "extra vigilance" to prevent illegal entry of foreigners into Pakistan from across the borders.

## پاکستان ۱۳۰۰ خارجی غیرقانونی را اخراج میکند

اسلام آباد، منابع رسمی دیروز گفتند که بیش از ۱۳۰۰ نفر خارجی از پاکستان اخراج شده اند. این عمل جزئی از مبارزه علیه خارجیان غیرقانونی است. دولت به مقامات مهاجرت دستور داد تا به خارجیانی که بطور غیرقانونی در پاکستان اقامت دارند، اطلاع بدهند که فوراً کشور را ترک کنند. اگر آنها بیکه این اطلاع را نادیده بگیرند، تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. از سفارتخانه ها خواسته شده که پس از تکمیل احکام اتباع کشورهایشان ترتیب بازداشت آنها را بدهند. اگر سفارتخانه ها در انجام این امر تا قبل از بوعده مقرر قصور ورزند، اتباع خارجی از طریق مرزهای زمینی دیپورت خواهند شد. آنها ملیت این اشخاص را اعلام نکردند ولی گزارشهای مطبوعاتی حاکی از آنست که اتباع هند، بنگلادش، سریلانکا و ایران و دیگر کشورهای هم مرز بدون داشتن اسناد معتبر و به امید یافتن کار وارد پاکستان شده اند. ۱۳۰۰ نفری که از کشور اخراج شده اند از ژانویه سال ۱۹۸۷ به بعد وارد پاکستان شده بودند.

این منابع گفتند که به مقامات مهاجرت در فرودگاهها و نقاط کنترل گفته شده که اسناد مسافری مسافران را با دقت باز بگردانند.

از مقامات مرزبانی خواسته شده که با هوشیاری و مراقبت بیشتر از ورود خارجیان از طریق مرزها، جلوگیری کنند.

## اطلاعیہ

شرایط امروز حاکم بر جامعه، ضرورت سرنگونی رژیم سرمایه داری، ارتجاعی و ضد انقلابی جمهوری اسلامی و آزماندهی و تشکل رهبری طبقه کارگر، جهت انجام یکسری تحولات انقلابی - دموکراتیک را - امری مبرم، عاجل و جدی و حیاتی تبدیل نموده است. شرایطی که امروز رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بر کارگران و عموم توده های زحمتکش تحمیل نموده است، عوارض و مشکلات آن جنک ارتجاعی ویرانگر و نمانوز، بیکاری، فقر و فلاکت، گرانسوزی و گرسنگی، تشدید استثمار و استثمار روحیانه، عدم تأمین حداقل معیشت، سرکوب و اختناق و دیکتاتورگری و عنان گسیخته - لب ابتدایی ترین حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی و مدنی، سرکوب زنان، سرکوب بیرحمانه، خشن و وحشیانه ملیت‌های تحت‌تأمین کرده ترک، عرب، بلوچ و ترکمن، زندان و شکنجه و اعدام و بیهوشی و معاینات دیگر، سرنگونی رژیم حاکم را - امری قطعی، محتوم و جدی تبدیل نموده است. نظام - تنگروانه و استثمارگرانه سرمایه داری حاکم بر ایران، بی‌رحمانه ترین وجهی موروثی، استثمار و غارت و بیادول قرار داده است. نظامی ارتجاعی و پوسیده که امروز بر اثر رشد مبارزه طبقه کارگر و اعتراضات توده‌ای و تعمیق بحران اقتصادی و سیاسی و تضادهای حاد رونی جناح‌های خویش، پایه‌هایش بیش از همیشه لرزان گردیده است. در چنین شرایط حاد و حاس و حساسی و وظیفه‌ای - ترک و سنگین بردوش نیروهای انقلابی، بویژه کمونیست‌ها قرار دارد. این وظیفه انقلابی در راستای آگاه کردن پرولتاریا به منافع تاریخی - طبقاتی خود، ایجاد پیوند ارگانیک و سنگین با این طبقه تا به آخر انقلابی و دوران ناز - آزماندهی هدفمند پرولتاریا با صفوف و یاسی مستقل و حزب - یاسی - طبقاتی خود و بالاخص تأمین رهبری پرولتاریا بر جنبش انقلابی میباید.

- آزمان جریک‌های فدایی خلق ایران به مثابه یک - آزمان مارکسیست - لنینیست، آزمانی که مدافع منافع طبقه کارگر و از موضع این طبقه، مدافع منافع زحمتکشان جامعه میباید. تمام توان و تلاش خود را برای تحقق عملی این اهداف انقلابی و پرولتری بکار گرفته است. شرایط بحرانی، متلاطم و تحول‌آمر و بطور مشخص ایجاب میکند که پرولتاریا به مثابه یک طبقه رزمنده، متحد، متشکل و آزمان یافته ربه‌ی پیش توده‌های زحمتکش و - تمدیده‌شهر و روستا، در انقلاب فعالانه شرکت کند و مبارزه طبقاتی آگاهانه و هدفمند خود را علیه طبقات ارتجاعی و - تنگروانه جهت کسب قدرت - یاسی آزمان دهد. اما در شرایطی که - بیکتاتور و اختناق و ترور و فضای از رعب و وحشت بر جامعه حاکم گردانیده است، در شرایطی که پرولتاریا، انقلابی - یاسی - طبقاتی خود است، در شرایطی که پرولتاریا هنوز به آگاهی - یاسی نیست و دموکراتیک - صلح و مجهز نیست و بویژه در شرایطی که آزمان‌های انقلابی - ل در پراکنندگی و تفرقه و تشتت بر می‌پزند،

تأمین و تحقق امر رهبری پرولتاریا بر جنبش انقلابی روسی میسر شد میهنمان فعالیت و کار انقلابی بی‌توانی است.  
همه جا نبه، سرخت و دست‌روبیگیری را از سوی انقلابیون کمونیست می‌طلبند.

• سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران بمثل به یک سازمان رزمنده و بی‌کار جو، پرولتری پس از ستا حیز  
سرخ - یاهکل، هدف خود را از شرکت در مبارزه سیاسی - طبقاتی، آگاه نمودن، سیخ و سازماندهی و  
رهبری پرولتاریا جهت کسب قدرت سیاسی و استقرار سوسیالیسم و کمونیسم اعلام نموده و در این راستا بی  
مها با پیکار نموده است. چفخا پس از استقرار رژیم ارتجاعی و خدا انقلابی جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی  
توسط مرتجعین و سرمایه‌داران، مبارزه بی‌امانی را علیه آن شروع نمود. مبارزه مسلحانه در کنار حلقه‌های  
کرد و ترکمن، افدای ماهیت سیاسی آنها را تجاعی رژیم، تبلیغ و ترویج ایده‌های سوسیالیستی و  
دموکراتیک و در یک کلام پیشبرد مبارزه طبقاتی انقلابی و کار سازمان‌نگرانند. حتی هنگامیکه دارو دست  
اکثریت به دفاع از رژیم برخاسته و رژیم سرمایه‌داری، ارتجاعی و خدا انقلابی را انقلابی و مترقی  
نامیدند، بمثل به چاکران سرمایه و حامیان ارتجاع بهر خاسته از صفوف سازمان انشاء و طرف شدند. اکثریتی  
که در تکامل خط منی خود سرانجام به حزب مرتد توده پیوند خورد و جایگاه واقعی خود را در صف خدا انقلاب تعیین  
و تثبیت کرد. چفخا با باور عمیق به این اصل مارکسیستی که مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و نظام  
سرمایه‌داری، جدا از مبارزه با اپورتونیسیم و فرمیسم نیست، در کنار و همراه مبارزه آشتی‌ناپذیر و سوسیال مار  
علیه رژیم جمهوری اسلامی، مبارزه سرخت و آشتی‌ناپذیری را بر علیه طبقات اپورتونیسیت - رزمیست‌ها  
پیش برده است.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران با قاطعیت پرولتری اعلام کرد که حزب توده و اکثریت سا روی سر  
تافتن از مارکسیسم و پرولتاریا و انقلاب و مبارزه طبقاتی به ارتداد تام و تمام گرویده و به صف خدا انت  
پیوسته‌اند. تاریخ مبارزه طبقاتی طی سالهای متحول و متلاطم اخیر بخوبی به اثبات رسانده که حزب توده و  
اکثریتی‌ها بمثل به متحدین بورژوازی و دستیاران جلادان حاکم و مرتجعین، چه نقش خدا انقلابی، سرخ و  
ارتجاعی داشته‌اند. این کارگزاران سرمایه و خائنین به آرمان و اهداف پرولتاریا، در حقیقت عینیت و  
عملی با ارتجاع خونریز حاکم ضربات سنگینی بر پیکر جنبش کمونیستی - کارگری و توده‌های وارد آورده‌اند.  
حزب فاسد و مرتد توده و شرکای خائن اکثریتی اش اما، امروز به یمن رشد مبارزه طبقاتی و تفکیک صف شدند.  
طبقات و اعتلاء جتیش توده‌ای و مبارزه حاد و بی‌امان سیاسی - ایدئولوژیک و افتا گرانده از ما سوسی  
مارکسیست - لنینیستی، روند تجزیه و تکی و اشغال خود را طی می‌کنند. طرف توده‌ای - اکثریتی‌ها از  
حانب نیروهای انقلابی و طبقه کارگر و عموم توده‌های مردم، تاوان و کفاره گناهان سنگینی است که با سر  
خائنین به پرولتاریا و زحمتکشان می‌پردازند. جواب قاطع و شایسته را توده‌های کارگر و زحمتکشان در پی  
بیروزی انقلاب به این نوکران و پادشاهان خنجر و مغلوب سرمایه خواهند داد. مبارزه قاطع و از سر تا بند  
سازمان ما با طبقات اپورتونیسیت - رزمیست و رویزونیست‌های حیانت‌پیشه جلوه و نمادی از مبارزه طبقاتی  
پرولتاریا بر علیه بورژوازی و نوکران و تمدن‌تار می‌باشد. مبارزه‌ای است انقلابی، برای حلوم مارکسیست.

روشنفکران انقلابی به منافع خود و سازماندهی آنان بوده است. اما علی‌رغم تمام این فعالیتها، انقلابی  
اگر پرو-حرکت با می استارطی سالهای گذشته مورد بررسی و بازبینی قرار گیرد، خواهیم دید که علی‌رغم به کار  
گرفتن نیروها و امکانات وسیع و گسترده و صرف انرژی و توان زیاد در پراتیک، به اهداف معین و مشخصی که  
پیش روی داشته ایم، دست نیافته ایم. زیرا تشکیلاتی که بتواند خط مشی و برنامه و اهداف انقلابی -  
پروولتری سازمان را در بین توده‌ها اشاعه داده و آنها را سازماندهی و رهبری نماید بر اساس معیارها و  
لنینی در منطقه استحکام نیافته بود. عواملی نظیر وجود نارایایی‌هایی در نحوه فعالیت و ضربات وسیع  
و گسترده پلیس-سیاسی رژیم، به ویژه ضربه هولناک سال ۶۱ که منجر به هتایت تعدادی از رفقای مسئول و  
ارزش و با تجربه و به تاراج رفتن امکانات زیادی شد. و ضربه سال ۶۲ که به دستگیری رفقای، چون رفیق  
ناصر و هتایت رفقای چون رفیق شهید سعد حسین زهسی انجامید. اعدام رفیق قهرمان ناصر (علیرضا  
سامری) مسئول تشکیلات با می استار و یکی از بنیان گذاران آن، ضربه سنگین و کشتنهای برپیکری با می  
استار بود. و ضربه ۱۹ آبان ۶۵ که توسط افراد خائنی که به علت شرایط سخت و دشوار مبارزه به افعال و  
پاسینگیم ترغیلیده بودند و امکانات مبارزاتی طبقه کارگر و خلق بلوچ را به جپاول وینما بردند. در  
این راه نقش داشته اند. علی‌رغم اینکه با می استارطی سالهای گذشته با جدیت تمام به وظایف انقلابی خود  
ادامه داده و رشادتها و فداکاریهای زیادی در پیشبرد مبارزه و انقلاب و سازماندهی از خود در صحنه نبرد  
حتمیاتی سرور داده است، اما به علت یک سری اشتباهات نتوانست تشکیلات مورد نظر را منطبق بر  
معیارها، موازین و متد سازماندهی لنینی در منطقه با بهر بزی استوار کند. امروز که با کوله‌باری از تجربه  
و شناخت و آگاهی به گذشته پرفراز و نشیب خود نگاه می‌کنیم، به عینه و به وضوح این نارایایی را در نحوه حرکت  
و سازماندهی با می استار مشاهده می‌کنیم. ما با الهام از ذهن لنینی - بلنویکی مبنی بر انتقاد از خود، با  
مدافعت و نجاعت و سراجت کمونیستی، کاستی‌ها و بی‌انرا مورد انتقاد جدی قرار می‌دهیم، پیروزی‌ها و نقاط  
نیت و دستاوردهایمان را پاسی داشته و ارج می‌نهیم و می‌آموزیم که بر ضعفها و بی‌انرا فائق آییم. ما امروز با در  
آموزی از حوادث و تجارب گرانقدر گذشته که آن بدست نیامده اند، بر مبنای سبک کار و فعالیت کمونیستی  
و پروولتری نیروها و یمان را سازمان می‌دهیم تا ضمن تعدید فعالیت انقلابی و کار آگاهانه و سازمان یافتگی  
سوده‌ها را آگاه، متشکل و رهبری نماییم. ما در کوران حوادث و در پراتیک عینی و به تجربه، بخوبی آموخته ایم  
که آگاه کردن توده‌ها به منافع شان، تربیت و سازماندهی آنها، برانگیختنشان به مبارزه و روزی آوریشان  
به سرد قاطع و پیگیر، بدون داشتن یک تشکیلات قوی، منجم و پولادین و ادامه کار و پایداری متشکل از عناصر  
انقلابی غیر ممکن و محال است. در شرایط مشخص کنونی، ما نیروها و یمان را، منطبق بر سازماندهی نوین  
سازمان و در راستای تحقق اهداف انقلاب سازمان می‌دهیم. به همین خاطر نشریه با می استارطی ما همسای  
گفته که ما درگیری جایجایی‌ها و سازماندهی نوین سوده‌ها را انتشار نیافته است. با توجه به نیاز سازمان  
به نیروها و یمان استار و استفاده از انرژی و توان آنها در جایی که سازماندهی نوین مطالبه، نشریه با می استار  
تا اطلاع ثانوی منتشر نمی‌گردد.



بدیسی است که ، هواداران سازمان در منطقه‌یستان و بلوچستان کما فی السابق با انتشار  
اطلاعیه‌ها و تراکتها و شمار نویسی و موضعگیری درباره مسایل حادث جنبش انقلابی بلوچستان و افشای حوا نسی  
مزدور و سرسپرده و فریب‌دهنده و ناسیونالیستها ، نقش انقلابی خود را در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی  
آگاهان به توده‌ها انجام می‌دهند .

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق  
زنده باد حق ملل در تعیین سرنوشت خویش  
نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پانگاه داخلی  
زنده باد سوسیالیسم

هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - یستان و بلوچستان (بامی اتار)

۱۳۶۲/۵/۱۰

باز تکثیر از :

انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه (هوادر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران)

ابراهیم محمدزاده :

سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلین غربی  
هوادر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

R E

Postfach 83 11 35  
6230 Frankfurt/M. 80



## اعتراض به سفرگنشر به ایران

ایرانیان آزاده، دمکرات و انقلابی !

در حالیکه رژیم جنایتکار خاکم ایران پس از جمعیل قطعنامه ۵۹۸ از جانب توده های کشورمان به او، دست به استقام گیری از فرزندان انقلابی و غیور مردم در زندانهای سیاسی زده است و تا بحال مدهاشن را اعدام و طبق اخبار رسیده که همه از آن مطلع و نگران هستیم، جان هزاران نفر دیگر در خطر قطعی است، آقای کنشروزی را مورخا رجه آلمان فدرال تعدسفر به ایران را کرده است، آقای گنشر که همیشه تلاش کرده است ماسک لیبرالی ("آزادخواهی") بر چهره خود بزند، علیرغم دفاع و باکارانه وی و دولت آلمان فدرال از حقوق بشر در رابطه با کشورهای دیگر، اکنون نه تنها مهرکوت برب زده است، بلکه با سرمداران یکی از فاشیستی ترین و جنایتکارانه ترین حکومت های عصر حاضر، جمهوری اسلامی، بیرون ما مله چندین میلیاردری خواهد شد، او و دولتش با شغف تمام اعلام کرده اند که حاضرند با دست و دل بازی در بازی ادعائی رژیم اسلامی ایران شرکت کنند و طبیعی است که بخاطر منافع سرمایه داران امپریالیستی، که ایشان نماینده آنها هستند، چشم بر ششجه این بازی بربندند. طبق گفته گنشر ر بیر خمیشی، بازی در رجه اول بمعنی تقویت و مدرنیزه کردن سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی برای دفاع از منافع اسلام است. پس از آتش - پس معنی حفظ منافع اسلام و بازی چیزی جز قتل عام زندانیان سیاسی، سرکوب توده های بلاکشیده کشور - مان، کارگران و دهقانان نیست و دولت سرمایه داران آلمان فدرال هر چند که در بازی - بخوان کمک به بقا، رژیم خمینی - پیشقدم کرده، هما شد در تریک جنایات این رژیم آبروی خسته و قد مردمی خواهد بود.

وظیفه ما است که تلاشهای جمهوری اسلامی در برقراری ارتباط با کشورهای امپریالیستی برای بازی - گرفتن آنها برای بازی ارکان سرکوب حکومت اش را افشا کنیم و با همیاری صلح دوستان، ترقیخواهان و نیروهای مترقی آلمانی مانع این ارتباط نامقدس علیه مردم رنجیده کشور ما نگردیم.

در اجرای همین وظیفه انقلابی رفقای هوادار ما زمان ما دیروز دوا کمیون بر گزار کردند که به شرح زیر

ما اطلاع هموطنان عزیز می دانیم:

تحصن در دفتر روزنامه "روندش او"  
=====

۲۵ تن از رفقای سازمان از ساعت ۱۰ صبح دیروز ۲۷/۱۰/۸۸ در دفتر پرتیرا ژترین روزنامه - فرانکفورت، روندش او، تحصن کردند و خواستار کردند که این روزنامه اعتراض آنها را که در یک بیانیه بی زبان آلمانی تحت عنوان "سفرگنشر به ایران را محکوم می کنیم"، تنظیم شده بود و جنایات رژیم اسلامی و جنکاری دولت آلمان با وی را محکوم می کرد، درج کنند. پس از دو بار مذاکره با هیئت تحریریه روزنامه مذکور آنها قبول کردند که این اعتراض را منعکس کنند و در یک گفتگورا جع به اوفاع زندانیان سیاسی در ایران با رفقای ما شرکت نمایند. از اینرو رفقا به تحصن خود در ساعت ۱۲ خاتمه دادند.

آکسیون افشاگرانه در ژانویه  
=====

همان تعداد از رفقای بی از خروج از دفتر روزنامه در ساعت دو ساعت با برافراشتن بزرگنویسی ها و بلاکاردهای افشاگرانه علیه این سفر اعتراض کردند و در بین هزاران نفر از مردم آلمان بیانیه اعتراضی را بحث نمودند که مورد حمایت مردم قرار گرفتند. دهها نفر با اطلاع از این سفر متحیر شده و امرا از آنزحکار نمودند.

مرکز بر رژیم جمهوری اسلامی

زنده با جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - و' حد فرانکفورت - ۲۸/۱۰/۸۸



## اطلاعیه کمیته مرکزی درباره پایان پلنوم دوم

مردم شرافتمند کردستان!

اعضا، کادرها و بیشمرگان قهرمان حزب دمکرات!

پلنوم دوم کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی ما شرکت اکثریت قریب باتفاق اعضا رهبری در تاریخ ۱۹ شهریورماه ۶۷، کار خود را آغاز نمود و سراز سه روز کار خود را به پایان رساند.

طی جلسات، پلنوم ضمن بررسی مسائل درون حزبی، اوضاع جهان، ایران و کردستان به تفصیل مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. مهمترین مسائلی که در این نشست سنجش و پلنوم را بخود اختصاص داد، طرح مساله کرد در رسانه های گروهی غرب و موضوع قبول احزاب آتش بس از طرف رژیم جمهوری اسلامی و مذاکرات تاکنون بی ثمر دو کشور در کبر جنگ و مساله تلاش مذبحخانه و جنایتکارانه فراکسیون شرفکندی - قاسملو در جهت برافروختن آتش جنگ داخلی دیگر بود. که مدتی است سران قدرت طلب و جنایتکاران فراکسیون دست اندر کار تصویب و اجرای آن هستند.

۱- به اعتقاد پلنوم، هدف آمریکا و متحدان وی از علم کردن مساله کرد مخاطب اعتقاد آنها به تامین حقوق ملی این خلق متعدیده نیست، بلکه قصد آنها از طرح مساله با چنین شیوه گسترده ای از یک طرف اعمال فشار بر بعضی از دولت ها در جهت کسب امتیازاتی برای خود و از طرف دیگر بهره برداری از آن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا است که جمهوریخواهان در صددند با جلب افکار عمومی مردم آمریکا بشفیع خود از آن استفاده کنند، وگرنه محرومیت خلق کرد از حقوق ملی و انسانی خود در کردستان ایران و جنیش حق طلبانه آن نیز طی سالیان گذشته و به ویژه سارزه سلحانه ده ساله اخیر علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران مساله ای نیست که بتواند از دیدگاه جهانیان پوشیده بماند.

لکن رسانه های گروهی غرب مساله کرد در کردستان ایران را بخاطر روابطی ویژه ای که اخیراً با جمهوری اسلامی برقرار کرده اند تقریباً "مسکوت گذاشته اند"

۲- بنظر پلنوم قبول آتش بس از طرف رژیم جمهوری اسلامی به هج وجه به معنای اعتقاد سرکردگان این رژیم با استقرار صلحی پایدار میان دو کشور همسایه نیست. اقدام آنها در این باره صرفاً " براثر گسترش سطح ناراضی عمومی از ادامه جنگ و اوج گیری بحرانهایی است که در تمامی عرصه های اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و نظامی در ایران، سر امر وجود این رژیم جنگ افروز جنایتکار را دربر گرفته است. از این رو حصول صلحی پایدار میان دو کشور ایران و عراق بسیار دور از دسترس بنظر می رسد.

اقدامات رژیم جمهوری اسلامی در زمینه اعزام به جبهه های جنگ و تشدید جنگ تبلیغاتی آن علیه عراق و نیز پافشاری سراحرای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر که عراق آنرا اساساً " مردود اعلام کرده دلیل روشن چنین واقعیتی است.

۳- با توجه به اقدامات جنایتکارانه دارودسته قاسملو که ذیلاً به آن اشاره می شود:

الف- دستگیری و اعدام رفیق مبارز کاک حسن اسلامی در چهارم شهریور ماه  
ب - خلع سلاح دسته ای از پیشمرگان نیروی آریاها در کوه یایه های " سورکوی "  
ج - خلع سلاح ۶ تن از پیشمرگان نیروی قندیل در چهارم شهریور ماه در ارتفاعات " ساز و قاز "

د - محاصره و خلع سلاح دسته ای از پیشمرگان نیروی شهید پیشوا در تاریخ ۸ شهریور در " دوله بی " واقع در منطقه پیرانشهر این دسته همراه پیشمرگانی بودند که در جنگ علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی زخمی شده بودند و میبایستی به مرکزیت حزب منتقل شوند.

ه - خلع سلاح چهار کادرو پیشمرگ نیروی قندیل در تاریخ ۷ شهریور و خلع سلاح یک پیشمرگ در مورخه در " دوله رشی " پیرانشهر برای کمیته مرکزی تردیدی باقی نمانده است که سرکردگان فراکسیون در جهت برافروختن آتش یک جنگ داخلی دیگر تصمیم نهائی خود را گرفته اند و حسن نیت رهبری و پیشمرگان دلبر حزب که تاکنون بخاطری جلوگیری از شروع خونریزی از خود نشان داده اند، تأثیری بر سیاست جنگ افروزانه این دارودسته جنایتکار نگذاشته است.

از این رو پلنوم ضمن محکوم شناختن مجدد تصمیم خائنانه فراکسیون شرفکندی - قاسملو در مورد برآه اتداختن جنگ داخلی دیگری در کردستان اعلام میدارد که :  
سرکردگان خائنکار این فراکسیون نمیتوانند با دست یازیدن باین اعمال جنایتکارانه ای مانع فعالیت مبارزه حزب دمکرات کردستان ایران ، رهبری انقلابی گردند.

در این رابطه ، پلنوم پیشمرگان را موظف میداند چنانچه از طرف افراد مسلح فراکسیون ، مورد یورش قرار گیرند با همه قدرت دفاع از خود بهره‌آزند و توطئه‌های آنها را خنثی نمایند .

پلنوم در ضمن اعلام میدارد که مسئولیت هر نوع رویدادی خونبار در این زمینه ، برعهده سران فراکسیون و مجریان دستورات خائنانه آنها می‌باشد و باید در پیشگاه جنبش ملی دمکراتیک خلق کرد و توده‌های ستمدیده مردم کردستان پاسخگو باشند .

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران ، رهبری انقلابی با ردیگر از کلیه سازمانهای مبارزو انقلابی و توده‌های ستمدیده مردم کردستان درخواست می‌نماید ، نسبت به اقدامات خیانتکارانه دارودسته قاسملو در جهت دامن زدن به یک جنگ داخلی دیگر موضعگیری کرده و دستور دهندگان و مجریان این چنین خیانت آشکار را افشا و محکوم نمایند .

باشد که چهره واقعی این قسدرت‌طلبان خیانتکار برهنگان آشکار گردد .

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی

۱۳۶۷/۶/۲۷ (۱۶ مهتاب ۱۹۸۸)



## اطلاعیه کمیته منطقه ۲ جنوب

حزب دمکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی

به مناسبت به شهادت رسیدن رفیق حسن اسلامی

بدست فراقسیون شرفکندی - قاسملو



تصویر شهید حسن اسلامی  
در حال سخنرانی در  
کنفرانس چهارم حزب

هممیهنان مبارزان

مردم شرافتمند کردستان

اعضاء، کادرها و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران،

فراقسیون مجرم شرفکندی - قاسملو بمنظور اجرای تصمیم خائنانه خود در جهت برپایی جنگ داخلی، در منطقه «خرخوره» سقز به جنایتی وحشیانه دست یازید و بار دیگر چهره کریسه خود را نمایش گذاشت و عمیق ترورفتگی در با تلاق خیانت و جنایت را بیشتر نمایان ساخت. کوندهی که حاضر است برای حفظ منافع فرقه‌ای خود، دست به اعدام ناجوانمردانه یکسانی از انقلابی‌ترین و مدنی‌ترین فرزندان خلق کرد بزند.

چند روز پیش، سه تن از کادرهای کمیته شهرستان سقز که مشغول کار تشکیلاتی در منطقه بودند، از سوی افراد مسلح فراقسیون شرفکندی - قاسملو غافلگیر و اسیر می‌شوند. بعد از چند روز یکی از این رفیقان نام کاک حسن اسلامی کادر کمیته منطقه ۲ جنوب و عضو کمیته شهرستان سقز از سوی عوامل جنایتکار فراقسیون و به دستور مادی شرفکندی (سعید بدل) به شهبانه وحشیانه اعدام میگردد.

رفیق مبارز کاک حسن اسلامی، اهل سقز دومین شهید خانواده، در خانواده‌ای زحمتکش و تنگدست در سال ۱۳۲۷ بدخیا آمد. وی در سال ۱۳۶۱ یعنی در سن ۱۴ سالگی به صفوف پیشمرگسان نیروی عزیز بوسنی پیوست. در سال ۱۳۶۴، یعنی هنگامیکه تشکیلات منطقه ۲ جنوب تشکیل گردید، بعد از اتمام دوره بیستم، بعنوان کادر بیستم کمیته منطقه ۲، فعالیت‌های خود را ادامه داد و چند بار از طرف این ارگان و مرکز مخبرات حزب - همان فردی که اکنون جنایتکارانه دستور اعدام این رفیق شهید را صادر کرده، که مسئول آن بود - کتبا تشویق گردید. سدار طرد فراقسیون شرفکندی - قاسملو بوسیله رهبری و کادر و پیشمرگان فداکار حزب، رفیق

حسن که نمی‌خواست به عامل شبکه جاسوسی سعید بدل مبدل گردد، فراکسیون را ترک نمود و سه مغوف حزب دمکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی بیوست و در کمال فداکاری به مبارزه انقلابی خود ادامه داد. ترک فراکسیون از سوی رفیق شهید باعث گردید مسئول بخش بیسیم فراکسیون (سعید بدل) او را تهدید به قتل نماید. از اینرو پیوستن شهید حسن به مغوف رهبری انقلابی حزب این جنایتکار را بشدت خشمگین کرده بود.

شهید حسن اسلامی در کنفرانس کمیته منطقه ۲ جنوب با اکثریت مطلق آراء، بعنوان نماینده در کنفرانس چهارم حزب دمکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی شرکت نمود. بعد از کنفرانس کمیته منطقه ۲ بعنوان کادر مالی این ارگان و عضو کمیته شهرستان سقز انتخاب گردید. شهید حسن یکی از صادقترین و انقلابیترین و محبوبترین کادرهای حزب بود که در مدت مبارزات خود با علاقه و دلسوزی تمام وظایف محوله را به انجام میرسانید.

رفیق حسن این انقلابی پاک باخته بعد از اسارت، بدستور مستقیم مادی شرفکندی (سعید بدل) آماج رگبار گلوله‌های جنایتکاران قرار گرفت و شهادت رسید.

ما ضمن گرامیداشت یاد رفیق قهرمان، شهید حسن اسلامی، شهادت وی را به خانواده ارجمند و همسران وی و اهالی سقز و مردم کردستان تسلیت می‌کنیم.

بدون شک توده‌های مردم کردستان، جنایت هولناک فراکسیون شرفکندی قاسملو را محکوم کرده و مجازات لازم را برای رهبران خیانتکار فراکسیون و افرادی که خون پاک فرزندان انقلابی خلق کرد رفیق حسن اسلامی را بر زمین ریختند، تعیین خواهند کرد و بیش از این اجازه نخواهند داد چنین افرادی به خاطر حفظ مقام و تأمین منافع خود، فرزندان خلق کرد را بدست همدیگر به کشتن بدهند و جنبش حق طلبانه خلق کرد را تضعیف نمایند.

دروغ بروان پاک شهید سرفراز حزب، شهید حسن اسلامی

ننگ و نفرت بر جنایتکاران

کمیته منطقه ۲ جنوب کردستان

۱۳۶۷/۶/۵

برای سندبیت عمل جنایتکارانه فراکسیون شرفکندی قاسملو در اعدام بیرحمانه شهید حسن اسلامی، عین خبری که در تاریخ ۱۳۶۷/۶/۶ از رادیو فراکسیون بخش شد، برای اطلاع هم‌میهنان ضمیمه اطلاعیه کمیته منطقه ۲ جنوب میگردد:

رادیو فراکسیون	بگفتند	۱۳۶۷/۶/۶
طبق خبری که از منطقه ۲ جنوب بدست ما رسیده است، شب چهارم شهریور خاکنی بنسبام حسن اسلامی به مجازات خیانت‌های خود رسیده است. حسن اسلامی پیش‌مرگ سابق حزب مدتی در بخش بیسیم حزب در منطقه ۲ جنوب کار می‌کرد. در بهار امسال بر اساس درخواست خودش برای کسار بیسیم به یکی از مقرهای حزب منتقل گردید که بعداً معلوم گردید این درخواست بر طبق نقشه از قبل طرح‌ریزی شده و برای دست زدن به خیانت بوده است.	در خردادماه سال جاری حسن اسلامی خاکنی از فرمت استفاده کرده و بیسیم ویژه آن مفسر را همراه با کلیه رمزهای شبکه بیسیم حزب دزدیده و خود را مخفی ساخت. در این مدت حکم اعدام حسن اسلامی محلت خیانت بزرگی که مرتکب شده بود صادر گردید. تا اینکه جای او در منطقه خرخره سقز شناسائی گردید و از سوی پیش‌مرگان منطقه ۲ جنوب، هنگامی که همراه بهمهرا داشت، دستگیر و بعد از اقرار به خیانت، حکم اعدام در مورد نامبرده صادر گردید. تا درسی باشد برای کلیه کسانی که از اعتماد حزب سوء استفاده کرده و با خیانت در امانتی که به آنها سپرده شده، اصرار حزب را وسیله دزدی و معامله فرار می‌دهند.	

بنام خدا

و

بنام خلق قهرمان ایران

و

بنام تمامی شهدای بخون خفته خلق

و خریداران نمون علی الذین استغفروا فی الارض و جعلهم ائمه و جعلهم الوارثین (آیه ۵ - سوره نمل)

و اراده میکنیم (متنی آفرینش و سنت تاریخ این است) که (ستندگاران و) همیستند  
پنداشته شدگان را مورد محبت قرار دهیم و آنها را پیشرو، بینوا و عاشق همه چیز  
گردانیم.

هم مهبان مبارز، نیروهای انقلابی و مترقی شخصیت‌های آزادهخواه، اعضا و  
خواندگاران و حامیان صادق سازمان مجاهدین خلق ایران ۱۵ شهریور معادفات بسیار  
بسیار و چهارمین سالگرد تاسیس سازمان مجاهدین خلق ایران، ۱۵ شهریور ۱۳۴۴ پس از آن  
حرکت بن بست شکنانه بنیان گذاران سازمان میباشد، آری چنین بود که ۲۳ سال پیش  
عجبه طیبیهی مجاهد خلق در بن بست مبارزات رفرمیستی تولد یافت و مبارزه‌ای سازمان  
یافته و علمی را بر اساس ایدئولوژی انقلابی اسلام آغاز کرد تا جایی که بنیان گذار  
کیمر مجاهد شهید محمد حنیف نژاد میگوید مرز بین حق و باطل در مبارزه اجتماعی  
مرز بین استثمار شده و استثمار کننده است نه مرز بین کسی که ادعا میکند پس  
حقا اعتقاد دارد و کسی که اعتقاد ندارد.

مجاهدین خلق ایران در ۱۵ شهریور ۱۳۴۴ به همت والای مجاهدین شهید محمد حنیف  
نژاد، سعید منین و علی امیر بدیع زادگان با ایمان به نئی نظام ارزش‌های  
جانشینی و فرار دادن اسلام در بستر تفهیمات دینی و با اعتقاد به مبارزه  
سلحشانه که یگانه مهر رعاشی خلق از جنگال خونین ایادی امپریالیسم در ایران  
بود تاسیس شد. آنچه که بنیان گذاران میخواستند گام نهادن در راهی بود که  
مقدم آن قلع و قمع ریشه‌های استثمار و دیکتاتوری و نهایتاً نئی قطنی و محتسوم  
هرگونه طبعه ممتاز بود. و با این علم که جریانی ملانیت رعبری و مدعی عمل  
به عناصر خود میتواند داشته باشد که مناسبات تشکیلاتی آن از هر نوع فردیت  
و خود خواهی و کاست رعبری که ناقص تکامل یک جریانی انقلابی است جدا شده و به  
شورا و ساقترالیزم دیکراتیک مومن و معتقد باشد.

در شهریور سال ۵ سازمان ضربه سنگینی از رژیم وابسته شاه به امپریالیسم امریکایی  
متحمل شد، ولی ضربه پلیسی نتوانست مانع حرکت سازمان خود و در سال ۵۴ به  
خلت‌های تابور تونیست‌های چپ‌نما. ضربه‌ای پس سنگین خورد و تا مرز تسلط  
کامل بهمن رفت که با مقاومت و از خود گذشتگی باقی اعضا و خواندگاران و با تکیه بر  
ایدئولوژی خود در داخل زندان و سارج زندان میداد توانست به حرکت خود ادامه دهد.



ضربه ناجوانمرغانه ۵۱ ارتجاع منزوی شده را فعال و باوه گو نمود تا جایی که حکم ارتداد بسیاری از انقلابیون مجاهد را صادر نمودند که از ماهیت تطبیقاتی مرتجعانه نجات میگرفت.

بعد از قیام بهمن ۵۷ سازمان بزرگترین نیروی انقلابی و مترقی ایران شده بسرد تا جایی که ارتجاع حاکم همیشه در وخت از سازمان مجاهدین بود، سرانجام در خرداد ۶۰ رژیم خمینی مجبور شد مواضع خود را کاملاً آشکار کند و به همه تبعیضات پادشاهان پس از قیام سی خرداد و آفریدن یکی از حماسه های بزرگ تاریخ ایران بوسیله پاک کردن عناصر مجاهد و شهادت مجاهد کبیر موسی خیابانی و بسیاری از کادرها و جوانان ایندولوزیک و انقلابی، سازمان در مقابل رژیم خونخوار و ظالم جمهوری اسلامی و حاکمیت بر از جنایت شکنجه و قتل و امارت و آوارگی، نطفه های اپورتونسمت اینبار از جناح راست و به وسیله رجوی و ایادی آن بسته شد و اوج تکمیل آن انقلاب با اصلاح ایندولوزیک بود. کودتای ایندولوزیک بنا بر اعتراف تمام سردمداران راستها بخاطر تشبیهت رهبری مطلقه سعود بود و نه مانعی از قبیل منله رهائی زن... بدنبال کودتای ایندولوزیک بدنه سازمان حالتها جمیع خود گرفت راستها هیچ جز سرکوب کردن با تسلیم شدن در مقابل بدنه نداشتند، راستهای خائن برای خنثی کردن تهاجم بدنه شیوه سرکوب را در پیش گرفتند و ۷۵ نفر از برادران و خواهران ما را دستگیر و زندانی کردند تا در موضع تدافی قرار نهند در زندان هم از چشم بند زدن گرفته، تا بستند زدن، نیمه شب به یازجویی بردن ممنوع بودن هواخوری، فحاشی کردن و شکنجه روحی، غلامه عراقی که میتوانستند گرفتند و بعد از دو ماه گفتند این یک ابتلا بود که سازمان میبایست پستتر میگذاشت بعد از کودتای ایندولوزیک ابراهیم ذاکری یکی از سرکردگان راستها در پایگاه شهید منصوری بیگفت ما کانی را میخواهیم و رابطه ای با شما میخواهیم که اگر فرما تشکلات نسبت نفر از شما را دستگیر کرد و گناختیمه شما را گفت غلطیک کن سوال نکنید چرا اینها را اعدام میکنید ما میخواییم هرچه سعود بگوید همان است و بی سعود خورشید است اما کمیته مرکزی شیخ و بنایطهر همین باید رهبری مطلقه سعود را بپذیرفت در غیر این صورت شاه و خمینی در وجه سعود شماها مخفی شده، در رابطه با زندانی کردن بدنه تشکلات راستهای خائن تا کنون هیچ گاه شهادت نداشتند اند که اعتراف کنند ما زندان داشتیم و هرآن کس که مطرح کرده سرزنا مارک وابسته به خمینی را به او زدند، راستهای خائن در درون تشکلات از تمامی تجربیات اپورتونسمتها ی چپ نما در رابطه با تفهیم سرکوب عناصر مجاهد خلق استفاده میکردند.

رجوی و شرکا در سیاست خارجی به جای استفاده از تضادها، در درون آن غلطیدند، بجای گره خوردن در دایره تشکلات و نزدیکتر نمودن هرچه بیشتر سازمان با مردم و وارد مساوات امپریالیستی شدند، در ادبیات راستها رجوی فردی شد که فقط او میتواند ایمان برپسند

تاریخ ایران را گره بزنند همه چیز به وجود امامت رجوی بستگی داشته باشد و مقاومت و مبارزه‌ای به حساب نمی‌آید و وارثی ندارد و نام او در بیان ترقی در تشکیلات گریخته است اما چه سود؟ با فریب و نهرنگ و دروغ تا چند مباحی میتوان اهرمهای قدرت تشکیلاتی را در اختیار گرفت و بر این سویی سرزما حکومت مناری نمود.

شهریور ماه با تأویر حوادث تاریخی دیگری نیز میباشد از جمله تظاهرات خونین مردم تهران در ۱۲ شهریور ۵۲ که نقطه عطفی بود در مبارزه خلقهای ایران بر علیه رژیم شاه خائن و درگذشت روحانی مبارز بدر الملکانی و شهادت معلم انقلابی صد بهرنگی و شهادت گل سرخ انقلاب مجاهد قهرمان مهدی رضایی میباشد. یادشان گرامی باد.

خلق قهرمان ایران ما جمعی از پیشمرگه‌های سازمان مجاهدین خلق، ضمن بزرگداشت ۱۵ شهریور - روز تأسیس سازمان مجاهدین بر آئیم تا شیخ تفکر مجاهدین شهید محمد حنیف نژاد و دیگر بهاران او را روشن نموده و در راهی که هر چند با کوهی از مشکلات توأم باشد قدم بگذاریم، چشم داشت ما طلب‌پاری از همه مجاهدان فکریان حقیقی و مجاهدان دستان میباشد.

هم میهنان مبارز:

سال

ضمن عرض تبریک به مناسبت بیست و چهارمین تأسیس سازمان و در اطلاعیه‌های بعدی مواضع خود را نسبت به سایر مسائل روشن خواهیم کرد.

برود بر بنیان گذاران کبیر سازمان مجاهدین خلق ایران  
مرکزبر امیرالمسلم جهانی بسوکردگی امیرالمسلم امریکا و باهنگام داخلین  
بسوقرار باد اتحاد عمل بین نیروهای انقلابی و موقرین  
سرنگون باد رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی  
هر چه گزیده تر باد مقاومت و شادانقلابی ملحانه برای سرنگونی رژیم  
یعنی بسوی جامعه بی طبقه توحیدی

پیشمرگه‌های مجاهد خلق - کرستان ۱۳/۱/۱۵

برادرتان را با پیشمرگه‌های مجاهد خلق با آبرهای زیر میتوانم مکاتبه کنید:

B. P. 36

5001. BERGEN

NORWAY

B. P. 13

95540. MERYSCOISE

FRANCE

بنام خدا  
بنام حسان قهرمان ایران

ان فرعون عراف الارض وجعل اهلها شیعا يستضعف طائفة منهم يدبج ابناءهم و  
يستحق نسا هم انسه کان من المفسدین \*  
همانا فرعون در زمین تکبر و گردنکشی آغاز کرد، در میان اهل زمین تفرقه و اختلاف انداخت و  
طائفه‌ها را تضعیف کرد، پسرانشان را کشت و زنانشان را زند نگه داشت (که بخند مت  
گیرد) همانا فرعون از مفسدین بود \* آیه سوره ۲۸

فرعونیان کماکان در تاریخ فساد کرد و می‌کنند، و با تزویر و ریا و تفرقه بین توده‌ها سعی بر غلبه بر آنها دارند \*  
خمینی نیز به تقلید از اسلاف خود با ایجاد جوشبیه، به تفرقه بین توده‌ها و امن زدن و با پنهان کردن ماهیت ارتجاعی  
قشری خود در قالب مبارزه با امپریالیستی و روغین، با تمسک به شیوه‌های اسلافش، قرآن را مسخ کرد و قالب آنرا  
شهر ساخت، و با فریاد و اسلاما، با اسلام تحریف شد و من در آوردی، سباحت خود را با پرورش وحشیانه به خلق  
در رنجیرمان نشان داد، و با توسل به سرکوب پشیمانان و مبارزین توده‌های محروم، با انواع شکنجه‌ها زند آنها  
و اعدام‌ها به امحاء حقوق مکرانیک خلق در رنجیرمان، اندام نمود، تا مانع حرکت توده‌ها گشته و حکومت ننگین اثر  
را می‌مانگید ارد \* در این راستا دست درسته انقلابیون را به جوخه اعدا می‌سپرد و زند آنها را از فرزند ان انقلابی و  
مترقی می‌پنمان، پسر و شکنجه‌گاه‌ها را از خون فرزند ان در لبر خلق رنگین ساخت، و برای حفظ رژیمش، چه خونها  
گنجهت تا بهر شکل و شیوه و جنایتی که باشد، چند صباحی بحکومت رو بنوازش داد، اما عداقت جنایتکاران  
و مستبدان، همانا زوال و نابودی به دست توده‌های به‌ها خاسته می‌یابند \*

امروز عملا و بر خلق مستبدید همان، جامع بین الطلی و حقوق بشر نیز به ماهیت ارتجاعی و جنایتکار رژیم خمینی  
پس برد، و آنرا به خاطر نقض مکرر حقوق بشر محکوم کرد، اند \* اما خلق در رنجیرمان می‌رود تا با انقلابی همگانی،  
بروند، ارتجاع خمینی را مختوم و از صفحه روزگار پاک کرد، و کشور عزیزمان را از لوث وجود ارتجاع پلید پاک‌سازد \*  
همینان آگاه و مبارز \*

شبهه در طول تاریخ و در انقلابات همیشه نقش مخرب و نابود کند، ای د است، است، لذ ابرای مبارزه با شبهه  
باید آنرا شناخت، تا با بدی روشن به مقابله با آن رفت، تا در گریز تاریخ تکرار نگردد \*  
حال ارتجاع نوین، با ظاهری صیقل شده، و آراسته، با شعارهای انقلابی و آتشین چهار عمل می‌تازد، تا شاید  
با حمایت و پشتیبانی ارتجاع منطقه (که دست کم از رژیم ارتجاعی خمینی ندارد)، و "سیا" مرکز جاسوسی امریکا  
این دشمن خلقهای جهان، قدرت سیاسی را غصب کند، لذ اباتر قند های سیاسی، به مشوب کردن اذهان توده  
ها می‌برد، تا اهداف انحرافی خود را به مرحله عمل در آورد، بنابراین مسئولیت خطیری برگردن روشنفکران

و آگاهان مبارز قرار دادند، تا با افسای نبات انحرافی آنها، چهره واقعیشان را به خلق بشناسانند و مکرشان را خنثی کنند.

"وانعاشمت الشبهه شبهه لانه شبه الحق" فقط به این دلیل شبهه، شبهه نامید شده است که بحق همین ماند، و حقیقت را مشتبه میسازد. "نهج البلاغه"

راستهای منحط به سردمداری رجوی با زیریاگذاردن اصول انقلابی سازمان مجاهدین خلق و با مخدوش کردن مرزبندی‌های این سازمان با امپریالیسم، ارتجاع و دیگر جریان‌های انحرافی (نظیر حزب توده) (به پیام مریم قجر ضد انلو، د نشریه اتحادیه انجمنها شماره ۴۵ ص ۵ مورخ ۲۵ شهریور ۱۳۷۷ مراجعه و توجه شود)، بیگانگی خود را به اهداف متعالی این سازمان و خیانت نسبت به شهدا و بیانیان گذاران کبیر سازمان و خلق انقلابی میهنمان به اثبات رسانده اند، سازمانی که برای مبارزه با امپریالیسم، ارتجاع، استبداد و استعمار بنیان نهاد شده، و سلاحهای خود را بر قلاب امپریالیسم و ارتجاع نشان داده گرفته، میرفت تا به دست راستهای منحط به سردمداری رجوی به سازش کشاند و منسوخ گردد، ولی با مبارزه‌ای پیگیر توسط برادران مجاهد، اینبار نیز سازمان مجاهدین - راستهای منحط را دفع کرد، ولی باید اقرار نمود که ضربات آن سهمگین تر از انحراف قبل بود و کار سختی را میطلبد. با اقتضای صراحت میگوئیم، بد احوال کسانی که از اصول و ضوابط انقلابی سازمان عدول و راه سازش با امپریالیسم را پیشه کردند، و بنا به ادعای خودشان "نسبت به او نهایی که این راه را نرفتند، سرهستیم" نقل از ابریشمچی، آری راستهای منحط، این چنین با خون شهدا معامله کردند، و هیچ حد و مرزی را برای غصب احتمالی قدرت سیاسی با حمایت بیگانگان نشناخته، بدین جهت با شتاب از توده‌ها جدا شده و بنا به ماهیتشان، امپریالیسم و ارتجاع عرب را تکیه گاه خود قرار دادند.

راستها که در رقابت دریافت ماهیانه ۳۰۰ هزار دلار از "سیا" آمریکا، میخواستند حاصل بیش از بیست سال مبارزات سازمان و دستاورد های آنرا وجه المصلحه قرار دهند. هنوز بر سر قدرت نیامده به سازمانها و گروهها و شخصیتهای مترقی و مبارز را خطا میدهند و از سینهدیوار فردای انقلاب سخن میرانند!، و با سرنوشت ۷۵ تن از اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق، که به مرکزیت راستها و سیاستهای راست روانه و انحرافی رجوی - به اصطلاح به "جهش ایدئولوژیک" و انقلابهای دیگر که در پیشگاه و بایبای بوسی رجوی رخ داد، اعتراض کردند، به شکجه و بازجویی در زندانها و قرارگاههای "منصوری و غنیور" واقع در شهرک "کهریز و ماموت" عراق - توسط مسئول "شورای ملی مقاومت" داد چار شدند. شیوه‌های خمینی گونه رجوی و هواداران شد در مقابل جهت سرکوب مجاهدین و ساکت کردن هرگونه صدای اعتراض برایمان روشن است، وی به تماس با آمریکا و ملاقات تنگینش با ملک حسین جنایتکار، این قاتل خلق فلسطین، افتخار کرده و از آن به عنوان "دیپلماسی انقلابی" یاد میکند، گویا آستان بوسی صد ام فاشیست، دیپلماسی انقلابی بود که رجوی به کشف آن نائل آمده، باید سؤال کرد آیا باز هم شکی در فاشیستی بودن رژیم عراق (که نظیر رژیم خمینی است) دارد؟، با توجه به اینکه اعضا و هواداران سازمان مجاهدین در هنگام مصادره هواپیمای ایرانی، از طرف مزدوران رژیم عراق، شکجه‌های زیادی تحمل کردند و اطلاعیه‌هایی بر طبع آن رژیم صادر شد. جای تعجب است که امروز دست بوسی صد ام عنوان "دیپلماسی انقلابی"

بخود مبادید، البته این فقط از معجزات حیرت آور امام جدید است! با «ورقت‌سار غیر انسانی رژیم عراق نسبت به خواهران و برادران مجاهد مان که به خاطر عدم همکاری با اپورتونیست‌ها، توسط آنان به مزدوران امنیت عراق تحویل داده شد» بودند، بیانگر ماهیت به غایت فاشیستی این رژیم می‌باشد. حال آنکه نمونه بارز ترش سرکوب خلق کرد است، که سال‌هاست ادامه دارد این رژیم با وحشیگری تمام، اقدام به بمباران شیعیانی زنان و کودکان بی دفاع خلق کرد نمود و بزرگ سیاه‌د بگری بر تاریخ سراسر سنگینش افزود. باید پرسید آیا ماسی انقلابی شما - این واقعیت را چگونه توصیف می‌کند؟ یکی از هواداران سازمان نقل می‌کرد، در استانبول در یکی از سایه‌گاه‌ها آزمائشی سوالی کردم، پاسخ آنرا به برنامه‌های ویدئویی محول کرد، ولی از آن جوابی حاصل نشد. سوال این بود تحلیل شما از رژیم عراق چیست؟ آیا ضد خلقی است یا بلعکس؟ مجدداً جواب خواستم، در جواب گفتند، باید از ویدئو جوابت را می‌گرفتی، ولی چون نگرفتی تو مسئله‌داری، وقت ما را نگیرید، وقتی را که برای جواب این سوالاتان صرف می‌شود حرام است و به هر زدن وقت انقلاب می‌باشد، در نهایت به پایکوتایی برادران منجر شد.

جای سوال است آیا جواب به سوال آنهم به این مهمی، به یک عوادار، وقت کشی و حرام است؟ پس چرا حل کردن سازمان در رژیم عراق حرام نیست؟ چرا اوقاتی که برای جلب حمایت امپریالیست‌ها و - نظراً ارتجاع عرب صرف می‌شود، حرام نیست؟ گفتن این جمله که رژیم عراق ضد خلقی است حرام محسوب شد، وقت انقلاب را می‌گیرد، مگر نه این است که باید انقلاب مرزهایش را با ضد انقلاب روشن کند؟ مگر نه این است که باید جبهه خلق از ضد خلق تفکیک و مرزبندی داشته باشد؟ پس چرا برداختن به این اصل مهم را اینجا حرام است؟

علاوه بر موارد فوق، باید بگوئیم رتبه نیز شاهد حرکات ضد پناهندگی راست‌ها بود، ایم، که مختصر اشاره‌ای بد آن لازم است، در قترنمایندگی سازمان ملل در ترکیه، در دست مترجمین هوادار گروه رجوی می‌باشد، مترجمین - عوادار راست‌ها، به راحتی هر پرونده‌ای را که بخواهند دستکاری کرده، اکثر اوقات پرونده‌ها را در گروها و سازمان‌های مترقی و مبارز، بویژه مجاهدین که حاضرین همکاری با راست‌ها نیستند، مفقود و معدوم می‌کنند، تا مانع از پذیرش آنان شوند، و یا مانع از حرکت‌های اعتراضی پناهندگان علیه نمایندگان سازمان ملل در ترکیه، که بکار پناهندگان - رسیدگی نکرد و ایجاد اشکال پی‌مورد می‌نمایند، شد، با پلیس ترکیه برای شناسایی فعالین پناهندگی همکاری همه جانبه می‌کنند، نمونه‌های زیادی هست که فعلاً از مطرح نمودن آنها نباید لائلی خودداری می‌کنیم، برای مثال، یکی از مجاهدین که حاضرین همکاری با راست‌ها نبود، مانع از پذیرش وی شدند، این برادر در اعتراض به این عمل لب‌های خود را می‌زد، گداز نهایت با برخورد غیرمسئولانه نمایندگان سازمان ملل، که نتیجه‌ممانعت راست‌ها از پذیرش اثر بود، پناهندگی‌ش پذیرفته نمی‌شود و توسط پلیس فاشیست ترکیه، با بران تحویل داده می‌شود.

هم‌میهنان مبارز

خواهران و برادران مجاهد

راست‌های منحنی در نقض حقوق و مکرراتیک گروه‌ها و سازمان‌های مترقی و مبارز هیچ حد و مرزی را نمی‌شناسند و بهر نحو ممکن به تفرق و تشتت درون جبهه خلق دامن می‌زنند، تا با خیال خامشان خود را بعنوان آلترناتیو جا بیاورد از سد - لذا تلاش می‌کنند تا ماهیت فرصت طلب و پراگماتیست خود را با سوءاستفاده از آرم و نام سازمان مجاهدین خلق

مخفی نگه داشته و بی‌جوش و خروش بود. حال آنکه رجوی و هواداران از طرف مجاهدین طرد شده اند، اما هنوز دست از این ترفند سیاسی برنداشته و حیثیت سازمان انقلابی مجاهدین خلق ایران را خدشه دار میکنند. این اعمال فرصت طلبانه راستها، ما را بر آن داشت تا ماهیت راست و برانگیزگویی آنها را افشا کنیم.

باید اضافه کنیم، بدنیال عهد ولسرد مد ایران راست منحنی، از اصول و ضوابط انقلابی سازمان مجاهدین دست پازدن به عهد افند و آرمانهای والای توحیدی، مبارزات رونی برای مقابله با اپورتونیزم، همچنان ادعا داشت تا بالاخره بر اثر اعتراضات شدیدی، او این کنگره سازمان در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۶۳، آنها را با حذف اعضا در "اورب سو او آز"، که از جانب راستها منسوب شده بود، تشکیل شد و از رجوی خواسته شد که به انحرافات پاسخ دهد. ناشرکت کنندگان در کنگره، نسبت به رهبری آینده سازمان تصمیم بگیرند، اما رجوی با وحشت از اینکه، همین کنگره دست ساخت خود، آزادانه باید، احتمالاً، او را از رهبری عزل خواهد کرد، کنگره را بهم زد، و در راست برادرم مجاهد پرویز یعقوبی گفت: "اوم کنگره را برای رسیدن به انحرافاتش، طی نامه ای خواستار شد. بود، نوشتند" نه رئیس کنگره و نه کنگره ای در او ریافت نشد، برگشت داد میشود، "لذا احاضر به جوابگویی به انحرافات و اتهامات نشد، و مانع از آزادانه کار کنگره گردید، و بدنیال آن بعد از تفریب مواضع، اید ثوابی، سیاسی، استراتژی طی بیانیه صادره در تاریخ ۱۹/۱/۶۴ از طرف مجاهدین خلق اعلام شد که رجوی و سایر کسانیکه "ارتقا اید ثوابی" را قبول داشته باشند، بخاطر تفریب بر اید ثوابی، ۱۰۰ روز از زمان طرد شد، و حق هیچگونه استفاده از نام و آرم سازمان را ندارند. اما راستهای منحنی با اینکه سازمان جدیدی بنام "ارتش آزاد"ی پیشش طی تشکیل دادند، و این فرصت طلبان، نام و آرم سازمان را بدک کشید، و سوءاستفاده میکنند، تا ماهیت ضد انقلابی خود را در ریشته آرم و نام سازمان مجاهدین خلق پنهان کرد، و با استفاده از سابقه و رخشان و بر افتخار سازمان به اهداف ارتجاعی خود جامعه عمل ببوشانند، بهمین خاطر هر عملی که در مکرانک در راست روان آنها، به نسل از جانب سازمانها و گروهها، بنام مجاهدین تبلیغ و ترویج میشود، تا شاید بتوانند، سایه بر افتخار سازمان را در ریزند، و هاشمیه سازند.

ما هواداران مجاهدین خلق ایران، ضمن حمایت خود از برادر پرویز یعقوبی و محکوم کردن اعمال ضد انقلابی راستها، اسلامیکیم که صرف مجاهدین از صف مسئول "شورا محلی مقاومت" و "ارتش آزاد پیشش" و اعوان و انصارش، که وابسته به ارتجاع عرب و امپریالیسم امریکایی هستند، جداست، بنابراین گفتار و عملکردشان هیچ ارتباطی با مجاهدین و سازمان مجاهدین خلق ایران ندارد.

فوان الباطل خلف من مزاج الحقام یخف طی المرتادین، پس اگر باطل از آمیختگی با حق جدا شود، بر مرد میگذرد اندیشه و جستجوی حقد، باطل پوشید، نمیمانند. "نهج البلاغه"

باشد تا با شناسائی و تفکیک حق از باطل و اقتضای باطلی که ملبر به حق است، چهره و ماهیت ارتجاعی و منحرفان را بر تود، هاشمیه سازند، و شبیه رانای بود، سازند.

مرکز بر ارتجاع مرگ بر امپریالیسم مرگ بر خمینی

جمعی از هواداران مجاهدین خلق ایران - ترکیه

مهر ۱۷

## گزارش برگزاری پنجمین مجمع عمومی

۱- قرائت گزارش مالی خورا\* از مبلغ مرگدکاک سردارنا مجمع عمومی ۱۹ سپتامبر\*  
 ۵- توضیح کلی در مورد مذاکرات اخیر خورا\* با مسئول جدید UNHCR کراچی\*  
 ۱- پیشنهادات و انتقادات\*  
 ۷- انتخابات  
 ۱- گزارش کلی خورا اما بطوریکه توضیح داده شد منتهی گزارش کلی خورا\* به مجمع قبلا در دسترس بعضی از پناهندگان و آوارگان قرار گرفت اما در اینجا فقط مختصری از محورهای کلی گزارش را می نویسیم: خورا\* سعی نمود که حتی الامکان نقاط ضعف و همچنین وضعیت فعلی جنین پناهندگی در کراچی را توضیح بدهد. اشاره به تشکیلات و فشارهای وارده از مقلع ملج\* بین ایران و عراق تا کنون که بطور روزافزون ادامه دارد و بر حقیقت می رود که به شکل روندی حاکم بر علیه

پس از تشکیل مجمع عمومی ۵ سپتامبر که در حقیقت اولین مجمع عمومی نیمه علنی خورا بوده است و بالاخره دومین مجمع عمومی نیمه علنی خورا\* پناهندگان و آوارگان ایرانی در تاریخ ۱۹ سپتامبر برگزار شد. طبق دستور جلسه مجمع که از قبل مشخص شده بود نخست سکول جلسه مختصری در مورد وضعیت فعلی و همچنین ضرورت مبارزه\* به گهروستمر علیه کلیه فشارها و تشکیلات همه جانبه و همچنین دلایل حرکت فعال پناهندگان و آوارگان در انتخابات و نیز طرح پیشنهادات و انتقادات مطرح نمود سپس بر اساس دستور جلسه مجمع عمومی ۱۹ سپتامبر که به قرار زیر بود: جلسه ادامه یافت\*  
 ۱- قرائت گزارش کلی که متن آن سه روز قبل توسط گروههای تبلیغاتی خورا\* فراهم گردید و رایزنی در مجمع عمومی قرار گرفت\*  
 ۲- قرائت گزارش کمیته زندان از مجمع عمومی ۵ سپتامبر تا ۱۹ سپتامبر\*  
 ۳- قرائت گزارش کمیته ارتباطات\*

- گزارش کمیته ای شورای پنجمین مجمع عمومی پناهندگان و آوارگان ایرانی در کراچی
- برخورد شخصی مسئول مهاجرت UN کراچی
- نارسائی در امر مهاجرت و اقدام به خودکشی
- ۲۴ ساعت در بازداشت
- گزارشش از تظاهرات استاده
- خوب نگاه کنید، راستی است
- طوبار سخن می گوید
- گزارش از وضعیت قباچین و پناهندگان افغانی
- اخبار

# گزارش برزاري هفتمين مجمع عمومي

بناهندگان و آوارگان ايراني عمل کننده‌يكي از موضوعات ملرويه در گزارشي بوده است. همچنين در مورد شرکت فعال بناهندگان و آوارگان در مورد تنظيم گهري خان در رابطه با سر نوشتگان اعاره‌ي کلي داشته‌يم. موضوع ديگري که در گزارشي کلي مطرح گرديد دلايل مرزبندي با خدا نقلابيون حا کسيم و محکوم و متحدبنشان اعم از ملت طلبان و توده‌ايها و اکثريتي ها بوده است. در اين بست با تا کيد بر و محبت فعلي جنبش بناهند گي و لروم مبارزه متحد و يکپارچه بدور از هرگونه ممانعت و سازش دلاکلي تشويق و عملي مرزبندي توضيح داده شده.

سيس گزارشي عملکردهاي کميته زندان و ارتيا ملات و ماليي در مجمع عمومي قرائت گرديد.

بخوريمدي دستور جلسه هفتمينها دات و انتقادات بوده است. که در حقيقت يکي از محورهاي مهم جلسه محسوب ميشده. در اين رابطه نعت از حاضرين در جلسه خواسته شده که انتقادات خود را در مورد عملکردها در اين دو نشست مجمع عمومي طرح نمايند. البته لازم به توضيح است که بخشي از انتقادات شورا توسط يکي از اعضاي شورا مطرح گرديد و در حقيقت پس از طرح ضعفا و نفايس شورا در رابطه با عملکردهاي نا کثوني اش در عرصه‌هاي مختلف، جهت برطرف نمودن کميوتها از مجمع خواسته شد که نماياته نظرات و پيشنها دات خود را عنوان نمايند.

عمدتا انتقاداتي که از طرف اعضاي مجمع عمومي به شورا طرح گرديد نسبت به جک کار شورا و نبرخيوها زمانه‌ي بناهنده ها و آواره ها بوده است. آنچه که در اين مجمع عمومي بيشتر از ميا مع عمومي ديگر تظير داشت بر خورد فعال اعنای مجمع عمومي در رابطه با شکل طرح مشکلات و ممانعتان بوده است و در اين رابطه اکثريتي مي نمودند که انتقاداتشان را نسبت به عملکردهاي شورا بدون هيچگونه اغماضي طرح نمايند که از نظر ما اين برخورد فعال ناعي از همزان مسئوليت پذيري بناهندگان و آوارگان نسبت به وضعيت فعلي و آينده شان ميباعد.

انتقاد ديگري که از طرف حاضرين نسبت به عملکردهاي نا کثوني شورا مطرح گرديد در رابطه با تبليغات شورا در بين بناهندگان و آوارگان بوده است و از شورا خواسته شده که در فعاليتهاي بعد دوره‌هاي بعد نسبت به آن فعالتر برخورد شود و در همين رابطه پيشنها داتي به شورا داده شده که پممانظرات اصولي و درستي بوده است. سنله ديگري که تا حدي از طرف اعضاي مجمع عمومي و نمايندگان دوره قبل شورا روي آن صحبت شد و سميت آينده شورا و جنبش بناهندگي بوده است.

موضوع ملح و کليه ذهنشدهاي کشورهاي بناهنده بدير بار رژيم خدا نقلابي ايران در آينده روند ي رابطه جنبش بناهندگي تا کم خواهد کرد که در مجموع کاملا بر عليه بناهندگان و آوارگان مي باعد در همين رابطه از مجمع عمومي خواسته شده که سبي نمايند عميقا نظراتشان را مطرح نمايند. اعضاي حاضر در مجمع ميرفتند تا نظرات خود را براي اين مورد مطرح نمايند که يکي

از حاضرين در جلسه مجمع عمومي با طرح سوالی انحرافي و خصي به عمد تا ختبه غلطي و فردي داشته است عملا حدود يک ساعت و اندي وقت جلسه و نبروي حاضرين در مجمع رابطه هرز بود در مقيمت اين فردا ز نماي دموکراتيک مجمع عمومي سو استفاده نمود و جهت طرح خصيت خود حاضر شد تا همي را که بعدا معلوم شد. در گونه پايه و اساسي نداشته است رابطه چند نفر از حاضرين در مجمع بزنده از آنجا نيکه شورا بناهندگان و آوارگان ايراني يك شکل دموکراتيک و رادیکال مي باعد ضمن نقد بر از کثاني که نظرات سالم و انتقادي خود را در مجمع عمومي کسه عا ديگرين ارگان تصميم گيري ميباعده جهت بهبود مبارزاتي بناهندگان و آوارگان مطرح مي نمايند با هرگونه برخورد غلطي و خصي که عمدتاً جنبه خود مطرح کردن و با ايجاد جويا نتياز جهت هرز بردن انرژی حاضرين در مجمع عمومي مي باعد مرزبندي داريم براي اينکه در وضعيتي که بر جنبش بناهندگي حا کسيم شده است عملا فراخوانهاي منظم مجمع عمومي را از مالمسب نموده است بطور مشخص براي برگزاري مجمع عمومي ۱۹ سها مير پس از صرف کلي شهر و حدود ۱۷ الي ۸ ماه دور غير نموديم. بنا بر اين با يکسلي کرد در جنبش اوضاع حساسي که در آن پسر مي بريم در جلسات مجمع عمومي و مشورتي و همچنين شورا در ميعات اساسي گرفته شود.

موضوع ديگري که در مجمع عمومي ۱۹ سها مير بر آن بحث شد در مورد حساسيت اوضاع فعلي جنبش بناهندگي به لحاظ امنيتي در رابطه با شرکت رژيم خدا نقلابي ايران بهي و پس از صلح نهايت با ايران و عراق و همچنين شمبي معاملات و زد و بندهاي رشکار و گسهاي واقعاتي با امپرياليتها و کشورهاي بناهنده پذير بوده است. در همين رابطه شورا از اعضاي مجمع عمومي خواست تا پيشنها داتشان را مورد ايجاد کميته امنيتي شورا مطرح نمايند. در اين عرصه بعضي از اعضاي مجمع عمومي نظراتشان را مطرح نمودند. تصميم گهري در مورد ايجاد نهاد امنيتي بجا طرح کميته وقت و همچنين حجم کارهاي





دیگر عملاً به آینده عمومی گردید.

تشکیل کمیته مالی فیزیکی از پیشنهادات شورا به مجمع عمومی بود که در این رابطه پس از مقداری بحث و گفتگو با اکثریت تشکیل این کمیته به تصویب مجمع رسید.

در مجموع باید بگوئیم علیرغم اینکه پناهندگان و آوارگان نمی نمودند در این جلسه پر شور و فعالیت پناهندگی بطنی بطنی مگر یکسری نواقص در عرصه تبلیغات و تدارکات قبل از تشکیل مجمع ملاحظه نمودیم را ندیمان بطلب برادر موزه های

مختلف از جمله بحث کافی در مورد وضعیت فعلی و آتی جنبش پناهندگی - سبک کار و سازماندهی شورا و همچنین چگونگی سازماندهی مبارزات منفی - سیاسی پناهندگان و آوارگان بدست آوردیم و بطوریکه اکثر سوالات و انتقادات اعضای مجمع عمومی به شورا بدون پاسخ ماند.

وضعیت دیگری که در مجمع عمومی ۱۹ سپتامبر ملاحظه نمودیم در کیفیت پرمیگردیده تبلیغات قبل از تشکیل مجمع و از آن حائز که فاصله بین تبلیغات و تشکیل مجمع کم بود عملاً گروه

های تبلیغاتی نتوانستند پناهندگان و آوارگان را به جمع عمومی فرا بخوانند و این خود باعث شد که تعداد اعضای مجمع عمومی به اندازه ای که از قبل حدس زده می شده نباشند اعتراضات بعضی از پناهندگان و آوارگان بعد از مجمع عمومی خودگواه این امر است. برای اینکه بعضیها میگفتند چرا ما را در جریان برگزاری مجمع عمومی نگذاشتند.

انتخابات و بعد از پیشنهادات و انتقادات نوبت به انتخابات رسیده علیرغم اینکه اجماعاً تعداد زیادی از فعالین جنبش پناهندگی به مهاجرت رفتند ولی بنایه یکریخته دلایل در رابطه با ویژگی کنونی مسئله پناهندگان و آوارگان و در انتخابات اخیر تعداد زیادی خود را کاندیدا برای عضویت شورا نمودند که از نظر ما قابل تقدیر و تحسین می باشد غایبین توان گفت ایس بسیار که تریب استقبال در رابطه با کاندید شدن در انتخابات شورا بوده است.

## گزارش مالی شورا به هفتمین مجمع عمومی پناهندگان و آوارگان ایرانی در کراچی

مخارج شورا از اول ژانویه ۸۸ تا ۱۱ فوریه ۸۸ در مجموع ۵۱۱۸ روپیه بود. است. طی همین مدت ۱۲۵۰ کرون سوئدی معادل ۲۱۵ دلار آمریکایی - که برابر با ۲۹۲۱ روپیه میباشد که توسط تعدادی از هموطنان بلوچ فرستاده شد و در ریاضت شورا بود. است. همچنین مبلغ ۱۰۰ روپیه از کانالی دیگر به حساب مالی شورا رسید. است. بنابراین کل دریافتی شورا طی این مدت ۱۲۱۱ روپیه بوده که با در نظر گرفتن مخارج شورا طی این مدت ۵۱۱۸ روپیه در مجموع شورا ۱۰۹۷ روپیه به صندوق خود بدوکار بوده است. کل دریافتی شورا ۱۲۱۱ = ۲۹۲۱ + ۱۰۰ = ۵۱۱۸ - ۱۰۹۷

از تاریخ ۱۲ فوریه تا ۲۵ فوریه - همزمان با آکسیونهای شورا - ۲۴۲۷ روپیه از طرق مختلف جمع آوری شده است. طی همین مدت مخارج شورا بالغ بر ۲۲۶۸ روپیه بوده است. در نتیجه مبلغ ۱۹ روپیه در صندوق شورا باقی میماند. با توجه به بدی مالی شورا در صندوق میتوان چنین محاسبه کرد: بدی شورا از صندوق ۱۰۲۸ = ۱۹ - ۱۰۹۷

از تاریخ فوق به بعد کنکهای مالی رسیده برای شورا بقرار زیر میباشد:

۱- در ماه آوریل مبلغ ۲۰۰۵ کرون سوئدی از طرف کمپ پناهندگان هالستانها مار.

۲- در ماه جون مبلغ ۱۹۷۵ کرون سوئدی از طریق چک و ۷۰۰ کرون بطور نقدی از طرف گروه آرشد راستهلم سوئد.

۲- در ماه جون مبلغ ۶۶۰ دلار از طرف کمیته حمایت از پناهندگان ایرانی در پاکستان - هندوستان - ویتنام - نروژ -  
 ۱- در ماه جولای مبلغ ۱۸۱۰۰ دلار از طرف قانون دفاع از پناهندگان ایرانی در ترکیه و پاکستان و دانمارک ...  
 و همچنین مبلغ ۱۰۰۰ دلار از طرف کانون ایرانیان معیم هلند - دن هاخ و جمعی از مردم هلند -  
 ۵- در ماه اکتوبر مبلغ ۶۰۰ دلار از طرف کمیته ایرانیان مفرج در هوستون - آمریکا و همچنین طی این مدت بطور متفرقه مبلغ  
 ۷۵۰ روپیه بحدود و قشور واریز شده است و مبلغ ۲۱۵۰ روپیه بطور امانت و مومنی در اختیار شورا قرار گرفته است که این مبلغ  
 باید تماماً بعد از پرداخت آن بازگردانده شود.

مخارج شورا طی این مدت عبارت بوده است از:

از ۱۷ فوریه ۸۸ تا ۱۵ آوریل ۸۸ مبلغ ۴۱۷۲ روپیه -  
 از ۱۶ آوریل تا ۹ جون مبلغ ۸۸۱۷ روپیه -  
 از ۱۲ جون تا ۲۱ جولای مبلغ ۸۵۴۹ روپیه -  
 از ۵ اکتوبر تا ۱۶ سپتامبر مبلغ ۷۱۹۲ روپیه -

در مجموع طی این مدت مبلغ ۲۷۷۲۲ روپیه مخارج کلیه کارکرد های شورا و هزینه های متفرقه بوده است که با توجه به مجموع  
 در آمد های شورا که مبلغ ۵۰۵۷۵ روپیه را شامل میشود ، مبلغ ۲۱۷۴۸ روپیه در صندوق شورا باقی میماند.

$$۵۰۵۷۵ - ۲۸۸۲۲ = ۲۱۷۴۸$$

## گزارش کمیته ارتباطات به هفتمین مجمع عمومی

### پناهندگان و آوارگان ایرانی در کراچی

همپیمان آواره و پناهنده!

بد نیال مجمع عمومی ۵ دسامبر ۱۹۸۷ و با توجه به شرایط آندوره و از آنجائیکه برگزاری حرکت های اعتراض بر علیه سیاست های  
 ضد پناهندگی UNHCR در دستور کار شورا قرار گرفت ، کمیته ارتباطات همچون سایر کمیته های شورا ، تمامی تلاش خود را در این  
 جهت بکار گرفت و در حد توان خود و امکانات موجود اقداماتی را صورت داد که در زیر فهرست وار بدانشا اشاره مینمائیم :

۱- در دسامبر ۸۷ از طرف این کمیته نامه ای سرکشاده به تمامی تشکلات دنگراتیک و مترقی و نیروهای انقلابی ایرانی در خارج از  
 پاکستان ارسال شد - این نامه را بسیاری از تشکلات و نمایندگان گنهای جریانات سیاسی در اروپا و آمریکا دریافت داشته و اعدا به  
 نشر متن فارسی و ترجمه و تکثیر اعلامیه های دیگر شورا به زبانهای مختلف برای مردم آن کشورها و مراجع ذیصلاح نمودند .

۱- در ژانویه ۸۸ نامه دیگری ، مجدد ا خطاب به جریانات فوق ارسال گردید . این نامه به منظور تأکید و باره بر خواسته هایمان  
 و اصرار مکرر برای یاری و مساعدت پیکمتر آنان بوده است .

۲- از مجمع قبل تاکنون ، این کمیته کلیه گزارشات و نشریات شورا ، تمامی اعلامیه ها ، به همراه بریده های جراید پیرامون حوادث -

اخیر را برای تشکل‌های اروپا و آمریکا ارسال نموده است.

۴- در رابطه با خود سوزیها، تحمّن و اعتصاب غذاهاى متعدد آوارگان و بالاخص حرکت اعتراضى ۱۵/۵ ماهه، کمیته ارتباطات تمام تلاش خود را برای انعکاس آنها در مطبوعات بکار گرفت. بطور مشخص در رابطه با معترضین ۱۴ ژانویه، مرتباً متنهای خوبی به مطبوعات داد شد و توجه آنها را به وضعیت اسفبار این هموطنان جلب نمودیم. نسخه‌های متعدد از تمام متون جراید و نیز تلگرافهای ارسالی به ژنو، در آرشیو کمیته ارتباطات شورا موجود است.

۵- در ارتباط با خودکشی تاسفبار کاکسردار، ما تلاش نمودیم تا نظر مطبوعات پاکستان و نیز جریانهای از قبیل حقوق بشر در این کشور را به مجموعه عواملی که موجب بروز چنین فجایعی می‌گردد، جلب نمائیم و با توجه به ظرفیت موجود در مطبوعات این کشور توجه آنها را به خودکشی این پناهنده و غلّ کوناگون آن از جمله تفسیقات UNHCR و سرکوبهای موجود در ایران و عراق، معطوف داریم. همچنین ضمن تماس تلفنی با فعالین در اروپا و آمریکا از آنها خواهان عکس العمل فوری در قبال این قضیه شدیم.

۶- در همین رابطه ما با ارسال تلکسهای اعتراضی به UNHCR و ژنو، شکل گیری اینگونه حوادث در چند ماه گذشته را یار دیکر به آنها گوشزد نموده و ضمن محکوم نمودن سیاستهای غیرانسانی UNHCR کراچی، عواقب چنین اعمالی را بعهد UN و ژنودانستیم.

۷- ارسال اخبار جراید پاکستان در رابطه با حرکت اعتراضی ۱۵ فوریه ۸۸ به کلیه تشکلات پناهندگی که کمی همگی آنها در آرشیو موجود می‌باشد.

۸- برگزاری کنفرانس مطبوعاتی ۱۴ فوریه به همراه معترضین ۱۴ ژانویه و با حضور بیش از صد تن از هموطنان آواره و پناهنده که برای روشننگری هر چه بیشتر از همان مردم پاکستان و مطبوعات این کشور صورت گرفت، کما اینکه در این زمینه انعکاس نسبتاً وسیعی در مطبوعات و حتی خبرگزاریهای بین‌المللی مشاهده گردید.

طی چند ماه گذشته با وجود آنکه مطبوعات پاکستان در حالت چندانی در مسائل پناهندگی نمی‌نمودند، اما با انعکاس مرتب اخبار و اصرار مکرر بر خواسته‌های برحقان، ما قادر شدیم تا توجه اکثریت آنها را پسوی خویش جلب نموده و اینک در مطبوعات و خبرگزاریها بطور کاملاً رسمی از پناهندگان و آوارگان و تشکل آنها، شورا نقل قول شده، کما اینکه آنها بارها به بیانیه‌های شورا استناد کرده‌اند. این امر به نوبه خود یک پیروزی برای پناهندگان و آوارگان ایرانی تلقی می‌گردد. از سوی دیگر ما نامه‌های سرکشاده، دیگری خطاب به سازمانهای سیاسی، انقلابی و نیروهای مترقی نوشته‌ایم که رونوشت آنها برای تمام سازمانهای سیاسی و مترقی ارسال نموده‌ایم.

در حال حاضر، کمتر کشور اروپایی و آمریکایی یافت می‌شود که بیانیه‌های شورا بدینجا ارسال نکند و پیرامون آن فعالیت‌هایی صورت نگرفته باشد.

همچنین ارسال کمکهای مادی جریانات مترقی و دموکراتیک توان ما را بیش از پیش افزایش داد و در واقع بدون کمکهای مالی چند ده گذشته ما قادر به بسط و تداوم ارتباطمان با سایر تشکلات نمی‌گشتیم. اکنون ما از برخی تشکلات نامه‌هایی دریافت داشته‌ایم و با برخی دیگر نیز در حال ارتباطگیری می‌باشیم و امید به آن داریم که اگر حرکت‌های خود را ضمن بکارگیری کلیه تجارب گذشته، خودمان در کانال اصولی به پیش برانیم با اتکا به اتحاد در صفوف پناهندگان و آوارگان مبارز، قادر خواهیم بود به دستاوردهای مثبتی نائل آئیم.

موفق و پیروز باشید!  
کمیته ارتباطات ش.پ.آ. ۱۰.پ.ن

## گزارش کمیته انتشارات به هفتمین مجمع عمومی پناهندگان و آوارگان ایرانی در کراچی

مقدمتاً اشاره به نکته‌ای ضرورت دارد (که جای بحث تفصیلی پیرامون آن در گزارش کلی ما به مجمع عمومی ارائه شده است) و آن، نبود سازماندهی اصولی پناهندگان و آوارگان در پراکتیک شورا، تا همین اواخر، می‌باشد. طبیعتاً فقدان سازماندهی خود، ای بر تمام کمیته‌های شورا، از جمله کمیته انتشارات، و نیز هر دو وجه آن، یعنی وجوه تحریریه و تکنیکی، تأثیر داشته و موجب گردید تا اولاً تمام وقت و انرژی اعضای این کمیته و نیز بخشی از وقت و انرژی سایر نمایندگان شورا - غیرم مسئولیت آنان در کمیته‌های دیگر - بلعیده شده و عملاً به قیمت فقدان کارایی تمام نمایندگان نشریات تهیه و توزیع شود. ثانیاً با همه تلاشها، تیراژ و سطح کیفی نشریات - اعم از ارگان و اعلامیه‌ها و غیره - بیانگر و متناسب با توان بالقوه جمعی ما، یعنی تمام آوارگان و پناهندگان علاقه‌مند، نباشد. با این مقدمه کوتاه، می‌پردازیم به وجوه مختلف انتشارات.

الف - وجه تحریریه: کمیته انتشارات بلحاظ وجه تحریری خود، مسئول نگارش و پرداخت فرمی مسوولیت کمیته هماهنگی و نیز مسئول تهیه مفاصلی پیرامون موضوعات و مسائل تعیین شده از سوی این کمیته (هماهنگی) بود. است. عدم سازماندهی آوارگان و پناهندگان علاقه‌مند به مقاله‌نویسی، خبرنگاری، شعر، نقاشی، کاریکاتور، قصه‌نویسی، جمع‌آوری اخبار از راد یوها و روزنامه‌ها و غیره در کمیته انتشارات، بطوریکه از یکساعت در ماه تا یک یا چند روز در هفته این علاقه‌مندان را شامل می‌شود، عملاً موجب قرار گرفتن ما در برابر حجم بسیار زیاد کارها گردید. طبیعتاً چنین سبک‌کاری در مدت اوم خود، حداقل، و نتیجه نامطلوب بیار می‌آورد:

اول اینکه کم‌کیف‌کار به سطحی که بالقوه در توان ماست، نخواهد رسید. دوم اینکه موجب تراکم و تمرکز کار انتشارات در دست چند نفر میگردد، بنحویکه با مهاجرت یا نبودن یکی از اعضای آن بهر دلیل، خلا بزرگی بوجود می‌آید و تا اندازه معینی ما را در تبلیغ و ترویج خط شورا از طریق کمیته انتشارات، برای کسب حقوقمان در سرزمینه امنیت - پذیرش و مهاجرت، عقب می‌اندازد.

ب - وجه تکنیکی انتشارات: این کمیته بلحاظ تکنیکی، مسئولیت تایپ، ادیت، صفحه‌بندی، مونتاژ، و سایر کارهای تکنیکی ارگان ماهانه شورا، جزوات گزارش به ششمین مجمع عمومی، اعلامیه‌ها و غیره را به عهده داشته است.

باز هم نبود سازماندهی در بین تمام علاقه‌مندان به کارهای تکنیکی فوق، بطوریکه حتی از حداقل وقت آزاد آنها در ماه نیز استفاده شود، موجب گردید تا کارهای فوق‌علا توسط دوتن اعضای کمیته انتشارات انجام شود و فقط تایپ آن را در دستار دیگر به عهده گیرند و خود پیدا است که ادامه چنین سبک‌کاری، حداقل، و نتیجه نامطلوب را که در قسمت الف ذکر شد، در پی خواهد داشت.



نتیجه

برای اینکه بتوانیم خط شورا، یعنی خط آگاهی از کم و کیف حقوقان پیرامون امنیت، پذیرش و مهاجرت را پیش ببریم، برای اینکه بتوانیم دربارهٔ چگونگی کسب حقوقان در سه زمینهٔ فوق (امنیت، پذیرش و مهاجرت) و نیز ارتقا آگاهی سیاسی آوارگان، تبلیغ ترویج و سازماندهی کنیم و برای اینکه ارگان ما، یعنی پیام شورا بتواند نقش تبلیغی، ترویجی و سازماندهی خود را در سطح مطلوبی انجام دهد، مستلزم همکاری دوستان علاقمند، و اختصاص بخشی از وقت و انرژی آنها (از یک ساعت در ماه تا یک یا چند روز در هفته) در یکی از وجوه تحریریه یا تکنیکی و یا هر دو وجه کمیته انتشارات می باشد.

کمیته انتشارات ش. پ. آ. ۱۰. پ. ک

# نارسانائی در امر مهاجرت و اقدام به خودکشی

بود خیز برداشت و داستان وی را گرفت و با فریاد د یهران را بگمک طلبیه پناهنده مزبور چنان مسمم به اینکار بود که با وجود یک چندین نفر جلوی او را گرفتند ولی او با تمام نیرویش داستان خود را صد مبرده در این میان دست پکی از ذ خالت کنندگان نیز آسیب دید. ده های از پناهندگان حاضر در محل از خشم و نفرت صدای اعتراض خودشان را بلند کردند و از سازمان ملل متحد که داعیه حمایت از پناهندگان را دارد ابراز شکایت نمودند. بعد از اینکه ده های از پناهندگان موفق شدند تیرا از دست این پناهنده معترض بگیرند و جسم خونین و لرزان او را بکناری کشیدند، تازه در این موقع کارکنان و مسئولین UN که چند دقیقه پیش از حادثه ککشان نمیگزیده پشت مبله آمدند و تظاهر به تردن کلاه نمودند چندین مرتبه پناهندگان حاضر در صحنه به سرخورد غیر مسئولانه UN اعتراض نمودند آنها میگفتند که سبب اصلی این حادثه شماها (UN) میباشد که با سلطوت و بی توجهی تان این فاجعه ها را می آفرینید. چند دقیقه بعد برای پناهنده معترض باند و کمکهای اولیه آوردند ولی چون بریدگی عمیق بود او را به بیمارستان برای زدن بخیه بردند. خوشبختانه با کمک و همیاری پناهندگان حاضر در جلوی درب UN این حادثه پایان ناگواری نداشت و آنها توانستند جان او را نجات دهند. اما چیزی که جالب توجه میباشد آنستکه مسئولین UN بعد از این حادثه زحمت کشیدند و پرونده فرد مذکور را مورد بررسی و مطالعه قرار دادند و تازه بعد از دو سال گفتند "ما نمیدانستیم که شما متاهل هستید و فرزند دارید!"

روز دوشنبه ۱۹ سپتامبر ۸۸ در مقابل درب UN کراچی حادثه دیگری اتفاق افتاد که متأسفانه تا بحال در زندگی پرمشغلت و دردناک پناهندگان ایرانی تازگی نداشت. خود سوزی با آتش آب جوش، مسر بریدن، د وختن لب، زدن نرگ و ... بی آمد فشارها می بود. است که پناهندگان ایرانی بدنبال قطع کارت، عدم پذیرش، مشکلات امنیتی و عدم اقدام عاجل برای مهاجرت از طرف UN کراچی دریافت کردند. این چهار پناهنده ای که بعد از دو سال دریدری و سرگردانی به همراه زن و فرزندش از چند هیئت جواب رد گرفته بود، تحت فشارهای زیاد به خواست پا زدن نرگ دستش به زدن کی برد در شریخانه هد هد ف از اعتراض این پناهنده، بی آینه گی و سرخوش تیره و تار زندگی آمد. بود است که خود را بصورت هل پالس آبیود رنگ زنی جلوه گرید این پناهنده چند لحظه قبل از اقدام به خودکشی، در کنار پناهندگان دیگر پشت مبله های درب UN و در زیر آفتاب سوزان کراچی ایستاده بود و به مترجم UN گفت "بالاخره تکلیف من چه میشود؟ چرا پرونده ام را همیشه تروزی نمیدید؟" ولی با جواب "متأسفیم UN مواجعتند" چند لحظه بعد وقتش که هیئت تروزی از ساختمان UN خارج شد و به همراه یکی از مترجمان وارد ماشین UN شد، پناهنده مزبور با بهر نحیفش بطرف ماشین رفت و کارتش را بطرف هیئت تروزی دراز کرد و از مترجم خواست که مسائل وی را برای هیئت بازگو کند که متأسفانه آنها نیز با بی توجهی برخورد نمود و راننده اقدام به روشن نمودن ماشین کرد و او را مجبور به رفتن به کنار کرد. چند لحظه بعد وی ناامید و درمانده از همه جا

UN ایستاده و در برابر چشمان حیرت زده پناهندگان از جیب خود تیغی درآورد و گفت که "دیگر تحمل من تمام شده" زمانیکه میخواست تیغ را با سبب دستش آشنا نماید، زن پناهنده ای که در آن نزدیکی ها



# "گزارش کمیته زندان به هفتمین مجمع عمومی پناهندگان و آوارگان ایرانی"

حسیندی گزارش چند ماهه خود را در شرایطی به مجمع عمومی ارائه می‌دهیم که سیاست دفاع کارت (پویزه در سوریه، مولانا بلوچ) - معرفی به پلیس با نشان قبیل از گرفتن مجامع عدم پذیرش و صاحب‌های بازجو با نامه مسئولین و در نهایت سیاست محدود کننده ۱۵۰۰ و حجم فشارات بیشتر از حد مقرر را بر پناهندگان و آوارگان تشدید نموده است. در این راستا تعدادی به اعمال و سرنگی کشیده شده که منجر به سوگیری به پناهندگان و آوارگان گردیده است. بعضی دیگر برای مقابله با روند فشارات موجود و نیز بهبود اوضاع ما گریه اعتراضات ندانمی هستند و قلم برای جلوگیری از غلبه شدن چنین اجنادی می‌نویسند از مناری و شرایطی مختلف و مبارزاتی را جهت مدعی هستند به مواجها آنها به وسای زمانه می‌کنند. اگر سیاستهای اتحاد شده از کاتال حرکت جمعی با سازماندهی از پیش تعیین شده و در نهایت از مجرای تشکلات دمکراتیک رزمنده و انقلابی عبور نکنند در موفقیت آنها در سطح بسیار نازل است چه مبارزات محدود بودی و افرادی که به جای تیرده و موجب تحلیل انرژی مشتریان گردیده است.

کمیته زندان خود را از سبقتا میر ۸۷ کار مستقل خود را بنا بر سروریهات ما کم بر جنبش پناهندگی و رسیدن به ترک فوق و نیز برای مداخله در تمام عرصه‌های اجتماعی آغاز نموده. طبعی گزارش به مجمع عمومی گذشته ما مقرر شدیم که برای تدارکات لازم جهت پناهنده کردن این بارها (پویزه کنترل مرا گریستگتری ایرانیان توسط پلیس) نیازمند به نیروی انسانی و امکانات مالی در همه سطوح باشیم می‌خورده. پس از ارائه گزارش و کسب تصمیم تکلیف به مجمع عمومی طبق تقسیم بندی جدید اعضا این کمیته به ۳ نفر افزایش یافت.

فرازونشیهایی که در این مرحله به چشم می‌خورند نشان داد که این تعداد برای پاسخگویی به مسئولیتهای یاد شده کافی نبوده از این جهت کثرت نیروی بیشتر در صحنه عمل و آزاد کردن پتانسیل نهفته شده های پناهنده و آواره و برای تقابل با جوان فعال و بی‌ظرفی و فشارات کار با کیفیت بالا است به ابتکاراتی زدیم. احساس چنین امری در مقامی که عمل علم پناهندهان بر اساس شرایط اجتماعی رژیم ایران به خارج سرازیر شده بود و همچنین وجود بارها و مترهای بالا قطع

کارت فرم ۲ در مراحل - ۱۰۰ و یک ما کفک کرد تا تعدادی از نیروها را به عرصه فعالیت گنانه و آنان را بر پیشانی مختلف پویزه کمیته زندان سازماندهی کنیم. البته ناگفته نماند که این روند پیشگام قاعده برای تمام کمیته‌ها عملی نبود و فقط بزرگ با چند پیش‌خورا به مرحله اجرا درآمد و در نتیجه راه خفیم مانده. با این مقدمه گزارش خود را به مجمع عمومی ارائه می‌نمایم. رئیس کلد فعالیت ماملی دوماه گذشته بطور خلاصه و فشرده در ۲ حوزه صورت می‌گرفت. ۱- حوزه ارتباط گسری با زندانیان بطور کلی ما در طی هفته ۲ روز از وقت خود را به ملاقات حضوری و منظم با زندانیان اختصاص می‌دادیم. در موا قع اضطراری به بیش از ۶ روز نیز می‌رسید. در این

املاک آنها علاوه بر رفع و رجوع کردن شواکات و مشکلات آنان اقدام زهر را برای آنها تهیه می‌کنیم. موه - سگار - دارو - کلبه ضروریات بهداشتی - کاغذ و پاکت نامه - بردن کتب و زمان نشریات به نام خود را. ترغیب آنها برای گرفتن تماس با خود را و در پایان گرفتن گزارشات آنها که مربوط به حوا کم بودند آن بود و تماس آن در سطح افکار جهانی پویزه طرح ترغیب به نام خود بوده است.

۲- تماس با UH و سازمانهای ذیربط از جمله ونو - عضو یمن الملک - ملیت سرخ و ۱۰۰۰ در این حوزه ما ضمن ارسال نامه های زندانیان یک نامه ترجمه شده به انگلیسی با تمام مدارک موجود برای این سازمانها ارسال می‌دهیم. بیشتر این توان و انرژی ما صرف گرفتن وقت برای جواب نامه و ترجمه متن به انگلیسی می‌گردد که از دوستان خود را بهره گرفته می‌شود. بررسی روند بعضی تحولات اخیر نشان می‌داد که جوابهای غیر مسئولانه UH از دیدگر عوامی بود که مانع بیشتر کار ما می‌گردید. ارسال نامه های شخصی زندانیان برای ما نوازه و نیز گرفتن تماس تلفنی از دیدگر فعالیت ما در این بخش بحساب می‌آید. لازم به یاد آوری است که بدلیل فقدان یک کمیته "مالی" از طرف خود را و نتوانستن یک پستوانه قوی از این تدارکات را با اشکالاتی رو برو مساعدت که در روند کار وقفه ایجاد می‌شد. ترتیب دادن ملاقات مسئولین UH و همچنین گرفتن صاحبان زندانیان در محیط زندان از دیدگر اقدامات ما بوده است. خوب می‌تواند در این زمینه موفقیت زیادی کسب نمودیم. ما اصل تمام

فشارت ما منجر به پذیرش این از هموطنان زندانی که در ۱۵ کیلومتری کراچی توسط پلیس دستگیر شده بودند گردید. در این رابطه باید اذعان بود وکیل UN و سرکشیدن او به محبای زندان و زندگانی به کویته و ارسال نامه از طرف UNHCR به زندانیان لاهور جهت بهبودی وضعیت زندانیان اشاره نمود. فرستادن اسامی زندانیان در مناطق مرزی بلوچستان و مناطق مرزی هند نیز نتیجه همین تماسها بود. است. در این حوزه کمیته زندان توانسته است با یک پیگیری همه جانبه یکی از هموطنان آواره مان را که حدود ۸۵۰۰۰۰۰۰ دلار سفرهای جیل "بهره‌برداران" پس از تماسهای زیاد با ملاقاتهای بی‌نتیجه با وکیل UN و همچنین مذاکراتی با UN تا گریز از زندان و در محیط زندان مساعدی بعمل آورد و کار UNHCR را به او بدهند لازم به توضیح است که هموطن آواره مان قبل از آزادی از زندان بی‌خاطر عدم مشورت با کمیته پذیرش وکیل UN مبنی بر حاضر شدن در جلسات دادگاه است به اعتصاب غذا زده بود که در این رابطه مسئولین زندان خواستار پایان بخشیدن به اعتصاب غذا گشتند اما هموطنان اعتصاب غذا ادامه یافت. از سوی دیگر انعکاس این خبر در نشریه شورا و اعلامیه‌های منتشر شده و نیز ارسال آن برای روزنامه‌های اردو و انگلیسی زبان پاکستانی و منجر به آن گشتند که مسئولین UN از مواضع قبلی خود عقب نشینی نمایند. فعالیت دیگری که کمیته زندان در این دوره داشته است فرستادن یکی از اعضای شورا به لاهور در تاریخ ۱۵/۷/۸۸ بوده است در حال حاضر موقعیت کسانی که در زندانهای پنجاب بسر می‌برند بقرارداد است.

بنابراین گفته Central Jail and Home security اکتوبر زندانیان ایرانی در هراتان (شهری بین لاهور - کراچی) بسر می‌برند. از جمله این زندانیان یک مادر و دو دختر را باید نام برد که در وضعیت بسیار اسفناک قرار دارند. این افراد از اقلیت‌های مذهبی (ارمنی) هستند. مدت بیسی از

یکسال است که در بی‌تکلیفی کامل واقع شده اند. هنگامی که یکی از اعضای شورا خود را برای دیدن وضعیت نامیردگان از نزدیک و در نتیجه اقدامات عملی جهت رهائی آنها از زندان آماده کرده بوده وکیل که در لاهور با شورا ارتباط بلندی داشته است توضیح داد که عمای برای رفتن به آن شهر و بیسر گرفتن هرگونه اطلاعات تنها زبیر می‌باید به ناسدای از طرف دارید. متأسفانه در این رابطه UN اسلام آباد از هرگونه کمک خودداری ورزید. دو تن دیگر از آوارگان ایرانی که بر اثر سیاستهای UNHCR موفی به پذیرش امرینا هستند که قرار گرفته بودند حدود ۷۰۰۰ ماه پیش قلمبه‌داغ شدند در بین راه توسط پلیس منطقه سیالکوٹ دستگیر شدند. این دو تن در تاریخ ۱۵ ژوئن در کم آزادی خود را دریافت کردند و UNHCR در لاهور اجازه خارج شدن از زندان را به آنها داده و آنها در حال حاضر در De Esler بهر می‌برند بنا به گفته مسئولین زندان

تا زمانیکه UNHCR مسئولیت این افراد را به عهده نگیرد این افراد قادر نخواهند که از زندان خارج شوند. پرونده اختصاصی مذکور هم توسط کمیته زندان و نیز وکیل مادر لاهور به UN اسلام آباد فرستاده شد ولی UN اسلام آباد از هرگونه اقدام عملی سر باز زد. هنگامی که پرونده این افراد به مسئولین کراچی داده شد آنها دان هرگونه جوابی را منوط به بررسی پرونده زندانیان اعلام کردند.

همچنین باید به وضعیت این دیگر زندانیان اشاره نمود که بدلیل عدم پذیرش UN غایب هستند. اینان نیز در منطقه مرزی هند دستگیر می‌شوند و زندان "دستگیر بکت جیل" منتقل می‌گردند. این زندان در شهر "شکر گره" واقع است. وضعیت این افراد برای مسئولین UN کراچی در نوشته‌ها و گفته‌های غفای توضیح داده شده است. وکیل مدار ما در لاهور می‌گوید آزادی زندانیان مشروط به صدور کارت هفت‌گانه بافتوگویی آن از طرف UN میباشد تا بتوانند آنها را تحت پوشش امنیتی قرار دهند. مسئولین UNHCR همان جواب قبلی که دال بر رسیدگی به پرونده‌های زندانیان بوده می‌دادند. در اینجاست باید گفته شود که مسئولین UN در اولین روز به صدور یک کارت می‌بایست کردند منتظر وقتی پیگیری‌ها را برای گرفتن کارت هفت‌گانه دیدند اعلام کردند: آن یکی فقط استثنا بوده و ما به هیچ وجه قادر نخواهیم بود که کارتی صادر کنیم زیرا در حوزه وظایف UN اسلام آباد قرار دارد و ما خود را مجاز به هیچ دخالتی نمی‌دانیم. از مسئولین خواسته شد حداقل تلگرافی جهت آگاهی مسئولین UN اسلام آباد ارسال گردد.

در پایان لازم می‌بینیم که خبر دیگری در مورد ایرانیان مقیم کراچی داشته باشیم. تعداد ۱۸ تن از دوستان ایرانی که (۱ نفر از آنها همان ساکنین خانه بنوده اند) بر اثر یک اختلاف بسیار جزئی با ما حیفا نه توسط پلیس منطقه کلکتین دستگیر و به پلیس استیشن آن منطقه منتقل شوند. افراد مذکور بدون کوچکترین سوالی از طرف پلیس مورد بازداشت قرار گرفته و بعد از ۱۸ ساعت به "سیتی کورت" انتقال داده می‌شوند. همان‌طور که گفتیم یک اختلاف جزئی و پلیس کراچی را که مترصد چنین فرصتی بوده و امیدارند که به دستگیری آنان بپردازد و بهر رو بعد از بازگرفتن ضمن تماس تلفنی با مسئولین خود را به مرکز پلیس کلکتین رسانندیم. مسئولین مرکز پلیس آنان را به سیتی کورت منتقل کرده بودند. از آنجا خود را به محل نامبرده رسانده و بعد از تماس تلفنی مجدداً و ارسال شماره کارت‌های بازداشت‌شدگان از مسئول امنیتی خواستیم که حضوراً به دادگاه مراجعه کنند. در این رابطه دو تن از مسئولین UN خود را به پلیس استیشن کلکتین رسانده و علت این امر را جواب دادند. سوالی ساعت ۱ بعد از ظهر بارشایت ما حیفا نه آزاد شدند.

مخارج مالی ۹ ماه گذشته ۵۰۰۰ روپیه بود که صرف تماس تلفنی و ارسال نامه‌ها و همچنین تهیه مواد غذایی و دارو و ...

# گزارش از تظاهرات ایستاده پناهندگان و آوارگان ایرانی در کراچی

بعد از سخن وی شرکت کنندگان در تظاهرات شعارها را چندین بار تکرار نمودند و سپس یکی از آوارگان کرد اعلامیه‌ای را که توسط آوارگان کرد معین کراچی تنظیم شده بود، برای حاضرین قرائت نمود. در پایان سخنرانی تظاهرات که حاوی خواسته‌های مشخص آنان بود، قرائت کردید. تظاهرات کنندگان با فریاد های یکپارچه، خواهش و آن را تأیید نمودند. این تظاهرات نمونه موفق دیگری از اکتیویتهای اعتراضی شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی بود، که جدا از عمل سرجمع و اصولی آن در رابطه با تغییرات شرایط زندگی پناهندگان و آوارگان ایرانی و وضعیت سیاسی داخل ایران، توانسته بود با سازماندهی نیمه مخفی و بدون فراخوان علنی، این امر را با موفقیت به پیشبرد. این تظاهرات با استقبال خوب پناهندگان و آوارگان ایرانی روبرو شد و اخبار آن نیز در چندین روزنامه پرتیراژ کراچی، انعکاس یافت.

این تظاهرات اولین برنامه علنی کمیته پناهندگان و آوارگان بلوچ ایرانی در کراچی نیز بود. این کمیته در طی مدت کوتاهی که از تأسیسش می‌گذرد، توانسته است گامهای مؤثری در راه تحقق خواسته‌های پناهندگان و آوارگان بلوچ بردارد. برگزاری تظاهرات مشترک با شورائینزجدا از اینکه ادامه همان فعالیتهای اصولی آنان می‌باشد، گام مهمی در اتحاد و همبستگی فعالین و مبارزین جنبش پناهندگان می‌باشد.

بنده یاد اتحاد مبارزاتی پناهندگان و آوارگان ایرانی

روز پنجم سه تظاهرات ایستاده‌ای در مقابل دفتر UN کراچی به دعوت شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی و کمیته پناهندگان و آوارگان بلوچ ایرانی - کراچی، برگزار شد. این تظاهرات که حدود یکساعت بطول انجامید، در اعتراض به دیپورت آوارگان ایرانی از ترکیه و بسیاری جلب افکار عمومی نسبت به کشتار وحشیانه زندانیان سیاسی در زندان های ایران صورت گرفت. در این تظاهرات که نزد یک به ۱۰۰ نفر از پناهندگان و آوارگان در آن شرکت داشتند، نخست شعارهایی در مخالفت با دیپورت ایرانیان از ترکیه و در افشای ماهیت رژیم ارتجاعی ایران و دفاع از زندانیان سیاسی داده شد. برخی از این شعارها عبارتند از: دیپورت آوارگان به صلح و رفاه منتهی است، حکومت است، امنیت، امنیت، خواست اساسی ماست، رژیم ارتجاعی نابود باید کرد، زندانیان سیاسی آزاد باید گردند.

همچنین پلاکاردهایی حاوی مضامین فوق به چشم نخورد. در ادامه تظاهرات، یکی از پناهندگان در ارتباط با وضعیت آوارگان ایرانی در سراسر جهان و لزوم مبارزه پیگیرانه بی‌تابانه آنان برای دفاع از وضعیت خودشان و همچنین چگونگی دیپورت آوارگان ایرانی از ترکیه توضیحات داد. وی در ادامه سخنانش وضعیت عمومی ایران بعد از صلح و خصوصی وضع زندانیان سیاسی و مزج اعدامهای اخیر را تشریح نمود و در پایان نیز ترکیب وحشیانه رژیم عراق بر طبق کرد های آن کشور و بیماریان شیمیایی روستاها و مناطق مسکونی کردستان عراق، اشاره نمود.





# (برخورد شخصی مسئول مهاجرت UN کراچی)

گذشته از برخوردهای خدای و سیاست‌های ضد پناهندگی  
دفاثر U.N.H.C.R و دولت‌های پناهنده پذیره که درمقاطع  
زمانی مختلف به تبع اوضاع جهانی و داخلی آنها عدت و  
سفه می‌پایده آوارگان و پناهندگان ایرانی بایستی آماج  
برخوردهای شخصی و عتاب و خطاب‌های متکبران کارخندان  
این موسسات نیز قرار گیرند }  
از آن جمله است رفتار خانم مورین  
خانم مورین مسئول مهاجرت دفتر کراچی کمیاب است  
وی را تمام پناهندگان و بسیاری از آوارگان می‌شناسند.  
خانم مورین خوان هفتم عبور پناهنده از کراچی به کنه ور  
ثالث پناهنده پذیراست. در اینجا پناهندگانی بوده و هنوز  
هم هستند که علمبرقم چندسال انتظار برای مهاجرت، از آنروز  
که در چارچوب دلخواه خانم مورین قرار نگرفته و لاجرم مورد  
غضب ایشان واقع شده اند. بایه هیئتی از دولتهای پناهند  
به پذیر معرفی نگریده و بایس از معرفی و صاحبیه رد شده  
اند و رد شدن بیاپی از مهاجرت یعنی آغاز پناهندگان  
پناهندگی و یعنی آغاز شمارش معکوس برای قلع کارت آبی  
پناهنده و یعنی دوباره آواره سازی و بروضه‌بندی بدستور  
ملاقات فرستادن اول و یعنی همان خرابی که کار در ابدست  
کاک سردا بر - دوست فراموش نشدنی مان - دادنا گل - سوی  
خوش را پاره کند و رسته حیانتش را پاکوه پرفراز و تنبیسب  
زندگی قلع نماید. چرا که دیگر ملاقت و مقاومت وی تمام شد  
و متاسفانه امیدیه مقابله با وضع موجود را از دست داده  
بود.

مهاجرت با این پناهنده است و نه جهز دیگر. علامه اینکه  
برخوردهای شخصی خانم مورین مزید بر علت شده و فوزی بر  
قوزهای فراوان پناهندگان افزوده است.  
قاعدتا نقش خانم مورین (بمعنای مسئول مهاجرت)  
با بداین باعد که پویزه بیری تا مین امنیت فرد پناهنده  
- آنهم در پاکستان که دست رژیم ایران در آن خیلی دراز  
است - موجبات انتقال وی را به کشور ثالث پناهنده پذیر  
فراهم نماید. اما مدت‌ها از گرفتن کارت آبی برغسی از  
پناهندگان می‌گذرد و از اقدامی سرزمینه مهاجرت آنان و  
توسط خانم مورین و خبری نمیشود. چنانچه چنیس پناهند  
های از وضع مهاجرتی خود بیخوده ممکن است یکی از جوا  
بپای زهر را بیندود :

چرا تا بحال برای مهاجرت خودتان اقدامی نکرده اید؟  
( تو گویی دست خود پناهنده است که اقدام بکند یا نکند )  
- مثل اینکه شما علاقه چندانی به مهاجرت ندارید؟ (اگر  
که هر روز باید نپس پناهنده توسط دفتر خانم مورین گرفته  
شود تا معلوم گردد که وی هنوز به مهاجرت علاقه دارد یا نه)  
- چرا شما خودتان را برای مهاجرت آماده نکرده اید؟ (گویی  
آمادگی برای مهاجرت، یعنی خال و کلاه کردن و ویرایش  
گرمای ملاقت فرمای کراچی برای ایرانیان و پناهنده خال  
و کلاه نکرده و پیکتای پیرهن و برای اخذ جوابه مقابل خانم  
مورین ایستاده است.)

خواتندگان عزیز احتمالاً مطلبی را در صفحات دیگر همین  
شماره از بهام خورا خوانده اند ( و با بدنیال این خلور  
مفواهند خوانند ) که عری است درباره " برای و چگونگی  
اقدام اخیر یکی از پناهندگان به خودکشی . این پناهنده  
( که همرو فرزند نهز دارد ) پس از حدود دو سال انتظار برای  
مهاجرت و رفتن در صاحبیه به سه هیئت پناهنده پذیره  
قرار صاحبیه با هیئت فنلاندی را دریافت میکند. اما بامد  
اعلام میشود که هیئت مذکور نخواهد آمد و کانی را که  
قرار بوده با این هیئت صاحبیه مهاجرت داشته باشند به  
هیئت سوئدی حراهند داد و پناهنده " مزبور قبلا در صاحبیه  
با هیئت سوئدی رنده بوده . نکته دیگر اینجاست که به  
دنیال اقدام این پناهنده به خودکشی و از جانب دفتر  
به وی گفته میشود که دفتر نمیشناسد وی متاهل است و همسر  
و فرزند دارد؟ بدلیل فراوان و مثل روز روشن است که این  
حرف توجیهی برای سرپوش گذاختن روی برخورد شخصی مسئول

چرا ۵۰۰۰؟ و از این قبیل توجیهات .  
پناهندگانی که تا کنون مورد غضب خانم مورین قرار گرفته  
اند، جزویکی از گروههای زیر بوده اند :  
۱- پناهندگانی که در جنبش پناهندگان و آوارگان و بیسور  
کلی در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی فعال بوده اند ؛  
۲- افرادی که بدنیال پذیرش توسط دفتر کراچی کمیاب  
و برسمیت شناخته شدن میتوان پناهنده ، عمدتا منقلب و  
اقدامات خانم مورین برای مهاجرت خودبافی مانده و پندان  
به وی رجوع نکرده اند. این نکته از پناهندگان تصور میکرد  
هاند که روال کار دفتر U.N.H.C.R لابدا بیسور است که امر مهاجرت  
تمام پناهندگان را ترتیب میدهد و مانده به خود آنسان  
سوار باعد حتما دفتر خانم مورین املاخ خواهد داد .  
۳- پناهندگانی که به بپانه " نکتهیل نمودن مدارک  
شاسانی ، امر مهاجرتشان در خانم مورین بعهده " تعویق  
در آمدت می افتد که معمولابه قلع با سوراخ شدن کارت می  
انجامد .

# » ۲۴ ساعت در بازداشت «

پناهندگان و آوارگان ایرانی و ملی دوران اقامتشان در کراچی به کرات خواهد پرسوردهای غیر انسانی و باج گیری و مراعضتها و اذیت و آزارهای پلیس پاکستان بوده اند. هنوز زمان چندانی از هجوم ما سورین پلیس استیشن "بنارس" به چندین خانه متعلق به پناهندگان و آوارگان ایرانی نگذشته است که ملی آن با تهدید و دستگیری ساکنان خانه و بازداشت آنان در پلیس استیشن و مرنق میشوند چندین هزار روپیه آلمان اجازی کنند.

در ماهی که گذشت ما شاهد یکی از وقیعا نه ترین اشکال بی قانونی و بی خوردگی انسانی پلیس کراچی با جمع و سیمی از پناهندگان و آوارگان ایرانی بودیم. جریان بدینگونه است. کسه تن از مستأجرین یکی از خانه های "کلیه تن" که ایرانی بوده اند با صاحبخانه بر سر تعطیل خانه و فرار داد و دیبوریست اختلافات و بیعتی داشته اند. صاحبخانه که یک زن پاکستانی است و دارای روابط و آشنائی نزدیکی با ما سورین پلیس منطقه می باشد، با استفاده از نفوذ و آشنائی خویش و پلیس منطقه را به دستگیری آن سه نفر فرامیخواند. بدین ترتیب در بعد از ظهر ۱۶ سپتامبر پلیس آن سه نفر را دستگیر و به پلیس استیشن می برد و در آنجا به مدت نیم ساعت با خلاق و کابل و سیمهای بهین جرمی و آنها را مورد ضرب و شتم قرار میدهد و بعد از آن دوباره به محله پناهندگان و آوارگان ایرانی برگشته و بدون هیچگونه دلیلی با ارائه توضیحی و تمامی اهالی خانه یا خانه پنج نفر دیگر که نمیتوان مهمان اتفاقی در آنجا تصور داغته اند دستگیر کرده و همگی را که در مجموع ۱۸ نفر میباشند در بازداشت نگاه میدارد. پلیس در پاسخ به سوالات بازداشتندگان تنها آنها را به دادگاه و زندان تهدید میکند. تنها بر اثر اعتراض شدید بازداشتندگان حدود نهم شب یعنی بعد از ۱۱ ساعت که از دستگیری آنان میگذرد به آنها اجازه میدهد که به آشنایان خود یا تلفن اطلاع دهند و یکی از آنها برای آوردن غذا به محله برگردد.

بعد از اینکه ۱۸ نفر زندانی شب را بدون هیچگونه امکاناتی برای استراحت به صبح همراه ننده آنان را برای محاکمه ۱۱ بسند دادگاه - سیتی کورت - می فرستند. وقتی افراد کمیته زندان غورا و تعدادی از پناهندگان برای بررسی وضعیت آنان به سیتی کورت وارد شدند با سمنه ای با ورتگردنی رو برو شدند. تعدادی از دستگیرشدگان را دوباره دستبند زده و به دستبند آنان نوسز زنجیر محکم به بلند می بیند از یک مشرومل نموده و از آنجا که برای بقیه دستبند بقرکائی وجود نداشته با زور و جت دست بقیه را با دوسه عدد لانا ب محکم گره زده و آنان را به هم وصل

نموده بودند به شکلی که حرکت یکی از آنان و تمامی با زداختندگان را به حرکت وامیداشت. صحنه ای که مشاهده را فقط میتوان در فیلمهای بردگان و گلابا ترها بیوتان باستان و زندانهای پاکستان مشاهده کرد. آنها برای چه موضوعی؟ اختلاف سه نفر با صاحبخانه بر سر تعطیل آنها برنمان یا کم و زیاد کردن دیبوزیت ۱۱ واقعا که عمل کردهای پلیس اینجام تماشا می است ۱۱

از طرف کمیته زندان غورا و چگونگی جریان با ذکر جزئیات و شماره کارتهای دستگیرشدگان به دفتر UN اطلاع داده میشود در همین حین و تعدادی از پناهندگان و آوارگان که از دستگیری دوستانشان با اطلاع شده بودند ضمن تجمع جلوی درب UN با تفهیم نوشته ها می که با معنای عمیق حاضرین در آنجا مهتر شدند و از مسئولین UN خواستار رسیدگی سریعتر به وضعیت دستگیرشدگان میشوند. در روز ۱۵ سپتامبر محوطه جلو دفتر UN کراچی و شاهد گروهی تحسین برانگیز از احساس سردردی همکاری و اتحاد پناهندگان و آوارگان بود. هر کدام از پناهندگان به سخن اطلاع یافتن وضعیت پناهندگان دستگیر شده همه هر شکل ممکن و چه با امضا "سشنوخته ها و چه با درخواست رسیدگی از مسئولین UN تعهد خویش را در حمایت از دستگیرشدگان و نشان میدادند. تجمع جمعیت کثیر جلوی درب UN تا مراجعه مستقیم مسئولین UN به پلیس استیشن برای رسیدگی به وضعیت دوستان زندانیمان هم چنان ادامه داشت.

ذکرانی مهم پناهندگان دستگیر شده و دیگر دوستان فعال در این رابطه و بیشتر از این جهت بود که چنانچه تا قبل از پایان ساعات کار اداری در روز پنج غنیه و جریان خاتمه نمی یافت و ادامه این جریان به یکشنبه موکول میشد و این موضوع که چند نفر از دستگیرشدگان با تاریخ پرواز برای کانادا دریافت کرده بودند. با وقت مناسب با هیئت تروزی رادریست داخنده قضیه را مهم تر می نمود.

بالاخره حدود ساعت یک بعد از ظهر رو با حضور وکیل UN دادگاه تشکیل شد. جالب است که رئیس دادگاه بعد از شنیدن پرونده و شهادت اظهار تعجب می نمود که چرا برای اختلاف بر سر قرار داد خانه و باید تمام اهالی خانه همراه با میهمانان و آشنا با نشان دستگیر شده و بعد از یک شبانه روز با این وضعیت به دادگاه آورده شوند؟

در آخر بعد از کمی صحبت با صاحبخانه و مستأجرین ایرانی بازداشتندگان بعد از گفت ۲۴ ساعت آزاد شدند. در اینجا لازم است تا با نحوه انعکاس این خبر در روزنامه evening newspaper نیز بر خور شود. این روزنامه که

دنیاله از صفحه ۱۱

۱- پناهندگان که خیلی رک و سربخ و روانی و استقلال حاشی مورین را بطور کثیفی و شغافه با هر دو به وی گوشزد کرده و منت پرچوردهای جنسی اثر را باز کرده اند.

۵- و ... و اما انتهای منحص سری از پرچوردهای جنسی حساب مورین و ملوکیری از مهاجرت برخی از پناهندگان در نسبت داریم که در صورت لزوم در احیاء افکار عمومی قرار خواهیم داد.

در حاشیه یادآوری یک نکته مهم و ضروری بضرر میرسد. بنظر ما راه صحیح و اصولی مغایله با عدول از اصول و پرچوردهای جنسی مسئولین UNHCR بودگی و هویت سوزی نیست. حقوق خود را با پستی یا اعدای جنسی مطالبه کنیم.

ارتباط رنده و فعال پناهندگان باید یکدیگر و پیوسته از بیجا و فعال با خورا و مشورت با خود در مورد پرچوردهای جنسی و غیر اصولی UNHCR کراچی و چگونگی رویارویی با آن می تواند راهگشای حرکتی صحیح و اصولی برای پناهندگانی باشد که فریبانی عدول از اصول و پرچوردهای جنسی کارسندان این دفتر شده اند.

در ارائه گزارشهای معرمانه بر علیه پناهندگان سنتی دیرینه دارد. در این مورد نیز از سبای گذشته خود پیروی کرد است. این روزها معبر دستگیری را با تیر و درخت و در سینه اول خود جاب نموده و علت دستگیری را مراعات های آنان برای زنان و ساکنان محله ذکر میکنند! و هیچکس هم برای اینگونه قلب آشوب واقعه از آنها پاسخ نمیدهد. جادارد که مسئولین UNHCR در این مورد موارد مشابه دیگری از آنجا که خود بخوبی در جریان واقعه است امره سفید میخوان نهاد مسئول و ذینفوذها توضیح حقیقت موضوع و این جعلیات ترا تکلیف نموده و اینگونه مسائل را با حاشیت تمام پیگیری نمایند.

تاثير سو\* اینگونه اخبار کا ملجملی بر ذهنیت مسردم پاکستان کاملاً واضح است و این دقیقاً همان هدفی است که دستجات ضد پناهندگان و مهاجرین در اینجا خواستار آنند. نابه سبای دیگر همپالگی شان در دیگر کشورها و افعال مردی م را از علت اساسی وضعیت خراب کنونی و منحرف نموده و سبب آنرا مهاجرین و پناهندگان معرفی نمایند. ضروری است که ما پناهندگان و آوارگان و با توجه به تبلیغات سو\* و خصمانه ای که بر علیه ما در جریان است و ضمن کنترل بهترین نحوه رفتار اجتماعی خود با توده های پاکستان و سعی نمائیم که از صارتنگ ملی و ناسیونالیستی و روابط محدود بین ایرانیان بیرون آمده و در جهت ارتباط هر چه گشوده تر و وسیعتر با مردم پاکستان گام برداریم و با توضیح وضعیت اسفناک زندگی ریبی حقوقی مطلق در ایران و

اهدان آنان را نسبت به علت خروج ایرانیان روشن نموده تا حمایت افکار عمومی را نسبت به مهاجرین و پناهندگان بدست آوریم.

دوستان پناهنده و آواره!

حاشیت عیانیت به بازداشت جمعی از پناهندگان و آوارگان و حمایت فعال عیاز آنها در جلوه دفتر UN نمونه در سخنانی از همبستگی و اتحاد است. بگوئیم تا همراه با ادامه این روی و گسترش آن بین توده های هر چه وسیعتری از پناهندگان و آوارگان از لحاظ کیفی نیز همبستگی و فعالیتها را ارتقا داده و ارتباط تنگاتنگ و همکاری گسترده ای با مسواری پناهندگان و آوارگان ایرانی داشته باشیم. تنها راه بیروزی ما در مقابل سبیل غلظت مسائل و مشکلات هر روز و همبستگی ما و اتحاد و همبستگی هر چه وسیعتر و فعالتر است. هر چه به گوتتر در این راه گام برداریم.

\* زنده باد اتحاد و همبستگی مبارزاتی پناهندگان و آوارگان ایرانی

دنیاله از صفحه ۹

برای زندانیان گشته است. فریبان این فعالیتها را یاد ر ندر گرفتن تمام نقاط ضعف و قوت خود یک گام به جلو از پستی مدکتیم. بنظر ما محتم کارهای موجود از ظرفی و سبک روز افزون ایرانیان به خارج از ظرفی دیگر ما را هشدار میدهد که این سبک و بیختم کارشورای برای پاسخگویی به نیازات آوارگان و پناهندگان کافی نبوده و باید با بسیج نیروی کامی و یک سازماندهی اصولی کامی استوارتری را جهت کمک به هموطنان زندانی برداشت. این شبهه و متدبر خود ربه مسائل موجود در آینده ما را به تکلیاتی بر خود و تشیی از تحرك و بویابی لازم سون خواهد داد برای بهبود وضع و بالا بردن سطح تماس با توده پناهنده و آواره باید به سازماندهی خود را مهارت ورزید.

به امید موفقیتهای چشمگیر  
بیروزی با عهد  
\* کمیته زندان \*  
\* شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - کراچی - پاکستان

# اخبار

● روزنامه جنگ - کراچی - جمعه ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۸  
جسد يك زن ۴۵ ساله ایرانی در غما بیان مولوی تمیزالدین خان پیدا شد . شخصی بنام عبدالرشید حدوی را به بیمارستان جناح منتقل کرد . اکنون جسد نامبرده در سردخانه این بیمارستان می باشد . در بدن این زن اثری از گلوله و جافروها جراحات دیده نمی شود . در ادامه تحقیقات بهرامون علت مرگه جسد جهت کالبد عکالی به آزمایشگاه منتقل خواهد شد .

● در آینده نزدیکی انتخابات بسرای شهرداریها ، استاندارها و پارلمان سوشل صورت خواهد گرفت و احزاب حرکت کننده عبارتند از : "دموراتها" ( حزب مرکز ) - حزب مردم و سوسیال دمکراتها و ( حزب چپ کمونیستها ) و می باشد احزاب ضعیف دیگری نیز هستند مثل " دمکرات مسیحی " و فقط محیط زیست و رقابت اصلی بین دموراتها و سوسیال دمکراتهاست که در انتخابات سه سال پیش سوسیال دمکراتها با کمک مردم دموراتها و حزب مردم پیروز شدند مسئله قابل ذکر دیگر مسئله دیپورت پناهنده های احتمالی به ایران میباشد اما بنظر می آید برای ترساندن آزامدن به سوشل این مسئله مطرح شده ولی بهر حال و حزب ناتی مثل دموراتها موافق این مسئله می باشند و همچنین جناحهایی از حکومت که رهبری زدوبند ها را با رژیم حاکم بر ایران در دست دارند .

در همین رابطه بزرگتران لوند رئیس دایره " هوا اقامت براداره " کل امور مهاجرین طی مساحبه مطبوعاتی گفت :

" به متقاضیان پناهندگان ایرانی و عراقی تنها به علت خودداری از شرکت در جنگ اجازه اقامت داده نمیشود . " فعلا کنترل مرزی سخت و سختی در شهرهای مالمو و هلندگ پورگ و گوتنبرگ صورت میگردد تا از ورود پناهندگان از طریق دانمارک و آلمان غربی و بلژیک جلوگیری شود .

● بی بی سی ۱۶ سپتامبر ۸۸  
جامعه عرب بعد بیرون سازمان ملل در مسود فرستادن هیئتی برای تحقیق در مورد استفاده عراق از سلاح شیمیایی در مقابل کردها اعتراض کرده اند . کشورهای عرب میگویند " پرشکان ترکیه در معاینات خود از کردها استفاده عراق از سلاح شیمیایی را رد کرده اند . "

● بی بی سی ۱۷ سپتامبر ۸۸  
خمینی پناه یاسد اران گفته است " همانگونه که در زمان جنگ شما نیاز بود است در زمان صلح نیز به شما نیازمندیم " خمینی به تمام افراد صلح ( سپاه بسیج و ارتش ) اطمینان داد که تا زمانیکه زنده است از آنها حمایت خواهد کرد . وی از یاسد اران خواست تا به تعابلات شخصی در مورد بازسازی یک نیروی دفاعی پایان بخشند . یاسد اران نگران ادغام در ارتش هستند . در نماز جمعه " این هفته به سپاه گفته است که بسیج وجه در ارتش ادغام نخواهند شد . چند روز پیش خانه های پناه گشته است که برای افراد خود که تاکنون هیچ مرتبه و رجه ای نداشته اند حمله مراتب درست کنند . محسن رفیق دست بخاطر سر نآوردن رأی اعتماد از مجلس از مقام خود برکنار شد .

● شبان ۹ شهریور  
حمیس در پاسخ به استیصال در مورد خرید و فروش آلات موسیقی و بازی شطرنج اعلام کرد که خرید و فروش آلات موسیقی لغاتفاد است شروع و حلال از آنها ممکن باشد . این اشغال است . بازی شطرنج بعنوان یک ورزش فکری پذیرد و باعث حلال است .

● شبان ۱۱ شهریور  
انویسهای "ریالی" از مهرماه در تهران یکبار یافتند . رای این انویسها بجای طبقه از مسافران ۱۰ ریال و بیست ترفه خواهد شد . در بعضی از خطوط اتوبوسها و سرج السیر با کرایه ۲۰ ریال مسافران را جایجا میکند .

● شبان ۱۶ شهریور  
برواری های ایرفرانس به تهران از ماه آینه از سر گرفته می شود .

● شبان ۱۵ شهریور  
اولین سالن ملاقات بورس تهران شروع پذیرش در این محل فروش سهام ۱۰ کارخانه بزرگ صنعتی بود . به معنای فروش گذاشته شد . بانک صنعت و معدن با ایجاد ۱۰۵۸ واحد بزرگ صنعتی بیش از ۱۲ میلیارد ریال سرمایه گذاری ثابت خواهد کرد .

● شبان ۱۹ شهریور  
طبق پیشنهاد جدید برای یک نوبت در سال ارسال کتاب و نشریه به خارج تا ۱۵ هزار ریال آزاد شد . نوع کتاب و نشریات مجاز برای ارسال به خارج بصورت مدیه و برویات اعلام کرد .

● شبان ۱۹ شهریور  
پس از عادی شدن روابط ایران و انگلیس برپیشتر امروز پروازهای خود به تهران را از سر میگیرد . این پروازها احتمالاً میل از سال جدید مسیحی آغاز خواهد شد .

● کیهان ۹ اسهبربر

ایران در سومین اجلاس کفرانس اسلامی که از ۲۵ مهر بدت ۳ روز در پاکستان برگزار خواهد شد شرکت میکند.

● پنا به گفته پرخس درستان از ایران :

بد نیال و در راه امه موج وسیع دستگیری حاضر سیاسی و زندانیان سیاسی آزاد شده است. نویسنده گسانی است که همانند پستان خود را زده بودند. یعنی کسانی راه علمین رید این سیامیر شد هاند که در آن منگومیت خود را بی پایان رسانده زیر فشار گذاشته و از آنها میخواهند که شمس مورد نظر را تحویل مأمورین رژیم دهند.

بهای دلار حدود ۹۰ تومان و ارزش یانگه طلا ۱۰ هزار تومان است.

گوشت کوسفند کیلوش ۲۵ تا ۲۰ تومان و بسیار کمیاب شده است.

گوشت مرغ کیلوش ۲۰۰ تومان و شتر کیلوش ۱۱۰ تومان است.

پنجان بین ۷۵ تا ۸۰ هزار تومان معامله میشود.

● بی بی سی ۱۷ اسهبربر ۸۸

۸ زندانی چپ گرا با زندی کتبه که به جنگل مجاور زند ان راه می یافت، از یک زندان در ترکیه فرار کردند. این زندان در ۱۳۰ کیلومتری آنکارا قرار دارد. ۳ تن از این زندانیان به محبس ابد و انفر د بگر بمرک محکوم شده بودند.

یاد آوری میشود ۶ ماه پیش نیز ۹ زندانی چپگرا از زندانی در استانبول فرار کردند که هنوز تعدادی از آنها آزاد میباشند.

● بی بی سی ۱۲ اسهبربر ۸۸

هواپیماهایی اسرائیلی مناطق جنوب لبنان را مورد حمله قرار دادند. طی این حمله حملات باعث کشته شدن تعدادی از فلسطینیان ساکن این مناطق شده است.

● بی بی سی ۱۲ اسهبربر ۸۸

کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان امریکا تصمیم گرفت عراق را بخاطر استفاده از سلاح

شیمیایی علیه کرد ها مورد تحریم قرار دهد. آنها اعلام کردند شواهد نشان میدهد که عراق علیه کرد های مخالف و همچنین علیه مردم بیند فراع کرد از سلاح شیمیایی استفاده کرده است.

● بی بی سی ۱۱ اسهبربر ۸۸

یک کشتی کویتی در خلیج فارس یکنمین در ریاضی پیدا شده است طبق تخمین نیروی دریایی امریکا ۱۰۰ امین میتواند در خلیج فارس وجود داشته باشد. روز پنجشنبه ایران عطیات سینروسی در خلیج فارس را شروع کرده است.

● بی بی سی ۱ اسهبربر ۸۸

امروز وزارت خارجه برمهاتیا اعلام کرد روز جمعه آینده در قصر سازمان ملل سرچشمی ها و باطنی الحیر و لایینی ملاقات خواهند کرد. موضوع ملاقات مذاکره در مورد صلحنامه ۵۹۸۸ و دیگر مسائل مورد علاقه طرف خواهد بود. روزنامه ها می نویسند ملاقات دو وزیر خارجه قوی ترین نشانه برای بهبود روابط بین دو کشور می باشد. پیشتر چنین میشد اگر تمام کارها طبق روال عادی پیش برود در ۶ ماهه آینده روابط بین دو کشور کاملا عادی شود. در ملاقات بین دو وزیر خارجه در مورد زندانیان انگلیسی هم با سهام جاسوسی در ایران زندانی هستند صحبتی نخواهد شد.

د نیاله از صفحه ۱۶

ما شورا پناهندگان و آوارگان ایرانی ضمن تقدیر از کلیه زحمات و فداکاریهای باارجمت زمان فریدمی مینما نیم به اعتقادات و در رابطه با حل مشکلات پناهندگان و آوارگان نجدانه کوشا یاشیم و خوشبختانه یکی از ویژگیهای مهم شورا و سیک کاردموگرا تیکش درگتزش وتوده گیر بودندش میباشد و در همین رابطه است که ماهیج وقت چهار کمیوهای عمیق از لحاظ نیروی انسانی در حقیقت جمع عمومی انجمن و استقبال فعال پناهندگان و آوارگان در عرصه همشهادت و انتقادات و در عرصه انتقادات خود نشانگران واقفیت است در با با ن امیدواریم که فرید تمیز بشوند فرآینده و مطابق و تمهدا نقلابی در رابطه با میارزات زحماتگان و کارگران میهنمان و همچنین جنبش پناهندگی انجام داده و در این راه همچون گذشته مصمم و بی گبر باشد.

شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی  
در کراچی

" کمک مالی "

تربیی تلاشهای کمیته زندان شورا ی پناهندگان و آوارگان برای رهایی ۱۸ تن از هموطنان ایرانی که در منطقه کلیمتسن به پناهنه واهی از طرف پلیس آن منطقه دستگیر شده بودند سرانجام با کفالتن مشولین UN به پلیس استیشن کلیمتسن مقدمات آزادی آنها فراهم گشت.

آزادندگان جهت حمایت همه جانبه از اقدامات شورا مبلغ ۶۰۰ روپیه بعنوان کمک مالی به شورا رسیده اند. ماضمن تذکر از این دوستان پناهنده و آواره خواهان مداوم همکاری هرچه وسعتر با شورا در جهت حل معضلات و مشکلات پناهندگان و آوارگان ایرانی می باشیم.

# ” مهاجرت يك تن از اعضای شورا “

در تاریخ ۱۹/۸/۸۸ یکی از اعضای با سابقه شورا که حدود دو سال پیش وقته در رابطه با جنبش پناهندگی در کراچی کار میکرد به مهاجرت رفت. بی شک بسیاری از پناهندگان و آوارگان با نام فرید آشنا هستند. ما در اینجا پیش از اینکه از بار وفادار و بیگانه‌مان در امر میارزاتی تمجید و با تقدیر موری بنما تم تم تلا می‌کنیم تاریخچه کوتاهی از مبارزه فرید در شورا و جنبش پناهندگی را توضیح دهیم.

فرید از بدو ورودش به کراچی و به خاطر داشتن انگیزه و پتانسیل مبارزاتی بالا در جستجوی پست مناسب برای تداوم مبارزه‌ای که به آنجا مختلف در ایران داشت بوده است از آغاز زبیر از آنکه در فکر رفع و رجوع کارهای شخصی خود از قبیل گرفتن کارت پناهندگی و غیره یا خدمتگاری می نمود که از نزدیک با مشکلات پناهندگان و آوارگان آشنا شده و وجود کلیه فشارها و تضیقاتی که بر علیه پناهندگان و آوارگان وارد میشد روح به فرار او را آزرده میکرد. فرید پس از آنکه به ضرورت مبارزه برای تحققی خواسته‌های پناهندگی می برده بنا به گفته خود دنبال تشکل مناسبی که بتواند در جهت اهداف پناهندگان مبارزه کند میگشت تا اینکه با شورای پناهندگان و اسانامه‌ای آشنا شد. پس از مطالعه اسانامه سعی نمود با شورا فعالیت نماید. در حقیقت شروع فعالیتها ی فرید در شورا مصادف بود با تحسن و اعتصاب غذا فوریه ۸۷. در آن تحسن فرید علیرغم اینکه سابقه زیادی در رابطه با جنبش پناهندگی نداشت ولی نظرات و عملکردهای نشانگر نگرانی و آزار پناهنده‌ها و اسانامه و اصولی بوده است میزان تمهد و مسئولیت و همچنین در زمینه‌های محدود بود که در اواسط تحسن وقتی متوجه شد که تشکلات دموکراتیک و سیاسی در خارج از کراچی از تحسن حمایتها ی همه جانبه نکرده انده مطرح نمود که ست اندر کاران ارتباطات با خارج از کشور در رابطه با تحسن باید در مجمع عمومی عده از خود انتقاد نمایند چرا که عهدا در این حوزه کم کاری داشتند. فرید در تمامی جلسات حرکتها ی اعتراضی و مجمع عمومی با تمهد و ابتکار عمل شایسته‌ای سعی در هدایت اکثر کارها می نمود جنبه دیگر کارها ی فرید حضور بی وقفه‌اش در میان پناهندگان و آوارگان بوده است او همیشه سعی می نمود هیچ نیازها مشکلی از پناهندگان را بی جواب نگذارد در حقیقت حدود ۲/۳ از وقت فرید در رابطه با پناهندگان و آوارگان و نیز شورا میگذشت. او در این راه یعنی در دفاع عملی و نظری از منافع پناهندگان و آوارگان و نیز تشکل مناسبان شورا جدید نوعی ماده ای داشته است. در حقیقت با هر گونه مساعدات و سهل انگاری در این رابطه عمیقاً مرز بندی داشته است. به جرات میتوانیم بگوئیم که در فعالیتها ی تا کنونی شورا پناهندگان و

آوارگان ایرانی کمتر کسی بوده است که به اندازه فرید صادقانه و بیگانه و همچنین متعهدانه در رابطه با جنبش پناهندگی مبارزه کرده باشد. علاقه و احساس مسئولیت پیش از خدا و در رابطه با حل مشکلات پناهندگان و آوارگان آنقدر جرات را فرا و بی‌ریاضی موارد بالامیبرده است که با صدای بلند در جلسات شورا مطرح مینمود که هر فرد شورائی باید حداقل نصف وقت شبانه روزی خود را وقف مسائل پناهنده و آوارگان بنماید در غیر این صورت اگر از شورا استعفا دهند بهتر است مسئله دیگری که در فرید همبای با عملکردهای صادقانه اش تیار زداخت درك اصولی و درست او از مقوله کارها ی دموکراتیک بوده در حقیقت فرید به بلای زود با مفهوم کار دموکراتیک که هر جنبش سیاسی اجتماعی مبین مان نیز سابقه چندانی ندارد آشنا شد و با بهترین روشیم درك نمود و در رابطه عمدتاً سعی می نمود با حفظ و رعایت حقوق تمامی اعضای شورا برای نشریات شورا مقاله بنویسد و با اینکه اعلامیه ها و نامه ها را تنظیم کند و در این رابطه میتوانیم صادقانه عنوان کنیم که وقتی فرید مقاله یا نوشته‌ای را به صورت پیش نویس برای شورا میآورد ما عموماً طر جمع بودیم که تمامی اما نقداریهای دموکراتیک در آن رعایت شده است و ویژگی دیگر فرید عشق و علاقه بیسی از خدا و نسبت به پناهندگان و آوارگان بود و از آنجا نشیک که این عشق و علاقه يك احساس کاملاً قلبی و منطقی بوده در فریدجا ذبه زیادی وجود آورده بود که در نوع خود مایه برای گسترش کار شورا در هر صحنه نبود و سوا زمانه‌ای آنها میشد. وقتی که خبر پرواز توسط UN به فرید اعلام میشود در حقیقت فرید هیچیک از کارها ی شخصی مهاجرتش را انجام نداده بود و در طول ۱۵ روز که برای پرواز مانده بود حتی تا واپسین لحظات در حال جمع و جور کردن کارها ی شورا و مسائل پناهندگان بود. فرید حتی موفق نشد است حداقل لباس لازم را برای مهاجرت خریداری نماید بطوری که کابشنی که شب پرواز بر تن او بود يك روز قبل توسط یکی از اعضای شورا شسته شده و در شب پرواز در فرودگاه به او داده شد. در مجموع میتوانیم بگوئیم که فرید فردی متعهد و رادیکال - دلشوز و بیگانه و همچنین مایه و وفادار برای جنبش پناهندگان و آوارگان بوده است رفتن او از کراچی و همچنین عدم حضورش در جنبش پناهندگی و شورا برایمان کاملاً ملموس و محسوس میباشد. و این مسئله در اصل بر عکس قضیه بسیاری از پناهندگان و آوارگان حتی به معنای سیاسی میباشد که آدم نه از آمدنشان به کراچی و نه از رفتنشان از کراچی خبر ندارد و در حقیقت میتوان گفت بود و نبودنشان ترجا همه بالسویه است

بقیه در صفحه ۱۵

# طوهار سخنی میگوید!

پناهندگان و آوارگان بلوچ!  
نیروهای شرقی و شرق وسط!

روند آواره سازی و تبعید در مورد پناهندگان و آوارگان بلوچ، همچنان با سرعت ادامه دارد. این سیاست باعث آوارگی، خانه خرابی و اختلالات زیادی در زندگی و معیشت مردم مسلمانان بلوچ گردیده است. بلوچ شده است، اعدامات و اغراضات عدالت فرستادن، تاشون، تیر مومون شده است. بلوچان این روند خانه خرابی و تبعید انسانی معاف نخواهند بود، باید رایج کرد.

کمیت پناهندگان و آوارگان بلوچ باید درک بشود و سازمانها و نهادهای بین المللی و آوارگان بلوچ و طرح و برهه این مسائل در سطح بین المللی و انجام اقدامات و سازمانها و نهادهای در افغانستان و جلوگیری از این روند تشکیل شده است. باید پیگیری این امر، جلوگیری از این روند و اعاده حقوق پناهندگی و اساسی ما، تنها با تلاش و کوشش مجدان و همکاری بین المللی و پناهندگان و آوارگان بلوچ چه در اینجا و چه در کشورهای دیگر و همچنین کمک و همکاری دیگر پناهندگان و آوارگان و نیروهای شرقی و غربی است. در اینجا لازم است که تعداد پناهندگان و آوارگان بلوچ در کراچی، بمبارت بیشتر از تعداد آنها، کشندگان عوامان مرز میباشند. اما از آنجاییکه در سال ۱۹۸۸ UNHCR با قطع کار اختتام پناهندگان بلوچ از حدود شمال آنها مسئولیت کرده، و از طرف دیگر تلاشها و جاسوسان آنها با UNHCR نتیجه نمانده و حتی مسئولان از پناهندگان نامهای آنها نیز خود را از دست می دهند. این امر باعث جمع آوری اطلاعات برای معالین "کمیت" امکانپذیر نبود. همچنین بخاطر وضعیت UNHCR بوجود آورده است. در این ارتباط معطل شدن کار و مرزبانان در شرق در هر گونه آکسیون حق طلبانه و حتی امنای طوهار در حواصاها، خود داری کرده است. این خود امکان وضعیت است که مسئولین UNHCR بوجود آورده اند. آن اغراض این حق طبیعی انسانها از آنها سلب شده است. و در هر یک از اینها هم بخاطر مسائل امنیتی خود و مانع نمایان را سخن کرده اند. معالمان دیگر موجود در طوهار و تهیه آنها، باید به آن امانه کرده است. اما این همه که معالمان به جرم بلوچ نارنجیها، باید است. اما بانکهای سطحی به طوهار، بعنوان منت نمونه، حر و آرزوی بی پایان و خفاست. از این پناهندگان و آوارگان بلوچ و سیاستهای UNHCR بی برد.

در این طوهار ۱۱۱ اسما (C/S) که مسئول برتو، آخره است، جمع آوری شده. از ۱۱۱ پرونده (C/S) کارت و مرزبان ۱۱ پرونده (C/S) یکی عدد ۱۱۱ هر جمع شده و در شمال آنها کار از خود بر سلب مسئولیت کرده است. بیشتر معطل کاری ما از پناهندگان و معالمان میباشند.

فقط ۱۹ نفر تسوود ارای کارت هستند و از مرزبان پناهندگی استفاده می کنند که مساعده از پناهندگان تعدادی از اینها در حالت بلانکی و وضعیت معطلی بسر میبرند و از طرف دیگر رادامه، روند معطل کارت، هر ماه کارت تعدادی از اینها سوراخ و معطل میبود.

در این طوهار عدد ۵ پرونده (C/S) با کارت سفید یعنی کسانی که هرگز به پناهندگی نرسیده اند، وجود ندارد. یعنی بفرار این ۵ پرونده (C/S) یعنی افراد هم برای پناهندگی UNHCR کراچی بود. مانند که بعد از روند افزایش تمیزی حقوق پناهندگان، پناهندگی بسیار نادر است. این امر تکلیف شده نشان میدهند که پناهندگان و آوارگان بلوچ مورد بدترین تبعیضهای نژاد پرستانه و سیاسی مسئولین UNHCR قرار گرفته و بدلیل بلوچ بودن رد شده و میبود.

پناهندگان و آوارگان بلوچ هم اکنون در وضعیت قوی اتحادیه بشری بسر میبرند و وضعیت سیاسی که از پناهندگی طرف UNHCR باعث آن است. از طرف دیگر خطر سیاسی در این زمینه وجود دارد. در این زمینه جمهوری ایران و همچنین خطر دیورت و مورد محامه قرار گرفتن آنها است. باید مجدداً بر طبق این وضعیت، پناهندگان نسبت به پناهندگان و آوارگان بلوچ احساسات را در ۱۹۸۸

# نشر وضعیت کودکان افغان

بعدها را وچ گرفتن جنگ وندت با بی همبارانهای هوایی روستاها در سال ۵۸ مهاجرت از افغانستان ابعاد بسیار بقیه ای به خود می گیرد. بنا بر نتیجه لیبی آمارهای بین المللی، مهاجرین افغان هم اکنون مقام اول را در مقایسه با دیگر کشورها دارا می نمایند. از این مهاجرین تعداد سه و نیم میلیون نفر در پاکستان، یک و نیم میلیون در ایران و هزاران نفر دیگر در کشورهای اروپا و آمریکا زندگی می کنند.

مهاجرین افغان را به طور عمده می توان به سه بخش تقسیم نمود: ۱- سفیران آنها، ۲- پسران آنها و ۳- پسران آنها وابسته به غرب:

این اقشار که در دولت سابق پستها و مقامات حساس را در دست داشته اند، از لحاظ وضعیت زندگی بدویترین تقسیم می شوند. یک بخش آن بخاطر زندگی آرام و بی همتا که در ایران با جنگی برایشان مقدور نیست به کشورهای اروپایی مهاجرت کرده تا ضمن ادا معزندی خویش خود را برای کسب مجدد قدرت در فعل و انفعالها و آتی آماده نمایند. دسته دوم از این گروه همواره را در رده ها و رتبه های اجتماعی ایزدیه چون جای داده و در آنجا به کارهایی از قبیل خرید و فروش سلاح و هروئین گرفته تا تجارتهای مافیالند.

۲- آوارگان و مهاجرینی که از طبقات متوسط جامعه هستند. این اقشار که عموماً در شهرهای زندگی می کرده اند، تمامی وسایط زندگی خویش را فروخته و با تحمل هزاران سختی و منت را طی کرده اند. در پاکستان تا این افراد عمدتاً به کسب و کارهای متغول مانند ارتبایا، مستقیم یا "تندایها" هفتگانه یا کمپهای مهاجرین ندارند. تنها تفهیمهای هفتگانه از آرزوی با اندامی قاچاقچری که ارتباط تنگاتنگی بین آنها وجود دارد، به غارت و اعمال آنها بر این قسم بر واقعته و تا کنون ثروتها، کلانی را از این راه به دست آورده اند. این سبک مهاجرین، دولتداری دلالان و تندایها و فتنای رهساری

پلیس، پاکستان و در شهرهای کراچی، لاهور و پشاور و ریدوبلیس دیده اند.

۳- بخش سوم را طبقات و اقشار فقیر جامعه از دهقانان گرفته تا کارگران و زحمتکشان شهری تشکیل می دهند. این مهاجرین که به بیش عمده بنا بهندگان و آوارگان افغان را تشکیل می دهند، اکثراً در کعب و دورا ز شهرهای زندگی می کنند. این مهاجرین زمانی که از وطن به قصد مهاجرت به پاکستان می آیند با پدمدتها ا انتقالی ریکشند و با ماهها در زمین عذکی و غالی زندگی نمایند تا کارت دنیا سازی - یا کمتری افغان - و تندایهای مربوطه را بدست آورند و بعداً ز زمانی طولانی و با دادن هزاران روبی به رشوه موفق به دریافت "رهن پاس" یا دفترچه خواباری شوند. رهن پاس بعداً زی کمال و با تحمل تلاشهای بسیار روزی و شومین و تحقیرهای فراوان به آنها داده می شود. مواد غذایی که از این طریق توزیع می شود، زیر نظر مستقیم پلیس پاکستان قرار داشته و در استفاده از این مواد تنظیمها شریک پلیس بوده و بدین طریق نهی از مواد غذایی و پشواکی محیف و میل می گردد.

کمپهای مهاجرین افغان در بیجاگانهای ویدی به ارتباط زندگی از بدترین کمپهای مهاجرین در سطح جهان هستند. ذکات مهم در راه به این بخش از مهاجرین را می توان به چند بخش زیر تقسیم نمود:

- ۱- طریق آمدن و مشکل تامینها
  - ۲- گرفتن رهن پاس و توزیع مواد غذایی
  - ۳- نبودن بهداشت و امکانات پزشکی و مرگ و میر اطفال
  - ۴- نبودن آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت در کمپها
- ۱- بیجاگان شدید روستاها توسط نیروهای دولتی و عدم امکان زندگی در روستاها با کثرت مالی آن را، جمهوریها زدن و زندگی و خانه و دیوار خود را گذاشته و به کشورهای مجاور فرار کنند. این آوارگان با هزار روبی نوع مشکلات مختلف و یاد کمپهای گرسنه و



و شکر نام برد. و از آن تنها از مواد غذایی که در هوا ی با کستان  
عدیقا به آنها احتیاج است جدی نیست. بهر تمام مهاجرین معلوم  
است که مواد در ریشن باس حتی کفاف با نژده روز آنان را نمی‌کند و  
بهبها ره مهاجرین مجبورند که این مواد را طوری تقسیم نمایند که به  
شکل بنور و نمبر برای يك ماهتان کفایت کند.

۳- در داخل کتب‌ها از وسائل بهداشتی و پزشکی خبری نیست و انواع  
و اقسام بیماری‌ها ی و اگیرداره که بر آنها

اعتدت گرمای پوشتا و ره بهداشت شیخ عیها بد همه جا را فرا گرفته  
است. نبودن وسائل و پرسنل پزشکی و فقدان بهداشتی‌ترین وسائل  
بهداشتی و رقا هی بخصوص برق و وسائل برقی مانند پنکه و...  
بها این امر گسترش و حشنتنا کی می‌دهد. از طرف دیگر هیچ گونه  
امکان مراجعه به بیمارانها و کلینیکهای شهری نوزیستای  
مبتلایان به این امراض وجود ندارد. موسسات و بیمارانها  
که در پوشتا و موجود است نه در خدمت این مهاجرین بلکه در جهت  
اهداف و سیاستهای کشورهای خارجی است و حتی يك موسسه را  
نمی‌توان نام برد که در داخل کتب به صورت درست و اصولی کار  
کنند. از بدترین نتایج این وضعیت همگرم و همروسیع اطفال در  
کتبها می‌باشد. سالی نیست که در هر کتب دهها طفل از زمین فرود  
می‌آیند که از این طریق به مهاجرین وارد می‌شود و زردن کترین  
پدیده‌های آنان است. عدم ماینات پزشکی سوء تغذیه و  
فقدان بهداشتی‌ترین امکانات بهداشتی برای زیست همساله  
اطفال مهاجرین را به کام مرگ کشیده و تنها کاری که از  
خانواده‌های آنان ساخته است ما شك ریختن درسوک عزیزان آنان  
است.

۴- نبودن آموزش و پرورش در کتبها و در این رابطه با بدگفت  
هیچ‌اناری از آموزش و پرورش در کتبها وجود ندارد حتی در سطح  
ابتدائی و اولیاءش. تبلیغات تنظیم‌ها و پروژه‌ها و موسسات  
خارجی در پیش آموزشها که ملائمتی و بیوج است. فرزندان  
مهاجرین بی‌بهره از تعلیم و تربیت زندگی فقیرانه خویش را سپری  
می‌کنند. تفکرات ارتجاعی و همبران تنظیم‌ها در این رابطه  
بخصوص در رابطه با سوادآموزی دختران نقش مهمی را دارا می‌باشد.



بعنا ز چندین شبانه روزیها در روی به با کستان می‌رسند. چه بسا  
تعدا در بادی از این مهاجرین که در راه تلف می‌شوند یا در دستهای  
هموار زیر بمبارانهای هوایی از زمین می‌روند. زمانیکه این سبیل  
مهاجرین به با کستان می‌رسند در مقابل این سؤال قرار می‌گیرند  
که به کی مراجعه کنند و کجا را محل سکونت خود انتخاب نمایند تا  
بتوانند چند ماهی را زندگی کنند. چنان این مهاجرین در  
جستجوی مکانی که حداقل بتوانند مدتی در آن ساکن شوند به هر  
سود و غنمه می‌شوند تا بالاخره مجبور می‌شوند در زمینهای خشک و  
سوزان پوشتا و رودریکی از کتبها زندگی نمایند تا به مقررات  
کتاب و زیر نظر پلیس با کستان باشند. زمانیکه این مهاجرین به  
با کستان می‌آیند هیچ گونه کمکی از طرف تنظیم‌های پوشتا و  
نسبت به آنها نمی‌شود تا حداقل بتوانند مدتی با این امکانات  
زندگی کنند. صفحه دوم این تراژدی گرفتن "ریختن باس" است.  
۲- قانون گرفتن ریشن باس طوری است که با بدمها جرین خود را  
به یکبار زتنظیم‌ها معرفی نموده و گارت دریافت دارند.

گرفتن کارت اجباری است. این پرونده‌ها با آنها بیاول می‌آیند  
بعنا رتا ابتدا به تنظیم‌ها تنها بنده‌ها در دولت با کستان به کتب  
مراجعه کرده و بعدا نا فرا در خانه‌ها و راه‌ها و بعدا ریشن باس  
بین آنها توزیع می‌گردد. حداقل با بدیک سال سپری شود تا  
يك خانه‌ها بتوانند با هزاران زحمت و بعدا ز معرفی به تنظیم  
مربوطه ریشن باس را بدست آورند. تنظیم‌ها در درجه اول این  
ریشن باس را به نام بندگان و وابستگان خوبی می‌بندند و خانه  
ها تیکه در روابط این تنظیم‌ها قرار می‌دهند و با بدمتها انتظار  
می‌کنند. هر تنظیم در کتبهای مربوطه "تاما بنده‌ها" خود را با اعتبار  
و مراحل گرفتن ریشن باس با بدزیر نظر این ناما بنده بگذرد.  
در هر کتب يك با کستان نه مسئولیت توزیع مواد غذایی را بعهده  
فاخته و ناما بنده جریانات نهز با آن همکاری می‌کنند. که غنوم  
با کستان نه تنها بنده تنظیم‌ها را ی چندین ریشن باس هستند.

موا دی که داخل کتبها می‌گردد با بدتاما ما آوردن ناما بنده  
با کستان بگذرد و بعدا ز حیف و میل آن با ناما بنده تنظیم‌ها  
باقی مانده که معمولاً همی از آن حیف و میل شده است بین مهاجرین  
توزیع می‌شود. از جمله مواد غذایی توزیع می‌توان از گندم و روغن

### ۱- قطعنامه

انسانهای آزادهخواه و وجدانهای بیدار بشری

رژیم ارتجاعی ایران از بدو به قدرت رسیدن خود دست به کشتار و سرکوب و به بند کشیدن هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان و انقلابیون و مبارزین و مخالفین سیاسی و خلقهای تحت تسلط ایران زده است. این جنایات مدانسانیه رژیم ارتجاعی ایران باعث گردید تا بیش از سه میلیون ایرانی از کشور گریخته و بخشی به کشورهای اروپایی و آمریکایی و طیف وسیعی نیز تنها توانسته اند خود را به کشورهای همجوار ایران و بالخصوص ترکیه و پاکستان برسانند. اما بدلیل عدم تعهد دول این دو کشور نسبت به کنوانسیون ژنو در مورد پناهندگی و هیچگونه مسئولیت فانونی در قبال پناهندگان و آوارگان وجود ندارد. علاوه بر این وجود روابط اقتصادی - سیاسی - نظامی بین این دولتها خود عامل دیگری بوده که پناهندگان و آوارگان ایرانی در این کشورها از کوچکترین امنیت و ثباتی برخوردار نباشند و راستای تحکیم چنین مناسباتی بوده است که دولت ترکیه بارها اقدام به دیپورت تعداد زیادی از آوارگان ایرانی نموده است.

طبق آخرین خبر رسیده تنها در جولای ۸۸ حدود ۲۰۰ نفر از آوارگان و پناهندگان ایرانی توسط پلیس ترکیه به ایران مسترد شده اند. از جمله در تاریخ ۸۸/۷/۲۹ و ۵۸ نفر از آنان توسط مأموران دولت ترکیه به دولت ایران تحویل داده شده اند که بنا به گفته روزنامه ترکی زبان "بسی ۲۰۰۰" و "حریت" آنها توسط پاسداران جنایتکار رژیم ایران تهریاران شده اند. از سوی دیگر پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط دولتهای ایران و عراق ما شاهد موج جدیدی از سرکوب و کشتار و اعدامهای دسته جمعی فرزندانها توسط حکومت ایران و همچنین کشتار بهرحمانه و فاشیستی خلق کرد عراق توسط حاکمیت مدانسانیه و ارتجاعی عراق بوده ایم برای نمونه میتوان از اعدام و کشتار دسته جمعی ۵۰۰ تن از زندانیان سیاسی در طی چند روز اخیر و نیز سرکوب خونین مردم کردستان عراق که منجر به آوارگی ۱۰۰ هزار نفر از آنان به ترکیه گردید نام برد.

ما پناهندگان و آوارگان ایرانی برای افشا و اعتراض به این اعمال جنایتکارانه و سیاستهای ارتجاعی و برای دفاع از حقوق انسانی هموطنانمان اقدام به اکسیون اعتراضی نموده ایم بنا بر این قاطعانه اعلام میداریم:

- ۱- دیپورت پناهندگان و آوارگان ایرانی و توسط دولت ترکیه و تهریاران مستردین و توسط پاسداران جنایت پند رژیم ارتجاعی ایران را اشد محکوم میکنیم.
- ۲- اعدام زندانیان سیاسی و کشتار دسته جمعی و نیز دستگیریهای بی وقفه اخیر توسط حاکمیت ارتجاعی ایران را قویا محکوم میکنیم.
- ۳- حملات ددمنشانه رژیم مدانسانیه عراق به مردم کردستان و سیبارانهای ششپایه مناطق کرد نشین عراق را قاطعانه محکوم میکنیم.
- ۴- هرگونه زدوبند سیاسی - اقتصادی و نظامی رژیم ارتجاعی ایران با هر دولتی که در جهت اعمال فشار و دیپورت پناهندگان و آوارگان با عده محکوم میکنیم.

# خوب نگاه کنید، راستگی است (۴)

می آمدند خودشان نتوانستند بوی عفونت موجود در بند را تحمل کنند و بعد از سه روز او را توی دو تا پتو به بیرون از بند بردند و پشت در بند انداختند. و ما که برای بردن او به بهداری امرای کرده بودیم و خودمان را باعث جبین پمانی می دیدیم یا دیدن این حالت احساس شرمندگی و گناه کردیم. یک روز تمام در راهرو سرد و لخت با همان دو پتو ماند. روز بعد، دیگر او را سرده بودند.

دو سه روزی بود که چون دیوانه ها جنگ در بیمارستان می انداختیم. همه مان شیش گذاشته بودیم. می گفتند شیش از بند می بردند و آوردند ما تنه. حالا از هر جا که سر می زد می کرد؟ عیش شیش و عدم رعایت بهداشت بود. چون مگر می شد در سه اتاق. که بطور معمول یک خانواده سه چهار نفره باید در آن زندگی کنند. دویست و پنجاه نفر را ریخته و در راه مست و زفت و همه را به امان خدا که چه عرض کنم. به امان گذاشت جراحی، عفونت، شیش و در آخر تیغوس رها کرد.

تقاضای ماده ضد عفونی کردیم تا بتواسیه با ایمن موجودات مودی، که چون بچه شیطان از خانواده لاموردی بودند. سه مقابله بپردازیم. جواب آمد که بچه هایمان در محله ها بیاطلس نبودن ماده ضد عفونی باید یا دستشان را از دست بدستسنبو آسوقت سماها که هم هم تان اتمام است نقاضی ماده ضد عفونی می کنید. ولی ما از رو نرفتیم. تمام تقاضایمان را از هر طریق که می شد به گوش پاسدارها و دیگر مسئولین رسانیدیم. بالاخره دکتر شیخ فرمتی پیدا کرد که از بهداری مرخصی کوتاه عسی بشیر بخودش به یک پزشک زنداس که روزی او را برای کمک بسه وی به بهداری برده بودند گفته بود من در اینجا در روز حداقل پانزده تا شانزده عمل با استخوان دارم. و با چند پرستار برای دین پاهای مجروح و پانسمان آنها به شد که نه. به پشت در بند بیاید تا بچه هایی که احتیاج به مداوا داشتند یکی یکی از بند

خارج شوند و پاهایشان بانسمان شود. موضوع شیش را به شیخ گفتیم و تقاضای ماده ضد عفونی کردیم. بالاخره بعد از چند روز دو سه بیت گردید. دست. سجد رنگ به بند آوردند و گفتند این گرد را روی تمام بدن و سر و رخت و لباس و پتو خلاصه هر چه دارند بریزید. بوی بدی می داد ولی بالاخره هرچه بود ما را از شر این حشره همه جا پیدا خلاص می کرد. شروع به پاشیدن گرد

چند ساعتی بود که فریده را به بند آورده بودند. فریده که چه عرض کنم. لاشه ای بو گرفته. او را آنقدر شکنجه کرده بودند که گوشت پایش دهان یاز کرده بود و استخوان پایش دیده می شد با این وضع او را آنقدر پاره از این راهرو به آن راهرو. به نوالت و ... کشانده بودند که تمام پایش چرک کرده بود. بعد از هشت روز که همچون جسدی بیجان در راهروهای بازجویی افتاده

بود. همراه بوی چرک و عفونت وارد شد. تمام بدنش را تا وللهای چرکی پر کرده بود. و این تا ولله تا دور لبها و تسوی دهانش نیز دیده می شد. قادر به جوییدن و قورت دادن هیچ چیز نبود. و اگر غذایی می آوردند که آب آن بود آب آن را بسا نوک قاشق در دهانش می ریختیم. برای توالت رفتن دو نفر او را بلند کرده می بردند. حدود نه دقیقه تا یک ربع طول می کشید تا بتواند ادرار کند. در در سوزش ناشی از عفونت مانع از ادرار او بود. در طول مدت ادرار از درد می نالید و ادرارش هم جز خون چیزی نبود. بعد از چند ساعت از آوردنش به بنسند بوی عفونت و چرک تمام فضای بند را پر کرده بود. دیگر به زحمت می توانستیم در آن فضای بسته که ماه ها بود از درها و پنجره هایش هوایی عبور نکرده بود نفس بکشیم. همه روسپاهایمان را دور دهان و بینی مان بست بودیم تا نفس کشیدن برایمان تحمل پذیرتر باشد. به زحمت حرف می زد. می گفت که او را به بهداری برده اند ولی نعلت نبودن ما در بهداری به بند آورده اند. هیچ دوا و وسیله ای برای کمک به او نداشتیم. فقط از سهیمه نوار بهداشتی مان یکی دوتا را به او اختصاص داده بودیم و از پنجه آن برای تمیز کردن و خشک کردن تا وللهای چرکی ای کسه ترکیبه بود استفاده می کردیم. وقتی دیگر از تب نفس سوزخت آنچنان می لرزید که هیچ چیز قادر به گرم کردنش نبود. هذیشان می گفت. می نالید. هر بار که پاسدارها برای کاری در بند را باز می کردند تقاضای بردن او را به بهداری می کردیم. دکتري در بند داشتیم که جرمش این بود که در نوبت کشیکش یک زندانی حامله که برای زایمان به بیمارستان برده شده بود، فرار کرده بود. او به پاسدارها می گفت که اگر دخترک را به بهداری نبرند می میرد. و اگر چا ندارند با مسئولیت خود وی مقداری دوا و امکانات در اختیارش بگذارند. مگر کسی گوش می داد.

فریده با این وضع سه روز بدون دارو و درمان در بند بود. تا بالاخره پاسدارها که برای انجام ماموریتهای مختلف سه



بر سر و رو و بدن و لباسان کردیم. نفس کشیدن مشکل بود. در فضای بند یا هر مکانی گردهای شیمیایی رقصان جویان می دادند. با دوبار استفاده از این ماده از شر شیش خلاص شدیم و بسواری مبتلا شدن مجدد به آن، تا جایی که محیط اجازه می داد رها پت مسائل بهداشتی را می کردیم و از جمله هر زندانی جدید که به بند می آمد علاوه بر "بازجویی" از چگونگی دستگیری و وضعیت پیرونده اش، حالا باید تعیش بدنش هم می شد! یعنی لختش می کردیم و لباسهایش را می کشیدیم. البته بعضی وقتها این تعیش با وضع زندانی تازه وارد به اشکال بر می خورد.

سیمین از این قبیل زندانیها بود. وقتی بدن شکنجه شده اش را وارد بند کردند تنها کار ممکن بردن او به اتاق و رسیدگی به وضع رجور و لنگر و زرد او و جراحت پاهایش بود. او سوار بسر ترک موتور مشغول پاره کردن نفس خمینی بوده که پاسدارها به طرف وی و دو رفیق همراهش تیر اندازی می کنند. از سه نفر، یکیشان تیر می خورد که با وجود این موفق به فرار می شود. اما دو نفر دیگر را می گیرند و در نتیجه از آنها علاوه بر روابسط و قرارهای مردشان حای نفر سوم را نیز می خواستند. هیکل بسیار لنگر و رنجوری داشت. پایش بر اثر شکنجه چنان شکافته بود که استخوان از آن بیرون زده بود. سه روز بود که دستگیر شده بود و در این سه روز، چهار بار او را شکنجه مفصل کرده بودند. پاهایش تا کمر کیود بود و ورم داشت، ولی با آن بدن رنجور و شکنجه شده روحی به بزرگی آسمان داشت و ایمانش چون کوه محکم بود. شب را مثل جغد افتاد. صبح اول وقت منادیش زدند. عصر بدن دوبار شکنجه شده اش را به بند برگردانند. جشمش دیگر به او اجازه نمی داد که بیش از این شکنجه شود. تصمیم به خودکشی گرفته بود. با دو سه نفر از بچه ها از جمله من صحبت کرد و سیم کوچکی را که از محل بازجویی پینا کرده بود نشانم داد و گفت به این راحتی دست از سرم بر نمی دارند و من نیز تاب تحمل شکنجه بیشتر را ندارم. نمی دانستم به او چه بگویم. وقتی از شکنجه می گفت می دانستم چه می گوید و وقتی از مرگ می گفت می دانستم که با این کار فقط تاریخ مرگش را جلو می اندازد، چون سیم را زود اعدامش می کردند. عصر که از بازجویی آمد همچنان سیم را در مشت نگه داشته بود و دنبال فرصت مناسب می گشت تا با فرو کردن آن در پریش برق خودکشی کند. شب وقتی بچه ها مشغول خوردن شام شدند دستش را از پتو بیرون آورد. از دور می یادیمش. مشغول فرو کردن سیم در پریش برق بود. دستش می لرزید شاید از درد شکنجه، و شاید از کاری که داشت می کرد. در این میان یکی از بچه های زندانی که توده ای بود او را دید و شروع کرد به فریاد زدن. ناگهان تمام بند شروع به جیخ کشیدن کرد. پاسدارها ریختند و زندانی ای که جریان را دیده بود به پاسدار گفت که او می خواهد خودکشی کند. این امر باعث بدتر شدن وضع او شد. او را شبانه بردند و دیگر هرگز او را ندیدیم و خبری نیز از او نیامدیم.

ساعت پنج صبح بود که پاسدارها به بند حمله کردند. ابتدا با فریاد و سر و صدا همه را از خواب پراندند و دستور دادند همه در گوشه ای بایستیم و سپس شروع به تفتیش بند کردند. به هیچکس اجازه دست زدن به چیزی، حتی فینک یا ساعتش را نمی دادند. بعد از یک ساعت و نیم دو ساعت زیرورو کردن و گشتن همه چیز، با چند تکه مایون - که ما با صرفه جویی از سهمیه روزانه مسان برای روز حمام ذخیره کرده بودیم - بیرون آمدند و با فحش و هریده پرسیدند که چه کسانی در این اتاق - اشاره به اتاق

اعدامیها - می نشینند. بچه های آن اتاق، از جمله من، به کتاری آمدیم. یکی از پاسدارها گفت می خواهید با این مایونها کوکتل مولوتف درست کنید، ها؟ با اعتراض گفتیم که اینها را برای روز حمام کنار گذاشته ایم. ولی او بدون توجه به اعتراض ما دنبال حرفش را گرفت و ادامه داد از چربی غذاها هم می خواهید استفاده کنید که به حمد خدا چون این انقلاب خدایی است توطئه تان خنثی شد. در حالی که جلو غنده مان را گرفته بودیم چیزی نگفتیم. اساس بچه های اتاق اعدامیها - اتاقی که "وسایل کوکتل مولوتف" در آن یافته بودند - را یادداشت کردند و بسا فحش و ناسزا از بند خارج شدند. با رفتن پاسدارها دوباره ژنر پتوها چیدیم.

ساعتی بعد، چند نفر از بچه های را که صبح اسمشان ذرا یادداشت کرده بودند به جرم ساختن کوکتل مولوتف و توطئه فریبند به بازجویی خواندند. یکی از آنها من بودم. چشم را بستند و دوباره در راهروهای بازجویی نشاندم. پاسداری جلو آمد و گفت تو بودی. تو، می خواستی کوکتل مولوتف بسازی. در حالی گسسته شدنا عصبی بودم، جواب دادم مایونها را فقط برای روزهای حمام نگه داشته بودیم و بس، در ثانی با چند تکه مایون که نمی شود کوکتل درست کرد. گفت صحیح، پس تو طرز تهیه کوکتل مولوتف را هم می دانی. گفتم هر کس که در انقلاب شرکت کرده باشد درست کردنش را بلد است.

هوا به اتاق بازجویی برد و گفت دستهایت را از عقب به هم برسان. دستهایم را به پشتم بردم ولی آنچنان فاصله ای بین دو مچم بود که فکر می کردم هرگز به هم نمی رسند. گفتم نمی توانم، به هم نمی رسند. گفت من کاری می کنم که زیادی هم بیآورد. دو دستش را به آرنجهایم گذاشت و آنها را از عقب چنان به هم نزدیک کرد که راستی زیادی هم آوردم. دستهایم را به همان حالت قیاس بست. فریادی کشیدم. چنان دردی در تمام بدنم دود که تمام سئولهایم منقبض شد. مجبورم کرد در حالت ایستاده بجام. یکریز از درد می شلیدم و فریاد می کشیدم. سرم گیج می رفت. عرق از تمام بدنم می چکید. به یاد فرشته افتادم که دو روز به این حالت آویزان بودم. پاهایم تاب نگه داشتم را نداشت بعد از حدود یک ربع به زمین افتادم. این طوری اقل پاهایم از تحمل وزن بدن پر از درست خلاص می شد. خودت را به زمین می سپردی و مقداری از فشار درد را به زمین می دادی. اما این آلودگی زیاد طول نکشد. پاسدار دوباره آمد و گفت چه کسی به



تو اجازه داده که بخوابی. گفتم افتادم، نتوانستم بایستم، بلندم کرد، عرق تمام زمین را خیس کرده بود. مرا ایستاند و گفت که حق نشستن و یا خوابیدن ندارم. سرم شدت گیج می رفت و دستهایم دردی بیخواب را به بدنم منتقل می کرد. در این فاصله که ایستاده بودم دو یاسنار به بیانه ام این که مطمئن شدم که دستهایم سخت شده بود به طرفم آمدند و شروع کردند به دست زدن به سینه ها و یا زودنیم. دوباره افتادم، که این بار یکی از یاسنارها ضامن با گرد که بتوانم نشسته دردن را تحمل کنم. مدت نیم ساعت نستم تا به سرافتم آمدند و دستهایم را باز کردند که مثل نو تنگ جسم بیجان به دو طرفم افتاد. مثل این که این دستها از آن من نبود. مثل این که تا آن روز هرگز دستی نداشتم. گندم به حالت سر رفتگی داشت و جای بستن طنابها ردی نبود پسر عجیب گذاشته بود.

به این جرم، بعد از منتهای که از حساسان من گذشت و حتی بعد از محاکمه و محکوم شدن اولیه به حسابهای بیشتر، به جوجه اعدام سپرده شدند. من اولین نفری بودم که حکم اعدام نیسود و به دادگاه خوانده شدم.

این بار مرا بجای طبقه اول و دوم که مخصوص بازجویی بود به طبقه سوم بردند. گوشه ای ایستادم. صدای گشتگو و سینه های خودمانی بین یاسنارها به گوشم می رسید. پاسداری زرد آمد و گفت من داس امروز زور آخر معرفت است، چند روز است دستگیر شده ای. گفتم حدود یکماه و نیم. داشت مرآل بعدی را می پرسید که پاسدار دیگری آمد و مرا به دادگاه برد. همان طور چشم بسته مرا روی صندلی نشانند. در میان سکوت و تاریکی به انتظار نشسته بودم که صدای زنی دادگاه به گوشم خورد که اسم مرا می خواند. ما شنیدیم اسم ماظم حبیق شد که اقل دادگاه هم از نوع دادگاه های گیلانی است، چون در دادگاه های گیلانی اسم هم خوانده نمی شود. فقط یک حکم اعدام دست جمع، دستور نوشتن وصیتنامه و احیانا شفره به خانواده برای وداع. پاسنار شماره ۱۱ را می گیرد و گوش را به دست می دهد: ما مان، من امشب اعدام می شم، خدا حافظ.

اجازه داد چشم بندم را باز کنم. جلوم دو میز بود. یکی از آن، اخوند جوانی بعنوان قاضی و دیگری متعلق به ظاهرا منشی طبقه، مرد سی و چند ساله ای مثل بیج زهر مار که گویا از این که سرای یک زندان جلسه ای و دادگاه تشکیل می شود ناراضی بود و دلش...



بعد از دو هفته از آخرین بازجویی ام برای رفتن به دادگاه صدایم کردند. همه تعجب کردیم چون غیر از بچه هایی که چیزی توی پرونده شان بود و با یک دادگاه یک دقیقه ای به جوجه اعدام فرستاده می شدند، بقیه همه را معلق گذاشته بودند تا بتوانند از هر جا که بشود برایشان بیانه ای برای حکم اعدام پیدا کنند، یافتن این بیانه هم دشوار نبود. مثلا کافی بود کوچکترین مطلبی که بخودی خود جرمی هم نبود و تو در بازجویی خودت عنوان نکرده بودی از جای دیگری می بردی. و چه بسیار بودند کسانی که فقط...

رساله از صعبه ۶۰

۵- سکوت و بیامی بین المللی در رابطه با دیمپورت پناهندگان و آوارگان ایرانی توسط دولت ترکیه را محکوم میکنیم.

۶- ما از UNHCR زانومی خواهیم که در و در حمایت پناهندگان و آوارگان ایرانی در پناهندهای ترکیه و برای تصدیقات مدنی و عاجل آنها در آمد.

۷- ما از اذکار منفردی و اساسی آزادیخواه و عرافاننده در پناهندهای و آوارگان جهان همه پسران و جوانان را که صدای اعتراض خود را علیه این اعمال در انسانیت بلند نموده اند.

در برای مجده پناهندگان و آوارگان ایرانی سوزا کسان - کسراچی

نمونه پناهندگان و آوارگان بلوچ ایران در پناهندهای - کراچی

لازم و کمک کننده بود شما مرا متهم به پشتیبانی و همکاری نمی-  
کردید. دیگر نه او چیزی گفت و نه من. در آخر خواست که پسه  
خانواده ام رنگی بزنم، و خودش و بقیه - پاسدار و منشی - از اتفاق  
خارج شدند.

این آخیری شلوار آنهاست که زندانی را با تلفن که از خارج  
از اتاق نمت کنترل است بیازمایند. به همین خاطر بعد از متهم  
کردن زندانی به دلایل و نظرات کافی از نظر خودشان، زندانی را  
با تلفن در اتاق تنها می گذارند. و سپارند زندانی را که بر اثر  
کمی تجربه ممکن است گول چنین کلکی را بخورند. و از طرف  
خودشان با از ناحیه مغاظشان چیزی گفته شود که مایه  
درسرهایی بعدی شود. روی هم رفته دادگاه هم دوازده دقیقه طول  
کشید بدون این که حکم اعلام شود. من باید کلام را به آسمان  
می انداختم که زمانی که صرف محاکمه هزار و سیصد زندانی  
می شد به دادگاه من اختصاص یافته بود.

به بند برگشتم در حالی که هیچ خیالم راحت نبود که کارم  
تمام شده. حساب و کتابی که در کار نبود. ممکن بود امروز حکم  
آزادیت را بدهند، فردا دوباره دستگیر و اعدامت کنند. و بعکس.  
امروز اعدامت کنند، فردا متوجه شوند که باید آزاد می شدی. و  
برای جبرانش دو ریخت نماز توبه به جا بیاورند.

(ارامه دارد)

می خواست مرا با دستهایش خفه کند. روی میز رئیس دادگاه چند  
پرونده و چند قلم وجود داشت و روی میز منشی فقط یک سنجی  
با قنداق و قوری و فنجان سبده می شد. زیرا منشی کاری جز این  
نداشت. پاسداری در کنار میز رئیس ایستاده بود که با چشمتی  
هیزش انگار چادر روسریم را می درید. پرونده ام جلو رئیس  
دادگاه بود. چیزهایی که خودم نوشته بودم و می دانستم چیست -  
اما زیر بعضی از خطها و عبارتها را با خط قرمز مشخص کرده بودند  
دادگاه شروع شد.

قاضی گفت شما متهم هستید که از گروهکها حمایت کرده اید.  
جواب دادم در کجای بازجویی و نوشته های من چنین چیزی هست  
که من از گروهکها دفاع کرده ام. گفت همین که از انجمن اسلامی  
ناشکنه پشتیبانی نکرده اید متهم به دفاع از گروه های دیگرید.  
و قسمتهایی از متن بازجویی را که خودم برایشان نوشته بودم و  
بیشتر مربوط به دوره انقلاب و تظاهرات آن موقع بود، بعنوان  
جرم برام خواند. و در آخر گفت که اگر دفاعی از خود دارم بکنم.  
جواب دادم چه دفاعی می توانم بکنم. من همه چیزهایی را که  
مرا متهم به آنها کردید در ورقهای بازجویی که الان جلو رویتان  
هست به دلیل کافی رد کرده ام. بنابراین اگر دفاع و نظر مسن



به شورای پناهندگان و آوارگان

پیوندید!

# روشنفکران

## وتحولات سدهٔ اخیر ایران

محرران بترتیب: سخرانی:



احمد کریمی حکاک  
نیرهٔ توحیدی  
شاهرخ مسکوب  
حمید دباشی  
افسانه نجم آبادی  
مهرداد مشایخی  
علی آشتیانی  
احمد اشرف

یکشنبه ۶ نوامبر ۱۹۸۸ - ۱۱/۳۰ قبل از ظهر، داد هال، یو.سی. ال. ای

برای تأمین مخارج ۷ دلار ورودیه مقرر گردیده است

برنامه سمینار  
روشنفکران و تحولات سده اخیر ایران

آشنایی با سخنرانان و صرف نهار:  
سح آغازین : نماینده کانون فرهنگی نیما

مباحث اول: روشنفکران و ادبیات معاصر ایران

تا ۱:۱۰	۱۲:۳۰	احمد کریمی حکاکت: روشنفکران ایرانی خارج کشور نیره توحیدی : نگارش روشنفکران سده اخیر ایران
تا ۱:۵۵	۱:۱۵	نسبت به زن
تا ۲:۴۰	۲:۰۰	ساهرچ مسکوب : ادبیات انتظار
تا ۲:۵۵	۲:۴۰	نقطه نظرات شنوندگان :
تا ۳:۲۵	۲:۵۵	پرسش و پاسخ :
تا ۳:۴۵	۳:۲۵	تغییر :

مبحث دوم : روشنفکران و انگیزشهای اجتماعی آنان در ایران

تا ۴:۳۰	۴:۵۰	حمید دبائی : روشنفکران و انقلابهای ایران امسانه نجم آبادی : از تجددطلبی تا
تا ۵:۱۵	۴:۳۵	مکتبگراشی... و پرازان ؟
تا ۶:۰۰	۵:۲۰	مهرداد مشایخی : وابستگی : پایان یک پرشواره ؟
تا ۶:۱۵	۶:۰۰	نقطه نظرات شنوندگان :
تا ۶:۴۵	۶:۱۵	پرسش و پاسخ :
تا ۷:۳۰	۶:۴۵	تغییر و صرف ناهام :

مبحث سوم : نخلگیری روشنفکران در ایران

تا ۸:۱۵	۷:۳۵	علی آشنایی : فرهنگ سیاسی و روشنفکران در ایران معاصر
تا ۹:۰۰	۸:۲۰	احمد انرف : نگرشی به پیدایش و تحول روشنفکران
تا ۹:۱۵	۹:۰۰	نقطه نظرات شنوندگان :
تا ۹:۴۰	۹:۱۵	پرسش و پاسخ :

\* بین از پایان سخنرانیهای هر مبحث بعد از ۱۵ دقیقه فرصت خواهد بود که سه شنونده، هر یک ۵ دقیقه،  
به بیان نظرات خود بپردازند .

برای اطلاعات بیشتر لطفاً " با تلفن شماره ۷۴۱۸ ۳۹۱ (۲۱۳) تماس بگیرید .





### سرخن:

در درازنای کم یا بیش یک قرن و نیم است که مقوله روشنفکران و نقش آنان در روند پیشرفت جامعه ایران مطرح بوده است. و در این روانه طرح این مقال همواره پرسشهای بسیاری را برانگیخته است که خود همین افزودن به دورنمایه این پرسشواره، گفت به گفت، آنرا پیچیده تر از پیش کرده اند، پرسشهایی از گونه اینکه:

آیا روشنفکر تجددخواه و مدرنیست است؟ آیا روشنفکر سنت شکن است؟ آیا روشنفکر غرب زده است؟ آیا روشنفکر ثمره استعمار است؟ آیا روشنفکر لامذهب است؟ آیا روشنفکر اصلاح طلب است؟ آیا روشنفکر انقلابی است؟ آیا روشنفکر پیشروی طبقه است؟ آیا روشنفکر خود دارای طبقه‌ای ویژه است؟ آیا روشنفکر تافته جدا بافته است؟ آیا روشنفکر فرنگی ماب است؟ آیا روشنفکر فکلی است؟ آیا روشنفکر پیشه‌ور است؟ آیا روشنفکر دانشمند است؟ آیا روشنفکر متعهد است؟ آیا روشنفکر... و بسیاری آياهای دیگر که شاید بشود همگی را در دو پرسش کلی یعنی: روشنفکر کیست و نقش او چیست؟ خلاصه نمود.

در طول تاریخ برجنب و جوش سده اخیر ایران همواره پس از خیز و خفت های جنبش های اجتماعی پیش نهادن مقوله روشنفکری نیز از فرازو نشیب‌هایی، در خور شور و غوغای آن جنبش ها و کم و کیف دست آوردشان، برخوردار بوده است. در هردوره‌ای از این دوران جامعه و بویژه خود روشنفکران به بازپس نگری کارنامه و پیشینه روشنفکری نشسته‌اند و با نگرشی پرسنده‌تر به بررسی عملکرد خود پرداخته‌اند.

اکنون نیز در برهه‌ای بسر می‌بریم که موج توفنده سهمگینی از خروش اجتماعی را پشت سرگذارده‌ایم و شاهدیم که بار دیگر پرسشواره روشنفکری در هر دفتر و جنگ و کتابی چهره مینماید و ذهن اندیشمند را به پژوهش وامیدارد.

اما این بغرنج را نمیتوان با تکیه بر رای یگانه خود گره گشود، بلکه گشایش آن نیازمند رویارویی هر چه افزونتر اندیشه‌های گوناگون‌نویست که از هر سو بر آن یورش آورند و بدرونش ژرف رخنه کنند و بر آنچه ناروشن است پرتو افکنند.

ولی شاید یک چنین کنکاش گسترده‌ای را که نیاز به محیطی عاری از تعصب و تنگ نظری دارد اینروزها فقط بشود در خارج از کشور فراهم آورد. پس بر آن شدیم که با توش اندک خود گوشه‌ای از این سنگین را بلند کنیم.

کانون فرهنگی نیما

نوامبر ۱۹۸۸ - نس آنجلس

مبحث اول : روشنفکران و ادبیات معاصر ایران

احمد کریمی حکاک

روشنفکران ایرانی خارج از کشور

در خلال ده سال گذشته بسیاری از روشنفکران ایرانی، امم از نویسندگان، شاعران و سایر اعضاء قشر تحصیلکرده، به اقامت ناخواسته در خارج از وطن رانده شده‌اند.

نحوه برخورد اینان با مسائل جاری میهنشان، و نیز با فضای زیستی خویش، تا حد زیادی تعیین کننده فضاهای ذهنی و نوع افکار است که در آثارشان مشاهده میشود. در بسیاری از موارد نویسندگان و شاعران ایرانی به این دلیل زندگی در تبعید را برگزیدند که شاید در تحولات سیاسی و اجتماعی میهن خویش نقش مهمتری بر عهده گیرند.

احمد کریمی حکاک در سخنرانی خود این جنبه از زندگی نویسندگان و شاعران تبعیدی ایران و عوارض ناشی از آن را با تحلیل از آثار غلامحسین ساعدی، نماینده نویس و داستان پرداز فقید ایرانی و نیز با اشاراتی با آثار دیگر نویسندگان و شاعران دور از وطن بررسی خواهد کرد.

بیوگرافی: احمد کریمی حکاک در دانشگاههای تهران، رانگروز، کلمبیا، و تکزاس تدریس کرده و در حال حاضر در دانشگاه واشنگتن استاد زبان و ادبیات فارسی است. احمد کریمی حکاک مولف مقالات بسیاری در نقد و تحلیل ادبی بزبانهای فارسی و انگلیسی است که در ایران و آمریکا منتشر شده‌اند. همچنین مولف کتاب

AN ANTHOLOGY OF MODERN PERSIAN POETRY

هست، و پژوهشهای چندی در نحوه برخورد اروپائیان با شاهنامه فردوسی انجام داده‌است. احمد کریمی حکاک چند اثر مهم ادبیات تجربی را بفارسی ترجمه کرده‌است که رمان تام جونز اثر هنری فیلدینگ و اشعار کارل سندبرگ، پابلونرودا و ازراپاند از آن جمله‌اند. کریمی حکاک در حال حاضر مشغول تالیف کتابی است در تکوین و تحلیل زبان شعر امروز ایران.

احمد کریمی حکاک دارای درجه دکترا در ادبیات تطبیقی از دانشگاه رانگروز میباشد.

نیره توحیدی

### نگرش و برخورد روشنفکران سده اخیر ایران نسبت به زن

نوشته کنونی مقدمه‌ای است بر یک پروژه تحقیقی در زمینه نگرش و برخورد روشنفکران سده اخیر ایران نسبت به زن.

با بهره‌گیری از تجربه تحولات اجتماعی دهه اخیر ایران (خاصه در مصاف با تجددستیزان و رجعتگرایان حاکم) و طی پیوند زدن این تجربه با پیشینه تاریخی و فرهنگی یک قرن اخیر، باید بتوان به سنتزی نوین دست یازید. سنتزی که از ستیز نو و کهنه، سنت و بدعت، غرب و شرق، ملی و امپریالیستی، ... فرآ میرود و فراتر میرود. سنتزی که یکی از ارکان اصلیش عبارتست از نقش متفاوت زن (چه بصورت فاعل و چه بصورت موضوع) در شکل‌گیری آن.

بررسی تحولات اجتماعی و دوره‌های مختلف سیر اندیشه و سیاست در سده اخیر ایران نشانگر اینست که موقعیت اجتماعی زن و نیز نگرش فرهنگ غالب به زن، یک سیر متداوم پیشرونده و ترقیخواهانه را طی نکرده است. ظهور ایده‌های برابری خواهانه در مورد زنان همراه بوده است با گسترش تجددخواهی عصر مشروطیت و محدود بوده است بهمان ظرفیتها و محدودیتهای جنبش مشروطه. در دوره‌های بعدی گسترش نسبی نهادهای دموکراتیک و ترقیخواهانه نیز در برخورد بزن و نقش خود زنان از چارچوب برابری طلبی لیبرالی بین زن و مرد فراتر نرفته است. آثار اکثر روشنفکران با نفوذ و شناخته شده سده اخیر از ایده‌های رادیکال، فمینیستی و رهائی طلبانه خالی است. خاصه قابل توجه و بررسی است که چرا و چگونه در یکی دو دهه ماقبل انقلاب ۵۷، نگرش روشنفکران نسبت بزن، در مقایسه با دوران مشروطیت، سیری عقب‌گرایانه و مردسالارانه تر داشته است. در بحث کنونی بطور مشخص سیمای زن در آثار روشنفکران متنفذی چون آل احمد، صادق هدایت و پروین اعتصامی مورد بررسی مقدماتی قرار میگیرد.

بیوگرافی: نیره توحیدی در رشته روانشناسی و علوم اجتماعی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و در سال ۱۹۸۲ دکترای خود را در رشته روانشناسی تربیتی در دانشگاه ایلی نوی آمریکا به پایان رساند. بخشهایی از نتایج و تحقیقات او در زمینه تفاوت‌های مرد و زن در انگیزش پیشرفت و استعداد‌های شناختی در مجلات روانشناسی آمریکا از جمله

"INTERNATIONAL JOURNAL OF INTERCULTURAL RELATIONS"

به چاپ رسیده است.

وی در چند سال اخیر ضمن تدریس در دیپارتمانهای روانشناسی و مطالعات زنان نوشته‌هایی را در زمینه مسائل مختلف زنان در نشریات فارسی و انگلیسی بچاپ رسانده و در حال حاضر با همکاری مرکز مطالعات زنان دانشگاه UCLA مشغول کار روی پروژه‌ای تحقیقی راجع به تحولات و تضادهای مربوط به نقش جنسی و مناسبات بین زنان و مردان مهاجر ایرانی میباشد.

شاهرخ مسکوب

- ادبیات انتظار -

بعد از شهریور ۱۳۲۰ بخصوص در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ ادبیات - متعهد - فارسی، از نثر و نظم، گرایش فوق العاده‌ای به سیاست و بخصوص مفهومی از سیاست که در انتظار رستاخیز و رهائی زودرس بود و آنرا به خوانندگان خود وعده می داد داشت. این ادبیات بشدت سیاست زده از طرفی خود فریفته سیاست بود و از طرف دیگر با ایجاد امید کاذب خوانندگان را فریب میداد. ادبیاتی که انگار بدون امید نمیتواند زنده باشد، حتما احتیاج به دستاویزی دارد برای زنده ماندن و رشد کردن.

با ارائه نمونه های بارزی از اینگونه ادبیات در نثر و نظم به بررسی آن خواهیم پرداخت.

بیوگرافی: شاهرخ مسکوب جستار نویسی و پژوهنده آثار ادبیات کلاسیک ایران در گستره تاریخ، اساطیر و فلسفه میباشد. تالیفات چندی از او منتشر گردیده‌اند که از آن جمله عبارتند از: مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار، در سوگ سیاوش، در گوی دوست، ملیت و زبان و... و همچنین چند ترجمه که عبارتند از: خوشه‌های خشم (با رحیم احمدی)، آنتیگونه، ادیپوس شهریار و آشیل (پرومته در زنجیر).

مبحث دوم: روشنفکران و انکیزشهای اجتماعی آنان در ایران

حمید دباشی

روشنفکران و انقلابهای ایران

اگر روشنفکران را به عنوان یک گروه اجتماعی، نه به عنوان یک طبقه، چرا که فاقد روابط مشخص و واحد با وسائل تولید اقتصادی هستند، در نظر بگیریم بهر حال اینان در تاریخ صد ساله گذشته ایران دخیل و سهم بوده‌اند. مسئله این است که ماهیت و چگونگی این دخالت چگونه بوده‌است و آیا اصولاً یک گروه اجتماعی سوای خاستگاه طبقاتی متفاوتش، که در این مورد بسیار متنوع است، میتواند نقش انقلابی واحدی را ایفا کند؟ از این مهمتر مسئله ماهیت تفکر خلاق انقلابی است که درجه ارتباطش با روشنفکران ایران هنوز مشخص نشده‌است.

بیوگرافی: حمید دباشی دارای دکترای جامعه شناسی از دانشگاه پنسیلوانیا میباشد. او در دانشگاههای پنسیلوانیا، یوتا و تکزاس تدریس کرده‌است و در حال حاضر با عنوان POST DOCTORAL FELLOW در دانشگاه هاروارد به مطالعه و تحقیق اشتغال دارد. حمید دباشی در تالیف دو کتاب در باره "تاریخ تشیع" و "معارف تشیع" با دکتر سید حسین نصر همکاری داشته است. کتاب دیگری با نام

"FOUNDATION OF AUTHORITY IN ISLAM"

از تالیفات او هم اکنون زیر چاپ میباشد. او همچنین نگارنده مقالات متعددی به زبان انگلیسی است که در نشریات علمی و تحقیقی منتشر گردیده‌اند. از آنجمله‌است مقاله:

"POETIC OF POLITICS: COMMITMENT IN MODERN PERSIAN LITERATURE"

در نشریه "JOURNAL OF IRANIAN STUDIES"

## مهرداد مشایخی

### وابستگی: پایان یک پرسشواره؟

در حیات روشنفکری هر ملت، در دوره‌هایی یک سوال، یک موضوع جای اصلی را در ذهنیت اکثریت اندیشمندان و روشنفکران آن اشغال میکند. در ایران نیز از اوایل دهه‌ی ۱۳۳۰ یک سوال روشنفکران را سخت مشغول به خود ساخت:

وابستگی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی جامعه‌ی ایران.

پرداخت به این موضوع آن چنان روشنفکران ایرانی این دوره را مجذوب ساخت که از نگرش به بسیاری سوالهای مهم دیگر غفلت ورزیدند. نتیجه آن شد که چند سالی است که غلبه‌ی این پرسشواره سخت تضعیف شده است. آیا روشنفکران ایرانی در راستای گزینش اساسی دیگری گام برمیدارند؟

بیوگرافی: مهرداد مشایخی دارای فوق لیسانس اقتصاد و دکترای جامعه‌شناسی از امریکن یونیورسیتی در شهر واشنگتن میباشد. او در حال حاضر استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه جورج تاون در شهر واشنگتن دی. سی. میباشد. از جمله آثار تحقیقی او عبارتند از: روشنفکران، کارکردهای اجتماعی طنز در ایران، نقش دانش‌آموزان و دانشجویان در انقلاب ایران. هم اکنون نیز در حال ویراستاری کتابی به زبان انگلیسی در مورد "فرهنگ سیاسی در ایران" است. او در چند سال اخیر با چند نشریه تحقیقی ایرانی در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی همکاری داشته است.

مبحث سوم: شکل‌گیری روشنفکران در ایران

علی آشتیانی

### فرهنگ سیاسی و روشنفکران در ایران معاصر

بحثی پیرامون عدم جدائی حوزه‌های فرهنگی و سیاسی در ایران و تاثیر این امر در شکل‌گیری روشنفکران. اشاره‌ای به زمینه‌های تاریخی و جامعه‌شناسانه‌ی مسئله شکل‌گیری روشنفکران در ایران.

بیوگرافی: علی آشتیانی دارای دکترای جامعه‌شناسی از امریکن یونیورسیتی در شهر واشنگتن دی. سی. میباشد.

او هم اکنون با عنوان POST DOCTORAL FELLOW در دانشگاه دولتی نیویورک در بروکلین به تحقیق مشغول است. او عضو هیئت تحریریه نشریه کنکاش میباشد و از وی مقالات سه پروژیه روشنفکری در ایران در نشریه نظم نوین و جامعه‌شناسی سه دوره در تاریخ روشنفکری ایران در نشریه کنکاش منتشر شده است. او هم اکنون در حال نوشتن کتابی با نام

THE INTELLECTUAL BASE S OF IRANIAN REVOLUTION میباشد.

افسانه نجم آبادی (آذر طبری)

از تجدد طلبی تا مکتب گزینی ۱۰۰۰ و پس از آن؟

برداشتی تاریخی از تغییر مقال سیاسی در یک قرن گذشته و سهم روشنفکران در شکل گیری تفکر اجتماعی و سیاسی آینده ایران.

هدف آن است که با نظری بر گذشته روشنفکران به تفاوت خداگونه غیر تاریخی ننشینیم، بلکه با استفاده از تجربه فکری گذشته، چشم به آینده داشته باشیم. مطلب اصلی کلام هم این خواهد بود که انقلاب اسلامی ایران نمودار یک دوره فکری و سیاسی جدیدی در تاریخ معاصر ایران است و آئینه حرکت فکری ما از انقلاب مشروطه تا به حال. و ویژگیهای این انقلاب بیش از هر چیز نشان میدهد که نیاز به خلق و پرورش فرهنگی و سیاسی از ریشه متفاوت از گذشته خواهیم داشت. جنب و جوش فکری که میان روشنفکران بعد از انقلاب شاهد آن هستیم خود بیان این نیاز است. جنبه‌هایی از سهم روشنفکران در آفرینش یک محیط فکری و فرهنگی جدید برای بحث و تبادل نظر مقدماتی ارائه خواهد شد.

بیوگرافی: افسانه نجم آبادی دارای دکترای جامعه شناسی از دانشگاه منچستر و فوق لیسانس فیزیک از دانشگاه هاروارد میباشد.

او هم اکنون در دانشگاه هاروارد در ماساچوست و براون در پرویدنس به تدریس اشتغال دارد و بیشتر نیز در دانشگاه‌های هاروارد و منچستر در مراحل گوناگون به آموزش و ارائه سخنرانی اشتغال داشته‌است.

از او مقالات و کتابهای چندی انتشار یافته‌اند که برخی با نام مستعار آذر طبری به چاپ رسیده‌اند. از جمله تالیفات او عبارتند از: "اصلاحات ارضی و تغییرات اجتماعی در روستاهای ایران".

"LAND REFORM AND SOCIAL CHANGE IN RURAL IRAN"

و "در سایه اسلام: جنبش زنان در ایران"

" IN THE SHADOW OF ISLAM: THE WOMENS MOVMENT IN IRAN "

با همکاری ناهید یگانه. و مقالات " رجعت ایران به اسلام: از مدرنیسم به نظام اخلاق" به زبان انگلیسی در نشریه THE MIDDLE EAST JOURNAL و معمای زنان ایرانی چادری "

"THE ENIGMA OF THE VEILED IRANIAN WOMEN"

در نشریات MERIP REPORT و FEMINIST REVIEW

و همچنین همکاری در تهیه بخشهایی از چند کتاب با چند نویسنده از جمله نیکی کدی افسانه نجم آبادی هم اکنون عضو هیئت تحریریه نشریه نیمه دیگر و همچنین عضو شورای انجمن پژوهشهای ایرانی میباشد.

احمد اشرف

### نگرش به پیدایش و تحول روشنفکران

ما پیش از آنکه روشنفکر داشته باشیم اهل علم و اهل قلم داشتیم. آنان را دانشور و سخنران هم میخواندیم: علماء، فقهاء، حکمای الهی، طلاب، عرفاء، مشایخ صوفیه، شعراء، ادباء، علمای هیئت و ریاضی و اطباء. پیوند درونی دانشوران از دو راه بود: یکی از راه میراث مشترک فرهنگ ایرانی، اسلامی و دیگری از راه آگاهی از هم و تفاهم نسبی با یکدیگر. کشاکش درونی آنان نیز دوگونه بود: یکی فکری و دیگری اجتماعی. از نظر فکری فقهای قشری از علماء و حکمای الهی و عرفا و شعرای مایل به عرفان متمایز بودند تبعید در برابر تعقل فلسفی و دل آگاهی عرفانی. همه این شیوه‌های تفکر و شناخت اما از تفکر دینی ایرانی مایه میجستند. دیگر اینکه، خاستگاه اجتماعی دانشوران همسان نبود. آنان یا به بارگاه و دیوان، یا به ملوک طوایف و بزرگ مالکان محلی، و یا به بازاریان و توده‌های شهری بستگی میداشتند.

در عصر مشروطیت گروهی از دانشوران حامل و پیام‌گزار آرمانهای عصر روشنگری غرب شدند و پیکار با استبداد سیاسی و استبداد دینی را برگزیدند. پیام آنان روشنگری را "منورالفکر" و آنگاه روشنفکر خواندند. به مرور اما کاربرد این مفهوم گسترش یافت و بر همه دانشگاهیان و فرهنگیان و دانش‌آموختگان متجدد اطلاق شد. با اینهمه بار تعهد اجتماعی همچنان در حاشیه این مفهوم بر جا ماند. پس روشنفکر یک معنای عام پیدا کرد که در برگیرنده همه دانشوران متجدد بوده و یک معنای خاص که بر روشنفکر متعهد و مسئول اطلاق میشد.

فلسفای پیاپی روشنفکران ایران در قرن حاضر با شتاب از فرهنگ ایرانی-اسلامی بیگانه شدند و شکاف بزرگ فرهنگی و اجتماعی آنان را هم از توده‌های مردم و هم از دانشوران متقدم جدا و بیگانه کرد. در این میان، از اواسط قرن و به خصوص بعد از کودتای ۳۲ و در جریان انقلاب سفید، روشنفکران متعهد از تجدد خواهی و فرنگی‌مایی دستگاه حاکم بشدت سرخوردند و بسیاری از آنان به درجات، هواخواه سنن اسلامی شدند. همزمان با این دگرگونی گروهی از علماء و طلاب جوان به احیای فکر دینی و اشاعه فقه سیاسی همت کردند و زبان تازه برای تبلیغ برگزیدند و را بسوی دانشگاهیان و فرهنگیان گشودند. آنان عرصه کارشان را از مسجد و بازار فراتر بردند و به دانشگاه رساندند و گروهی از دانشوران و روشنفکران پدید آوردند که بر مثلث حوزه و دانشگاه و بازار استوار بودند. ناآگاهی روشنفکران و دانشوران و برگزیدگان متجدد از فرهنگ ایرانی و اسلامی و بیگانگی آنان از متن جامعه سبب شد تا به راههای از پیش نیندیشیده فرا روند و سرگردان شوند.

بیوگرافی: احمد اشرف دارای دکترای جامعه‌شناسی در سال ۱۹۷۱ از

NEW SCHOOL FOR SOCIAL RESEARCH<sup>۱۱</sup> میباشد. او در دانشگاههای تهران، پرینستون، نیویورک و

NEW SCHOOL FOR SOCIAL RESEARCH<sup>۱۲</sup> تدریس کرده‌است. مقالات متعددی در باره تاریخ اجتماعی ایران و جامعه‌شناسی ایران از ایشان منتشر شده‌است. از جمله تالیفات ایشان میتوان کتابهای "موانع رشد سرمایه‌داری در ایران" و "جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی" را نام برد.

دوستان و رفقای عزیز:

همانطور که مطلع هستید می‌دانید موارد توافق شده در سفیدار مشکی (مهری ۸۸) انتشارات کهن پلتن فارسی تحت نام "پولتن تحت آزار" بود که می‌بایست لایحه موضوعات و مباحثی در رابطه با موضوع سفیدار مهری (نیزه شرایط خدایگان شود و در این باره آن - در ارتباط با امر مبارزه، سازگاری مبارزه، امنیت اهداف، همکاری، مبارزه با دشمنان، و غیره با تشکیلاتی در صورت فعالیت و همکاری) ارائه دهد. متأسفانه تا امروز هیچ مقاله و نوشته‌ای در دست ما نرسیده است.

بدیهی است که وجود دانش رفیقان پولتنی می‌تواند حلیف نظرات را نتواند مطرح سازد. به این طریق همفکران می‌توانند در این باره فعالیت بیشتری داشته باشند. در شرایط عدم اطلاع از نظرات و دیدگاه‌ها می‌باید با وجود ملاحظاتی کارساز آتی مکتوبی پیش‌رفته ارائه شود.

لطفاً نظرات خود را حتی در چند پاراگراف هم که شده به آدرس زیر ارسال دارید:

ISA  
P.O. Box 6113,  
Falls Church, Va. 22046.

با آرزوی موفقیت برای شما  
یکی از سرداران ارتباط و همکاری سفیدار مشکی  
۵ خرداد ۸۸

رفقای منزل ارتباطات: هر چش می‌شود که این اعلام را در دسترس سایر دوستان  
ورضا قرار دهد.



تشریح

در بیان

نہا

در صورت آمل به دریا

عاش بلبر

www.KetabFarsi.com



کارگران همه کشورها متحد شوید!

# طرح جدید اساسنامه سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

سی سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر ★ قیمت: ۱۲۰ ریال شماره ۵۵

## گزارش تشکیلاتی

### مصوب پنجم مرداد ماه ۶۷ کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر در صفحه ۶۷

بی ایران راه کارگر

موزان و دانشجویان

به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۷-۶۸

در صفحه ۵

اعلامیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی

علیه حمام خون در زندانهای ایران بیاخریم!

در صفحه ۲



جاودان باد یاد رفیق  
حسن محمدی

با جنگ، گلازه سر مردم برداشتن،  
با بازسازی، گلازه بر سر مردم می گذارند!

کارگران و رنجبران!

مردم محروم و ستمکشیده ایران!

ایران عتبات و جمهوری اسلامی که طرفدارها

با فشاری برتداوم یک جنگ ارتجاعی وسیع معنی

مرزندان و جوانان شما ایران و ایران رنجبران

بمباری ارتجاعی و پادشاهی شما با خانه و کاشانه

شما ایستاد و ایستاد، حاصل دستخیز برتداوم

حتی یک لقمه نان خالی بخور و نرسیده به راه

سنگ ریخته و مملکت را به طغیان از اسیران

تبدیل کردند، حالا گلهای بنفشه و ارغوانی

طرفدار با زینت، اما ما بطور گله در

جنگنا و در طبع و سایر رشتها و روستاها

همه برای سران رژیم هر روز

در پناه ما، معاصره های ایران و ایران

★ اعدام ۲۲ تن از زندانیان  
کمونیت در زندان اویسن  
★ اعتصاب غذای زندانیان و  
تحصن خانواده های زندانیان سیاسی  
★ با زجویی و معاکه مجد د  
زندانیان سیاسی در زندان  
عادل آباد شیراز و ...

در صفحه ۱۵

### تشدید سرکوب

و گسترش پیگردهای خیابانی

در صفحه ۲۳

### دوران پس از جنگ در ایران

رژیم ولایت فقیه که در  
معنی و "امم حرب الله" و بر طراز آنها هو  
دارای اقتدار همه جانبه بوده است در چهل  
چهار ساله در راستای  
داری  
اسلامی گامی  
آن جناح مومکوبی  
آخوندی  
و با سلاطین  
معلق زند "تجب  
آور آن با یک عفت  
همراه بوده سال پنجم  
طی شده در دوم سال پنجم  
از شهر خورما ۱۳۶۷

گزارش سیاسی زنان در ایران  
سازمان کارگران انقلابی ایران  
در صفحه ۶

### بقی تحریف!

در صفحه ۱۶

شراستی

فصل ۹

در صفحه ۲۳

در صفحه ۱۷

در صفحه ۲۳

در صفحه ۲۳

در صفحه ۲۳

در صفحه ۲۳

در صفحه ۲۱

در صفحه ۲۱

در صفحه ۲۱

در صفحه ۲۱

در صفحه ۲۱

در صفحه ۲۱

در صفحه ۱۱

در صفحه ۱۱

در صفحه ۱۱

در صفحه ۱۱

در صفحه ۱۱

اساسنامه سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر  
گزارش سیاسی و قطعنامه درباره اوضاع جنگ و صلح  
مصوب پنجم مرداد ماه ۶۷ کمیته مرکزی  
سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر  
ارگان سیاسی  
اعلامیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی  
سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر  
بیان نجات زندانیان سیاسی از خطر بانگستار وسیع بیاخریم!  
علیه تحویل بنا هندگان  
اخبار مبار

### مبنای تحول سوسیال دمکراتیک در طیف توده ای

در صفحه ۱۱





# کوردستان

دمکراسی برای ایران

خودماری برای کردستان

دفتر مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی

۵۰ ریال

مردادشهریور ۱۳۶۷ - اوت - سپتامبر ۱۹۸۸

شماره: ۲ دوره سوم

## فرمان جهان خمینی

### در بیست و هشت مرداد سال ۵۸

روز ۲۸ مرداد سال ۲۲ و ۲۸ مرداد ۵۸ روزهای سبانی در تاریخ خلقهای ایران بطور عموم و خلق کرد منظور احقر به تبار میروند. در رابطه بسا نوظنه های دستگا های عاوسی میگانه. سوپزه آمریکا، علیه حکومت ملی دکر

۵

## اطلاعیهای دفتر سیاسی

### حزب دمکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی

ملل را پذیرفت. روز دوشنبه ۲۷ شهریور رسماً آنرا اعلام نمود. قبول آتشبس و اعتراف به تکت حتی برای مسئولان رده. با بین رژیم غیرمنظوره بود که زبان به اعتراض و مخالفت

۲

هممیهان گرامی! مردم مبارز کردستان! رژیم مداخلتی جمهوری اسلامی در اثر فشار بحرانهای حاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی، سرانجام قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان

## یادی از ملا آواره

تجدید حالت سازمانهای حزب در مناطق سردشت، مهاباد، باه و پیرانشهر گردید. یکی از فعال ترین کادرهای این جنبش، ملا احمد تلماشی، مشهور بسه ملا آواره است. ملا آواره در روسای تلماشی، از توابع سردشت، و در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود.

۸

## ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲

در آخرین سالهای دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰، جبهه افکار و طبقات زحمتکش علیه رژیم مطلقیتی و استبداد به امپریالیزم در جهت تأمین عدالت اجتماعی و نیز مبارزه با افکار و طبقات زحمتکش و ملی بر ضد استعمار پیر بریتانیا سراسر ایران را فرا گرفته بود. نیروهای سرکوبگر رژیم هر روز با تقاضا کنندگان و

۶

## در این شماره:

### \* فعالیت نیروی پیشمرگ ۱۳

\* اطلاعیه اعلام پشتیبانی اعنای حزب در آلمان و دانمارک از رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران

### \* بعضی مواضع دیگر ۱۶

### \* تقویم تاریخ ۲۰

## وقت آن است با ایران صحبت شود

خواننده عزیز، نوشته ای که اینک از نظر شما میگذرد برگردان مقاله ای است از هنری کیسینجر که در مجله 'سیزویک' ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۸ به چاپ رسیده است. نویسنده مقاله که عضو حزب دمکرات آمریکا است، یکی از مبارزان مهم سیاست خارجی امپریالیزم آمریکایی به شمار میروند، و اگر چه در دوران حکومت جمهوریخواهان فاشراست دولتش میسی نداشته، لیکن بطور کلی این شخص و بسیاری دیگر از

۱۰

## بازگشایی مدارس

چند روز دیگر، با فرارسیدن اول مهر، میلیونها نفر از دانش آموزان و دانشجویان به مدارس و مؤسسات آموزشی باز خواهند گشت و همچنین دهها و صدها هزار نوشتار بسا مدارس راه خواهند یافت. نا از تور علم و دانش بهره مند گردند. بازگشایی مدارس در سال جدید، طبیعتاً بسا مسائل و مشکلات جدیدی که به برکت حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی گردمانگیر کشور شده، روبرو خواهد بسود. تجربه سالها حکومت آخوندی نشان

۸

## سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران



# کتابخانه ملی افغانستان

کتابخانه ملی افغانستان  
کابل

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

